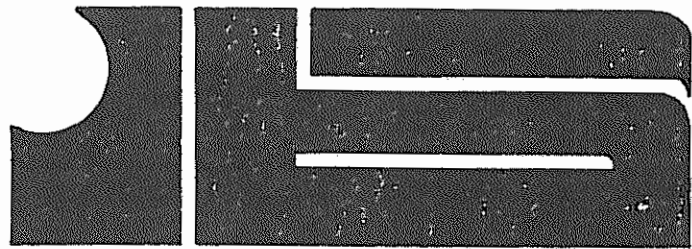


مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال سوم - چهارشنبه اول مهر

ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
((اثریت))

شماره ۱۲۸ - ۲۴ صفحه - ۳۰ ریال

هر هفته، هر ماه، هر سال

هفته برگزاری جنگ تحمیلی:

تجلی عزم راسخ خلق در پایان دادن به تجاوز و رسیدن به صلح عادلانه

هفته جنگ، ماه جنگ و سال جنگ با آمریکا است

● دیرنیست زمانی که این فداکاریها و جانبازیهای پاسداران، ارتشیان و دیگر نیروهای مردمی، همراه با مبارزات حق طلبانه خلق ستم دیده عراق و پشتیبانی همه نیروهای ترقی خواه جهان صلح را به خلقهای ایران و عراق ارزانی دارد و استقلال و آزادی آنان را شکوفا سازد.

در صفحه ۳

در راه درهم شکستن جبهه براندازی
به سرکردگی امپریالیسم امریکا
در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات
میان دوره ای مجلس فعالانه شرکت کنیم

دوم مهرماه بار دیگر میلیون ها تن از مردم به پای صندوق های رأی می روند تا سومین رئیس جمهور خود را انتخاب کنند. در این روز در تهران و چند شهر دیگر مردم در انتخابات میان دوره ای مجلس فعالانه شرکت می کنند تا نمایندگان خود را برای مجلس شورای اسلامی برگزینند. از عمر جمهوری اسلامی ایران ۲ سال و نیم بیشتر نمی گذرد ولی این سومین بار است که مردم خود را برای انتخابات ریاست جمهوری آماده می کنند. این حقیقت با اندکی تعمق در آن گیر و داری که ما را در آستانه انتخاب سومین رئیس جمهور قرار داده است یکی از صدها جلوه مبارزه حاد و گسترده ای است که جمهوری اسلامی برای درهم شکستن موانع در راه استقرار، ثبات و استحکام خود با آن درگیر است.

اولین انتخابات ریاست جمهوری

اولین انتخابات ریاست جمهوری برای مردم ایران و نیروهای خط امام و همه مدافعان انقلاب به معنی برداشتن گام بلندی در راستای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران بود. تشکیل عالی ترین نهاد اجرائی

بقیه در صفحه ۲

گامهای مثبت دولت در سیاست خارجی و توطئه های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب

درک این واقعیت که تنها ما نیستیم که در جهان علیه امپریالیسم مبارزه می کنیم بلکه جبهه ای به عظمت تمامی خلق های به پا خاسته و دولت های سوسیالیستی و ضد امپریالیست جهان با ما در یک سنگرند، پیروزی بزرگی برای انقلاب است. پیوستن به این جبهه امری است که ضامن پیروزی انقلاب ما و غلبه بر تمامی تجاوزات و توطئه های امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه است.

در صفحه ۳

مردمان فتنه
برای مردم
مستطاب

در صفحه ۲۱

در حاشیه فاجعه ای بنام تظاهرات مسلحانه

همبسته ای از جنون و خیانت

در صفحه ۲۱

پیام مشترك سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰:

سال تحصیلی جدید، 'سال اتحاد'،

سال رزم مشترك و متحد همه دانش آموزان

علیه آمریکای جنایتکار و 'تفاله' های آن خواهد بود!

در صفحه ۱۶

حرف هایی که زده ایم و رهبران مجاهدین نشنیدند

چه می گوئیم؟ به نیروهای سالیم و صادق

مجاهدین و هم راهمان چپ رو آنان

در صفحات
۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵

به جمهوری اسلامی ایران
دربخورد با نیروهای مجاهد می گوئیم

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

دراهم درهم شکستن ...

جمهوری اسلامی ایران اقدام تاریخی بود در برپائی نظام جمهوری اسلامی بر ویرانه‌های نظام شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله . شرکت میلیونی مردم ایران در اولین انتخابات ریاست جمهوری بیش از هر چیز به معنی آن بود که مصممند کار ساختمان نظام جدید را بر ویرانه‌های نظم آمریکایی محمد رضاشاهی به فرجام رسانند .

اولین انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی برگزار شد که نیروهای خط امام به طور قاطع تکلیف خود را با نیروهای خط سازش در حکومت روشن نکرده بودند . نمایندگان سیاسی خط سازش رسماً دارای مشروعیت بودند و اعتبار و نفوذ پورژوازی لیبرال در حکومت تا به آن پایه بود که آدم‌های شناخته شده‌ای مانند تیمسار مدنی از اعضای شورای رهبری جبهه ملی با همه سوابق طاغوتی و آمریکائی‌اش می‌توانست شهرها و روستاهای کشور را با پوست‌های تبلیغاتی خود بپوشاند . طیف‌های وسیعی از نیروهای خط امام اعتمادها و خوش‌بینی‌های خطرناکی نسبت به سیاست پیشگان لیبرال ابراز می‌کردند . بسیاری از شخصیت‌های سیاسی لیبرال از حمایت محافل وسیعی در خط امام برخوردار بودند و اهرم‌های قدرتمندی را در وزارتخانه‌ها و مطبوعات ، رادیو و تلویزیون و دیگر بخش‌ها در اختیار داشتند .

بنی صدر شخصیت متلونی که در نوشته‌ها و گفتار خود را مخالف نهضت آزادی بازگان و مدافع خط امام معرفی می‌کرد برچنین زمینهای توانست با برخورداری از حمایت نیروهای خط امام ، نیروی میلیونی خلق را پشتوانه انتخاب خود برای رسیدن به مقام ریاست جمهوری سازد . و به عنوان نخستین رئیس جمهور انتخاب شود .

انتخاب بنی‌صدر با وجود هشدارهای مسئولان نیروهای آگاه نسبت به انحرافات و شخصیت ناستوار ، نامطمئن و متزلزل او اشتباه سیاسی خطرناک نیروهای خط امام بود .

دو خصیصه اساسی خط امام

* خط امام، آمریکا را شیطان بزرگ و دشمن اصلی خلق‌های ایران معرفی می‌کند . نیروهای خط امام با این اعتقاد که " تا زنده‌ایم تحت هیچ شرایطی تسلیم آمریکا و اقامت اروپائیش نمی‌شویم " ، با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا می‌رزمند . امام تا کید دارد که اگر دقیقاً به وظیفه‌مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید .

* خط امام انقلاب را انقلاب کوخ نشینان می‌داند و بر نیروی توده‌های ده‌ها میلیونی محروم و " مستضعف " تاءکید می‌ورزد . امام می‌گوید ؟ " وضع در ایران به صورتی بوده است که حقوق حقه کارگران و رعیا را سرمایه‌داران بزرگ و مالکین بزرگ برده‌اند . و امروز هم می‌برند . بدین جهت آنان مالک کارخانه‌ها و زمین‌های خود نمی‌باشند ، همه آنان را پای میز محاکمه می‌کشیم ، مایملک و سرمایه آنان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و حقوق حقه مردم محروم را که عمری است مالکین بزرگ و سرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند به محرومین باز پس داده می‌شود . "

این دو خصیصه اساسی توضیح دهنده مضمون ضدامپریالیستی و مردمی خط امام است . برپایه

همین دو خصیصه این خط در جوهر خود مدافع آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک توده مردم و خواستار اتحاد و وحدت تمامی خلق و نیروهای مدافع انقلاب است .

عزل بنی صدر پیروزی مردم

بنی صدر خیلی زود آشکار کرد که با این آماج‌ها بیگانه است و نمی‌تواند به خط امام وفادار باشد . درگیری‌های بنی‌صدر در عالی‌ترین مقام اجرائی کشور با نیروها و نهادهای پیرو خط امام رو به حدت گذاشت و به مانع بزرگی در راه تعمیق انقلاب و انجام اقدامات قاطعی به سود محرومان مبدل شد .

* بنی‌صدر از امپریالیسم جهانی منهای آمریکا دفاع می‌کرد . او شوروی را پیش می‌کشید تا شعار مرگ بر آمریکا منسی یعنی فراموش شود .

* بنی‌صدر از خوانین و سرمایه‌داران دفاع می‌کرد و دفتر او کانون نیروهای رنگارنگ ضدانقلاب و توطئه علیه انقلاب بود . زیر پرچم بنی‌صدر از زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ گرفته تا فرماندهان آمریکا پرورده شاهنشاهی ، تا سرمایه‌داران لیبرال ، جاسوسان سیا ، مائوتسیست‌های مدافع آمریکا و گروهک‌های چپ‌رو از پیکاری‌ها گرفته تا رهبران مجاهدین گردآمده بودند و علیه انقلاب نقشه می‌کشیدند . بنی‌صدر در راه پراکندگی صفوف مردم حرکت می‌کرد و اعتقاد داشت که سرمایه‌داران باید در غارت محرومان آزاد باشند .

با این دلایل بود که توده مردم ، امام و نیروهای مدافع انقلاب علیه بنی‌صدر طغیان کردند . او را پیروزمندانه به زیر کشیدند و برای آن‌که پیروزی خط امام را بر خط سازش تثبیت کنند برای دومین بار به پای صندوق‌های رأی رفتند و رجائی را که در مختصات جدید شاخص‌ترین نماینده خط امام در میان کاندیداهای ریاست جمهوری بود ، به عنوان رئیس جمهور انتخاب کردند و بر " مسند نشاندند " . دلیل شرکت فعالانه ما در دومین انتخابات ریاست جمهوری و ریختن آرایمان به نام محمد علی رجائی همین بود . ما گفتیم " شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و حمایت از آقای رجائی حمایت از خط امام در برابر خط سازش با امپریالیسم آمریکا است "

دومین رئیس‌جمهور و اقدام جنایتکارانه

جبهه براندازی بسرکردگی امریکا

انتخاب رجائی به مقام ریاست‌جمهوری که با بیش از ۱۳ میلیون رأی انتخاب شد یک پیروزی بزرگ برای انقلاب و شکست مسلمی برای خط سازش بود . با انتخاب رجائی ضربه سیاسی مهلکی بر جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا وارد آمد . بنی‌صدر به‌دامن امپریالیست‌های مورد علاقه‌اش گریخت ، چهره باند خیانت‌کار رجوی - خیابانی از پرده فریب و نیرنگ بیرون افتاد و آشکار شد . معلوم گردید که بنی‌صدر و رجوی دست در دست خلبان مورد اعثما ی‌شاه ، دوست و مجری سیاست‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا هستند .

از مهم‌ترین دست‌آوردهای جمهوری در طرد بنی‌صدر و انتخاب رجائی تاءمین وحدت رهبری در بالاترین ارگان‌های اجرائی کشور بود . با تشکیل کابینه باهنر سمت‌گیری جمهوری اسلامی علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی شتاب فزاینده‌ای گرفت

" ملت صد در صد کارش را خوب انجام داده بود " و اینک لازم بود که " خواست‌های راستین

همه احزاب و گروه‌ها می‌توانند در انتخابات مجلس شرکت کرده ، نمایندگان خود را معرفی کنند . مساله گروه مطرح نیست بلکه شرایطی است که برای انتخاب شوندگان در نظر گرفته شده که حداقل سن باید ۲۵ سال باشد و معروف به صداقت و امانت باشند و هم‌چنین وابستگی به رژیم گذشته نداشته باشند .

در ذانون مساله گروه یا گرایش‌های مکتبی مختلف مطرح شده است و به همین دلیل برای شرکت احزاب و گروه‌ها در مجلس مانعی وجود ندارد و همه احزاب و گروه‌ها می‌توانند در انتخابات مجلس شرکت کنند . شهید باهنر

اطلاعات ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸

مستضعفین بی‌هیچ بهانه‌ای پی‌گیری شود . امام به قوه مجریه تاءکید می‌کرد که " شما باید برای این پایرهنه‌ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند و به اصطلاح کدخدای را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند ، خدمت کنید " این برای جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا بسیار گران بود . آمریکا و متحدان آن به خشونت و ترور کور روی آوردند . تعرض جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا فزونی گرفت تا شاید از این طریق انقلاب را با ضعف و شکست روبرو سازد . شکست‌هایی که آمریکا و خط سازش متحمل شده بود آنها را هارتر کرد و نومیدانه به تلاش مذبحانه‌ای وادارشان کرد . فاجعه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی که به شهادت بیش از ۷۰ تن از جمله معتبرترین و پرنفوذترین شخصیت پیرو خط امام آیت‌اله بهشتی و حجت‌الاسلام منتظری انجامید و به دنبال آن اقدام جنایتکارانه‌ای که رجائی دومین رئیس‌جمهور و باهنر نخست وزیر کشور را به شهادت رساند پیش از هرچیز تلاش نومیدانه امپریالیسم و متحدان آن برای بازداشتن انقلاب از پیشرفت و تعمیق بود . به این دلیل بود که خروش خشم‌آگین خلق در تشیع پیکر این شهدا نمایش اراده خلل ناپذیر خلقی بود که مصمم است علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و مزدوران داخلی آن قاطعانه مبارزه خود را به فرجام رساند .

اکنون در آستانه سومین انتخابات

اکنون در آستانه انتخاب سومین رئیس‌جمهور قرار گرفته‌ایم . روشن است که شرکت فعال در انتخابات ، مبارزه در راه درهم شکستن جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا است و همچنان متوجه حمایت قاطع و بدون تزلزل ما از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در مبارزه علیه خط سازش و تسلیم است . ما در بین کاندیداهائی که صلاحیتشان برای احراز از ریاست جمهوری به تائید شورای نگهبان رسیده است قطعاً به کسی را ی خواهیم داد که بیشتر از همه به انقلاب و خط امام متعهد ، پای‌بند و وفادار باشد . به کسی را ی خواهیم داد که نیاز مرحله‌ای انقلاب را که پاسخ‌گوئی به مطالبات کوخ‌نشینان ، محرومان و زحمتکشان است روشن‌تر و واقع‌بینانه‌تر از هر کاندیدای دیگر درک کرده و در تاءمین خواست محرومان پی‌گیرانه مبارزه کند .

ملاک‌های ما برای شرکت فعال در انتخابات

بقیه در صفحه ۲۳

هر هفته، هر ماه، هر سال

هفته برگزاری جنگ تحمیلی:

تجلی عزم راسخ خلق در پایان دادن به تجاوز و رسیدن به صلح عادلانه

هفته جنگ، ماه جنگ و سال جنگ با آمریکا است

سال اخیر، جاری بوده است نمی‌توانیم از این همه گذشت و فداکاری، از این همه جانبازی و دلاوری احساس غرور و سرافرازی ننمائیم. احساس غروری که در عین حال نمی‌تواند ضعف‌ها و نارسایی‌های جدی یک سال گذشته را با بی‌قیدی بنگرد. آری ما یک سال است که در رویارویی دلاورانه مردمان با خصم متجاوز، تمام مصائب و بلاهای جنگ را نیز با گوشت و پوست خود لمس کرده‌ایم. بمباران مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها و شهرهای وطنمان، آوارگی هم‌میهنان، دست‌اندازی تجاوزگران به جان و مال و ناموس هم‌میهنان زحمتکشمان، شهادت صدها و صدها رزمنده دلیر، کشتار کودکان، سالمندان و مردان و زنان بی‌دفاع توسط ارتش متجاوز، همگی واقعیاتی هستند که تک‌تک زحمتکشان میهنمان آن را به عینه دیده و تجربه کرده‌اند. و همه آنچه را که از سر گذرانده‌ایم بخش مهمی از عرصه نبرد ضدامپریالیستی خود می‌دانیم.

سازمان ما همواره بر این حقیقت پای فشرده است که برای بیرون راندن متجاوز باید علاوه بر مبارزه حماسی پاسداران، رزمندگان ارتش، و بسیج و غیره در جبهه‌ها و مقاومت و مبارزه خلق در سنگرهای تولید و کار در پشت جبهه، عرصه کارزار سیاسی و دیپلماتیک نیز فعال گردد و مبارزه نظامی و سیاسی به عنوان اجزاء مکمل یکدیگر به کار گرفته شوند. اینک در سالگرد جنگ تحمیلی ما ضمن ارج نهادن به مقاومت کوه‌دلانه خلقمان که در یک کلام در حماسه‌آفرینی خلق تجلی است تاکید کرده و توجه دولان جمهوری را به رفع کمبودها و نقایص جلب می‌کنیم. جبهه انقلاب جهانی در هر دو عرصه دست همکاری به سوی ما دراز کرده است، این دست را باید فشرده تا بر خصم مشترک همه خلقهای جهان یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی ضربه‌ای کاری وارد ساخت.

ایران و عراق و به زیان جبهه انقلاب منطقه به بار می‌آورد از همان آغاز تلاش گسترده‌ای را برای رسیدن به صلحی شرافتمندانه بین دو کشور آغاز نمود. در مقابل مرتجعین و امپریالیست‌ها به تقویت و حمایت لفظی و مادی دارو دسته صدام دست زدند و حتی تلاش برای پنهان کردن شادی خود از ضرباتی که جنگ متوجه انقلاب ایران و جبهه انقلاب منطقه نموده است نکردند. اینک یک سال پس از آغاز جنگ تجاوزگرانه، هنگامی که گذشته را مرور می‌کنیم، گذشته‌ای که نه فقط در تصاویر نمایشگاه‌ها که در تک تک دقایق زندگی مان در یک

متجاوز، تحمل مصائب بی‌شمار جنگ به وسیله بیش از دو میلیون آواره جنگ مقاومت و ایستادگی آنها در برابر کوهی از مشکلات، همه و همه نمونه‌های برجسته‌ای از ایثار در راه پاسداری از دستاوردهای انقلاب و پیروزی نهایی، ترسیم می‌نماید. موضع‌گیری جبهه انقلاب و ضدانقلاب در منطقه و جهان در رابطه با جنگ تحمیلی، چهره دشمنان و دوستان انقلاب ما را بیش از پیش به مردم نشان داد. ورودی انقلاب جهانی با ابراز انزجار و تأسف از جنگ تحمیلی و مصائبی که این جنگ برای خلقهای برادر

خیابانی آبادان و خونین‌شهر در دشت‌های خوزستان و در کوه‌های پربلایت غرب-میهنان یک بار دیگر حماسه‌های مقاومت مردم دلاور و بی‌تنام، الجزایر و دهها نمونه دیگر را در دلها زنده ساخت. شهادت حماسه‌آفرین صدها و صدها رزمنده، پاسدار، نظامیان قهرمان، نیروهای بسیج و خون سرخ شهدای کمونیست آوای بلند این پیام هوشی‌مین را تکرار نمود که: "هیچ چیز از استقلال و آزادی گران‌بهارتر نیست" کار و کوشش مداوم کارگران و دهقانان میهنان در سنگر کارخانه‌ها و مزرعه و شرکت فعال آنها در نبرد با خصم

برگزاری مراسم گوناگون در هفته برگزاری جنگ تحمیلی از برقراری نمایشگاه‌های عکس و پوستر گرفته تا برگزاری راهپیمایی‌ها نمایش‌های سیاسی و نظامی، خطابه‌ها و سخنرانی‌ها و از ادامه نبردهای دلاورانه در جبهه‌ها برای بازپس گرفتن مناطق اشغالی تا ادامه کار و تلاش در پشت جبهه‌های کارخانه و مزرعه، همه و همه پیام مشترکی را از حنجره واحد خلقمان فریاد می‌کردند: خلق ما برای بازپس گرفتن مناطق اشغالی برای بیرون راندن متجاوزین برای رسیدن به صلحی شرافتمندانه و عادلانه، برای تعمیق انقلاب و دستاوردهای آن و در یک کلام برای ساختن ایرانی مستقل و آزاد اراده خود را در کوره نبرد علیه امپریالیسم و متجاوزین چون پولاد آبدیده ساخته و هیچ نیرویی را یارای مقابله با عزم راسخ آن نیست.

جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام که با هدف‌های تضعیف و نابودی نقش انقلاب ایران در جبهه رویارویی انقلاب و ضدانقلاب در سطح منطقه و ضربه زدن و نابودی انقلاب در راستای منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه برافروخته شد، از همان آغاز با مقاومت و پایداری حماسی مردم ما مواجه شد. مردم ما چون تنی واحد تجاوز را محکوم ساختند و به سرعت تمامی امکانات خود را برای دفع تجاوز و برقراری صلح عادلانه، صلحی که هدف اصلی آن تقویت توازن قوا در منطقه به سود جبهه انقلاب و ایجاد یکی از پیش شرط‌های لازم برای سازندگی انقلابی کشورمان است، بسیج نمودند. پاسداران جان بر کف پرسنل مبارز و فداکار ارتش نیروهای بسیج و در کنار آنها و با آنها رزمندگان کمونیست از جان‌های پاک و آزاد خود سد محکمی ایجاد کردند که متجاوزین را در گام‌های نخستین متوقف ساخت. حماسه و فداکاری‌ها و از جان گذشتگی‌ها در رزم‌های

گام‌های مثبت دولت در سیاست خارجی و نوطه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب

پیروزی بزرگی برای انقلاب ما است هیچ انقلابی تاکنون بدون درک واقعیات فوق‌به، پیروزی نهایی نرسیده و هرگز هیچ انقلابی با درک همه جانبه، این واقعیت شکست نخورده و نخواهد خورد اقدامات اخیر دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه سیاست خارجی نشانگر آن است که جمهوری اسلامی در جریان مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان آن به تدریج با جنبه‌هایی از واقعیت‌های فوق آشنا می‌گردد. مسافرت هیئتی به سرپرستی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به جمهوری دموکراتیک خلق کره، شرکت مهندس میر حسین موسوی وزیر خارجه جمهوری در کنفرانس سران جبهه پایداری، شرکت هیئت پارلمان ایران به سرپرستی حجت‌الاسلام دعائی در کنفرانس بین‌المجالس و همچنین مسافرت هیئتی به سرپرستی وزیر اقتصاد به جمهوری دموکراتیک آلمان و یوگسلاوی، جملگی نشانه آن‌اند که دولت جمهوری اسلامی ایران قصد دارد

اسلامی و انقلاب را از میان بردارند بی‌تردید اتخاذ یک سیاست فعال و ترقی‌خواهانه خارجی نیز برای مقابله با جبهه ضدانقلاب جهانی و پیشبرد اصلاحات انقلابی در داخل امری حیاتی است که بدون آن تعمیق انقلاب و دفاع از آن در برابر دشمنان خارجی و داخلی ممکن نیست. درک واقعی و همه‌جانبه این واقعیت که ما در پیشبرد هرگام انقلاب از یک سو با تمامی امپریالیست‌ها و دولت‌های وابسته و متحد آنها روبرو هستیم و از سوی دیگر تمامی دول ضدامپریالیست و ترقی‌خواه جهان در هرگام که برمی‌داریم با ما همراه هستند، درک این واقعیت که تنها ما نیستیم که در جهان علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنیم بلکه جبهه‌ای به عظمت تمامی خلق‌های بپا خاسته و دولت‌های سوسیالیستی و ضدامپریالیست جهان که هم‌اکنون مدت‌هاست در جهان وجود دارد با ما در یک سنگرند و پیوستن به این جبهه امری است که ضامن پیروزی انقلاب ما و غلبه بر تمامی تجاوزات و نوطه‌های امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه است.

انقلاب ایران امروز یکی از هدف‌های مستقیم امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه است. به‌ویژه هر قدر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه بیشتر از روند تحولات اوضاع ایران نومید می‌گردند، بیشتر به سیاست‌های تجاوزکارانه آشکار و راه‌های دخالت مستقیم نزدیک می‌شوند. امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه این همه تجهیزات نظامی و هزینه‌های سرسام‌آور را بیهوده متحمل نگشته‌اند امروز میهن ما ایران دقیقاً یکی از هدف‌های اصلی و مستقیم تمامی تدارکات و تجهیزات جبهه ضدانقلاب است. امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در صددند با تکیه بر نیروی نظامی، اقتصادی و سیاسی خود، همه اشکال دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم را علیه انقلاب ایران به کار گیرند و با تشریک‌کاری بر روند تحولات داخلی با ایجاد کانون‌های تشنج در مرزها و مناطق ایران با گسترش ابعاد خشونت و درگیری میان مردم و جلوگیری از وحدت هرچه بیشتر توده‌ها و انقلابیون ایران، جمهوری

بقیه در صفحه ۲۳

برداشت روزنامه کیهان از مواضع مادر مورد روش‌های مقابله با تروریسم ناقص و نشانه کم‌آگاهی است

سردبیر محترم روزنامه کیهان!

شده است که مواضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را چیزی جز آنچه هست، جلوه می‌دهد. مقالات متعدد تشریحی کار که در رابطه با تروریسم و اعدام‌ها انتشار یافته است بهتر از هر سخن دیگر گویای مواضع اصولی و منطقی سازمان ماست. برای اینکه سخن غیر مستند نگفته باشیم شما را رجوع می‌دهیم به یکایک مواضعی که در این رابطه در ارگان سازمان انتشار یافته است:

۱ - "در عین حال که جمهوری اسلامی در قبال هواداران گروه‌های منحرف باید سیاست ارشادی در پیش گیرد" سرکوب بدون ماشات جریان‌های سیاسی که کمر به شکست انقلاب خونبار مردم ایران بسته‌اند و علیه آن مسلحانه دست به جنایت می‌زنند، از ارکان دفاع از انقلاب است"

(نقل از کار ۱۲۲ - بزرگترین خطای نیروهای مدافع انقلاب آن است که تروریسم را به یک "بلیه صرفا سیاسی و محدود

اطلاع داریید که در سرمقاله روز سه‌شنبه بیست و چهارم شهریور ماه روزنامه کیهان نسبت به مواضع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر احزاب و گروه‌های متعهد به انقلاب در مبارزه با تروریسم اشاره شده است. ضمن استقبال از روش منطقی و معقول آن روزنامه در نقد و بررسی دیدگاه‌ها و راه‌حل‌هایی که از جانب مدافعان انقلاب عرضه شده است، به اطلاع شما می‌رسانیم که مواضع سازمان ما در مورد شیوه‌های مقابله نیروهای مدافع انقلاب در برخورد با تروریسم در شماره‌های متعدد نشریه کار توضیح داده شده است و خوشبختانه آنچه هم که در سه شماره سرمقاله کیهان درج شده است، قسمت‌هایی است از راه‌حل‌هایی که نیروهای پیشرو مدافع انقلاب (و از آن جمله سازمان ما) توصیه می‌کنند، با این همه متأسفانه در سرمقاله روز سه‌شنبه مطلب طوری تنظیم

به عملکرد گروهک‌ها تنزل دهند و راه مقابله با آن را هم به "اعدام" منحصر سازند. "سازمان ما از سیاست ارشادی و معقولانه در برخورد با هواداران مجاهد صمیمانه استقبال می‌کند. اعدام‌های بی‌رویه و زائد نه تنها کمکی به تروریسم نمی‌کند، بلکه عناصری را که می‌توانند مسائل خود را حل کنند از این کار محروم می‌سازد. در عین حال باید قاطعانه جلوی هرگونه عملیات تروریستی را گرفت. خوش‌خیالی در این زمینه که گویا باید به تروریست فعلا فرصت داد مرتب بمب منفجر کنند تا روزی سر عقل بیایند خطای بسیار فاحشی است. وظیفه نیروهای انقلابی است که بکوشند مانع از عملیات تروریستی شوند"

(نقل از کار ۱۲۳ - نیروهای امنیتی، انتظامی و همه سازمان‌ها و نهادهای انقلابی وظیفه دارند با این شبکه‌های تروریست و بمب‌گذار به مقابله برخیزند و فعالیت خود را بر شناسایی و دستگیری عوامل واقعی ترور و شبکه‌های عملیاتی تروریست‌ها و کسانی که در این عملیات شرکت دارند متمرکز سازند. "برخوردهای خشن و انتقام‌جویانه با هواداران ساده گروهک‌ها تروریسم را پهن‌تر و جبهه‌مهار نمی‌کند" صدور احکام اعدام برای جوانان کمتر از ۱۸ سال و یا کسانی که در عملیات

مسلحانه شرکت نداشته‌اند غیر قابل توجیه و غیر قابل دفاع است" (نقل از کار ۱۲۵ - پیشنهاد می‌کنیم: "دادگاه‌های انقلاب رسماً اعلام کنند که کسانی که در عملیات مسلحانه، تروریستی و قتل شرکت نداشته‌اند اعدام نخواهند شد و به این حکم در عمل وفادار بمانند. شورای عالی قضایی هم باید با تعهدی که ضرورت انقلاب است دادگاه‌هایی را که احکام خلاف صادر می‌کنند، به بازپرسی بکشاند. این اقدامات برای باز کردن دست حکومت هم فوریت دارد و هم از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است"

(نقل از کار ۱۲۶ - سرمقاله کیهان یکشنبه بیست و دوم شهریور به ما خریده می‌گیرد که: "مثلا به رهبران خائن مجاهدین خلق نمی‌گویید از این عملیات ماجراجویانه دست برداشته و شیوه سیاسی را برای پیشبرد مقاصد خود بکار گیرند"

خیلی صریح در پاسخ بگوئیم که ما رهبران خائنی چون مسعود رجوی را قابل اصلاح نمی‌دانیم که به او پند دهیم که خیر و صلاح چیست. کار او و امثال او از این حرف‌ها گذشته است ما این عناصر را مسئول اصلی فاجعه‌ای می‌شناسیم که رخ می‌دهد. لاکن ما در شماره‌های متعدد نشریه کار رهنمودهای عملی و مشخص خود را برای امروز و آینده

مدیره باید عوض شود، بدون اینکه دلیل این امر را روشن کنند آنها به نظر فرهنگیانی که می‌گفتند اگر اشکالی به کار هیات مدیره وارد است طرح شود و هیات مدیره از خود دفاع کند سپس رای‌گیری شود، توجهی نکردند.

وقتی نماینده وزارت بازرگانی موارد قانونی و ضوابط انتخابات را مطرح می‌کرد، آنها در بین جمع می‌گفتند "قانون یعنی چه؟ وقتی یک اسم با گفتن تکبیر تایید شد، دیگر کار تمام است. با توجه به این مسئله که امسال از طرف امام خمینی سال قانون نامیده شده و تمام مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی مساله حاکمیت قانون را طرح می‌کنند، چنین برخوردی از طرف عناصری که گرداننده جلسه شدند چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

رهبر انقلاب بارها و بارها در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود تأکید داشته‌اند که دشمن شماره یک ما آمریکاست نخست‌وزیر و دیگر مسئولین نیز بر چنین خطی حرکت می‌کنند، حال جریانی که مسئله شوروی و توده‌ای را طرح می‌کند و در جلسه فرهنگیان به جای محکوم کردن دشمن اصلی و چگونگی مبارزه با آن در جنبه‌های مختلف از جمله اقسام، به طرح شعارهای "انحرافی" "مرگ بر شوروی" و "مرگ بر توده‌ای" می‌پردازد و کوشش در به هرج و مرج کشاندن جلسه دارد آیا همان جریانی نیست که سعی در منحرف کردن مبارزه مردم و فراموش کردن امریکا دارد؟

همانگونه که در مسیر پیشرفت انقلاب جریانی‌های انحرافی شناخته، افشاء و طرد شده‌اند، این جریان

همه نیروهای سالم و صادق مجاهدین خلق و همراهان اعلام کرده‌ایم و می‌کنیم و خواهیم کرد رهنمودهایی که تا امروز مثبت‌ترین و وسیع‌ترین تأثیرات خود را در جدا کردن عناصر صادق از خائن برجای نهاد، می‌نهد. برای اطلاع از مواضع سازمان در این زمینه رجوع کنید به نشریه کار شماره ۱۲۱ در مقاله "فاز رجوی در یوزگی نفرت‌انگیز از امپریالیسم جهانی" در کار ۱۲۲ در مقاله "امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین نیروها به تروریسم روی می‌آورند - اقدامات عاجل امپریالیسم" و بخصوص در کار ۱۲۲ در مقاله "چگونه انقلاب تروریسم را درهم می‌شکند آینده تروریسم و وظایف کادرهای صادق مجاهدین" در کار ۱۲۴ در تفسیر "جرح‌بال: از رجوی بیشتر حمایت کنیم" در کار ۱۲۵ در مقاله "وظایف عاجل و هشدارهای جدی - وظایف عاجل نیروهای مدافع انقلاب"

برای روزنامه کیهان و سایر مطبوعات روزانه که در یک مبارزه طولانی علیه ضدانقلاب و خط سازش شکست‌های فاحشی به آنان وارد آورده و خود را اینقدر از چنگ آنان رهانیده‌اند آرزوی پیشرفت‌های بیشتری داریم تحریریه نشریه کار ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۶۰

نیز سرنوشتی جز آنها نخواهد داشت و باید این اقدامات و روش‌ها را کنار گذاشت. شرکت تعاونی نهادی است صنفی و باید توده وسیع یک صنف را دربرگیرد و فقط باید عملکرد و فعالیت صادقانه، معیار باشد، نه چیز دیگری. و در انتخاب نیز فعالیت متعهدانه و مخلصانه هر یک از اعضاء می‌بایستی ملاک گردد.

جلسه بعدی مجمع عمومی شرکت تعاونی در نیمه اول مهرماه تشکیل می‌شود. نیروهای متعهد به انقلاب و پیرو قانون از تمام فرهنگیان عضو تعاونی دعوت کرده‌اند که با حضور فعال خود در این جلسه شرکت تعاونی را هرچه بیشتر در خدمت اهداف انقلاب و تأمین منافع توده وسیع فرهنگیان زحمتکش درآورند.

در جلسه مجمع عمومی تعاونی مصرف فرهنگیان

چه گذشت؟

جلسه مجمع عمومی تعاونی فرهنگیان در تاریخ دوازدهم شهریور تشکیل شد در این جلسه قرار بود هیات مدیره تعاونی گزارش کار سالانه خود را بدهند و هیات بازرسان انتخاب کردند. فرهنگیان شرکت‌کننده در جلسه می‌خواستند با طرح مشکلات خود وضع تعاونی را بهبود بخشند. می‌خواستند به مشکلاتی که در اثر جنگ، محاصره اقتصادی، کمبود کالا و گرانی در جامعه بوجود آمده است، با فعال‌تر کردن تعاونی که یکی از طرق غلبه

بر این مشکلات می‌باشد، پیروز گردند. ولی جمعی که تحت پوشش حزب‌اللهی بسیج شده و با چند اتوبوس به محل جلسه آورده شده بودند در بیرون سالن مطرح می‌کردند که ما برای به زیر کشیدن هیات مدیره با برای به زیر کشیدن توده‌ای‌ها آمده‌ایم. این عده از همان ابتدا اداره جلسه را در دست گرفتند و اجازه ندادند که کسی صحبت کند. حتی گذاشتند که هیات مدیره گزارش سالانه خود را بدهد و اعلام کردند که هیات

شکوه انقلاب در حماسه‌های

جبهه مقاومت

از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌های جنگ

و چیزهای دیگر صحبت می‌کردیم محمد همیشه می‌گفت :
" من یسک آدم انحصارطلب و تنگ‌نظری نیستم ، به نظر من مسلمانان مبارز و مترقی با کمونیست‌ها در یک جبهه واحد بر علیه استکبار جهانی قرار دارند " حرف‌های محمد همیشه خوشحالم می‌کرد به او می‌گفتم :
" کاش همه مثل تو فکر می‌کردند ، آن وقت وضع انقلاب خیلی بهتر از اینجا بود "

حالا هم که داشت به جبهه می‌رفت ، مثل یک مسلمان مبارز و مترقی می‌گفت " اگر شهید شدم ، دلم می‌خواهد که همه نیروهای مدافع انقلاب ، در تشییع جنازه‌ام شرکت کنند ، شاید خون من در حد خودش به امر وحدت کمک‌کند " محمد که از خانه‌مان بیرون رفت آسمان شهر غرق ستاره بود . محمد به سلامت باشد . یادش عزیز و گرامی باد

رفیق فدایی
شهریور ۶۰ - جنوب

یکی از رفقای فدایی در آبادان به مناسبت هفته جنگ با یکی از رزمندگان بسیج مصاحبه‌ای کرده است که قسمت‌هایی از آن را در اینجا می‌آوریم :

۱ - چه مدت است که در جبهه هستید ؟

تقریباً حدود یک سال است که در آبادان هستم و در جهاد سازندگی فعالیت می‌کنم

۲ - جهادسازندگی چه وظایفی دارد و تاکنون چه کارهایی انجام داده است ؟
جهاد دارای یک وظیفه خاص نیست ، بلکه وظایف متعدد و بسیاری دارد . از قبیل تعمیر وسائل موتوری مختلف اعم از ماشین‌های سبک تا ماشین‌های سنگین مانند لودر ، بلدوزر ، و ... سنگرسازی در خطوط اول جبهه پشتیبانی و تدارکات پشت جبهه

بقیه در صفحه ۲۲

می‌خواهم بروم جبهه ،

کاش تو هم

می‌توانستی بیایی

هوا داشت کم‌کم تاریک می‌شد ستاره‌ها یکی یکی پیدا می‌شدند و چهره امیدبخشان را نشان می‌دادند . توی ایوان خانه‌مان نشسته و در فکر آینده انقلاب ، توطئه‌های امپریالیسم و ندانم‌کاری‌ها و اشتباهات مسئولین مملکتی بودم . در همین موقع در حیاط به صدا درآمد محمد بود . او یکی از فعال‌ترین و پرشورترین بچه‌های بسیج محله‌مان بود . او را از خیلی پیش می‌شناختم در جریان انقلاب و بعد از آن بارها در تظاهرات خیابانی ، پخش اعلامیه سنگربندی خیابان‌ها و در انجام کارهای شورای محل باهم بوده‌ایم . محمد وقتی وارد خانه شد ، بعد از سلام و احوالپرسی با خنده گفت :

" دارم می‌روم جبهه ، آدمم خداحافظی دستم را دور گردنش انداختم و صورتش را بوسیدم و برایش آرزوی سلامت و پیروزی کردم وقتی داشت از خانه بیرون می‌رفت اشک چشم‌هایش را پر کرده بود گفت :

" کاش باهم بودیم ، کاش تو هم می‌توانستی بیایی " من هم قبلاً عضو بسیج بودم قرار هم بود به جبهه بروم اما به جرم هوادار سازمان بودن ، هم از بسیج اخراجم کردند و هم نگذاشتند که به جبهه بروم ، حتی از آن به بعد هم خیلی از بچه‌های بسیج که با هم دوست بودیم رابطه‌شان را با من قطع کردند اما محمد همیشه به خانه‌مان می‌آمد و ما با هم در مورد انقلاب ، در مورد جنگ ، توطئه‌های ضدانقلاب

نصب شده بود معلوم می‌شد که از رزمندگان سپاه پاسداران بوده‌اند . دختر جوانی که با شنیدن صدای آژیر آمبولانس خود را به بیمارستان رسانده بود ، گفت " بگذارید جنازه‌ها را نگاه کنم ، من خیلی از بچه‌های سپاه را می‌شناسم " دختر جوان همینکه پارچه سفید را از روی جنازه شهدا کنار زد و چشمش به یکی از سرهای بدون تن افتاد ، جیغی از درد کشید و سر را در آغوش کشید : " این برادر من است " صدای گریه‌اش با صدای انفجار گلوله‌های مزدوران عراقی درهم آمیخته بود :

" من دلم برایش تنگ شده بود ، سه ماه بود که او را ندیده بودم " بعد خیره به جنازه‌های دیگر نگاه کرد و گفت :
" برادر دیگرم گجاست ، آنها در شلمچه باهم بوده‌اند به او گفتم شاید برادرت زنده باشد " نه جنازه پدرم را هم صبح آورده‌اند ، آنها سه نفرشان یا هم در یک سنگر بوده‌اند "

شبی ناآرام و نا امن بود ارتش مزدور صدام آبادان را زیر آتش توپخانه‌های خود گرفته بود دختر جوان چشم‌ها و گونه‌های برادرش را بوسید و با غرور از جای برخاست . اشک‌هایش را پاک کرد و فریاد زد :

" مرگ بر آمریکا ، ... به من یک تفنگ بدهید جای برادرم در سنگر خالی است " سپس با قامتی استوار در حالی که باد موهایش را به بازی گرفته و اشک پهنه صورتش را پر کرده بود به سوی خونین‌شهر قهرمان براه افتاد .

یک پرستار فدایی آبادان
هفته جنگ

شهریور ۶۰

امپریالیسم ، مرگ بر آمریکا نشان دادم " آری ، " مرگ بر آمریکا " پاسخ دندان‌شکنی به تروریسم هار ، تروریستی که ناشی از یاس ضدانقلاب برای به بن بست کشاندن انقلاب است ، لیکن چه باک ، مردم ما این رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن انقلابی ، صبور و مقاوم ، خود بار انقلاب را به دوش کشیده و به پیش می‌برند . این نوید پیروزی ماست .

از یادداشت‌های یک فدایی آبادان
شهریور ۶۰

به من یک تفنگ بدهید
جای برادرم در سنگر خالی است

غروب یکی از روزهای اوایل جنگ بود . غروبی خونین ، انگار انعکاس خون شهیدان خونین‌شهر بود که بر پهنه دودآلود آسمان آبادان افتاده بود خون عزیزانی که همان روز در جنگی تن به تن و نابرابر در کوچه‌های شهر به شهادت رسیده بودند . از صبح یک لحظه صدای آژیر آمبولانس‌هایی که از جبهه‌های مقاومت خونین‌شهر زخمی‌ها را می‌آوردند ، قطع نشده بود . هنوز سرخی غروب ناپدید نشده بود که آمبولانسی ۹ شهید به بیمارستان آورد . بجز ۲ نفر از آنها بقیه قابل شناسایی نبودند . سه نفر از آنها سر نداشتند . پاهای سه نفر دیگر را نیز بریده بودند . بقیه هم اکثر نقاط بدنشان به شدت متلاشی شده بود . می‌خواستیم آنها را شناسایی کنیم فقط از روی آرم‌هایی که به سینه‌شان

صبح زود بود که سوار بر موتور از خانه بیرون آمدم صدای انفجار خمپاره‌ها و رگبار مسلسل‌های مزدوران عراقی طبق معمول به گوش می‌رسید . نسیم خنکی از سمت شمال می‌وزید و دوده‌های آسمان شهر را با خود به سمت دریا می‌برد . در خیابان‌ها کم و بیش وانست‌های شرکت نفت که کارگران را به سر کار می‌بردند ، دیده می‌شد . توی راه به یکی از رفقا برخوردیم ، گفت : خبر را شنیدی

کدام خبر ؟
- رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر هم

انگار آب سردی به رویم پاشیدند . لحظه‌ای ساکت ماندم در چشمان رفیق نفرتی عمیق از جنایت امپریالیست‌ها موج می‌زد . پرسیدم چطور ؟ گفت " بمب‌گذاری " بی‌اختیار به طرف مسجد رفتم به یکی از بچه‌های کمیته محلی گفتم " خبر را شنیدی ؟ " صحت دارد ؟ ! "

سرش را آرام تکان داد و گفت " آره صحت داره " اما این مردم هستند که انقلاب را ادامه می‌دهند " کلامش مقاوم و کوبنده بود .

همینطور که این خبر تمام ذهنم را پر کرده بود به راه ادامه دادم سر راه از طرف لین یک شعارهایی به گوش می‌رسید . به سرعت خودم را به آنجا رساندم زحمتکشان و کارگران قهرمان آبادان به همراهی نیروهای پاسدار و بسیج فریاد می‌زدند " مرگ بر آمریکا " فریادهای کوبنده آنها در صدای انفجار خمپاره‌ها و رگبار مسلسل‌ها درهم آمیخته بود . موتورم را کناری گذاشته و با مشت‌های گره کرده به صف راهپیمایان پیوسته و دوش‌به‌دوش آنها ، خشم و کینه خود را نسبت به آمریکا و عوامل جنایتکارش با فریادهای مکرر " مرگ بر

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



برنامه وزارت کار چگونه به مشکلات کارگران پاسخ می‌دهد؟

در شماره‌های گذشته ، برنامه جدید وزارت کار را با در نظر گرفتن مشکلات مبرمی که مبتلابه کارگران ایران است ، مورد بحث قرار دادیم . در این مقاله خواهیم کوشید به بررسی اجزاء و موارد شش‌گانه برنامه فوق‌الذکر (که شامل امور اداری ، تنظیم بازار کار ، روابط کار ، امور فرهنگی ، آموزشی و رفاهی می‌شود) بپردازیم .

لازم به تذکر است که آنچه که به عنوان برنامه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد ، بیش از آن‌که واقعا برنامه باشد یک شرح وظایف یا بهتر بگوئیم طرح فهرست‌وار بخشی از وظایف وزارت کار است . اما از آنجا که ارائه آن ، خود ، گام مثبتی در جهت توجه و پاسخگویی به مشکلات مبرم طبقه کارگر بوده و می‌تواند نوید بخش گام‌های منظم‌تر و جدی‌تر آینده باشد ، لذا مسامحتا از آن به عنوان برنامه وزارت کار سخن می‌گوئیم .

قبل از بحث در یکایک زمینه‌های فوق‌الذکر باید توجه داشت که در تهیه و تنظیم چنین برنامه‌ای برای وزارت کار و امور اجتماعی باید اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد کار و روابط کار مینا قرار گیرد و جوهر این اصول در تار و پود برنامه تجلی یابد . قانون اساسی بالاترین اعتبار حقوقی را دارد و تمام قوانین دیگر و برنامه‌های ارگان‌های دولتی باید که بر بنیاد قانون اساسی و در مطابقت با آن صادر شود . قانون اساسی جمهوری اسلامی دارای مضمونی نسبتا فنی در مورد کار و روابط کار است . در بند ۱۲ اصل ۳ این قانون " پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برای ایجاد رفاه ... مسکن و کار و بهداشت و تعمیر بیمه " مورد توجه قرار گرفته است در اصل ۲۶ آزادی انجمن‌های صنفی به

رسمیت شناخته شده است . در اصل ۲۸ حق داشتن شغل و موظف بودن دولت برای تأمین امکان اشتغال به کار برای همه افراد مورد تأکید قرار گرفته است . در اصل ۲۹ تأمین اجتماعی مردم به نحو احسن مورد نظر است . در اصل ۳۱ تأمین مسکن کشاورزان و کارگران منظور شده است . در اصل ۴۳ که اساسی‌ترین اصل در مورد روابط کار است در جهت " تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند . " هم‌چنین " رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری در بهره‌کشی از کار دیگری تلاشی مثبت شده است در اصول ۴۴ ، ۴۶ ، ۴۹ به ویژه اصل ۴۴ به بنیان‌های اقتصادی لازم در جهت ایجاد روابط کار سالم توجه گردیده است . اصول ۱۰۴ و ۱۰۶ حقوق شورائی کارکنان را مورد نظر قرار داده است . مجموعه این اصول محتوای خود را در قالب حقوق کار متجلی می‌سازد . حقوق کاری که هنوز مدون نشده است ولی شاخص‌های آن را در اصول قانون اساسی و در چند رکن اساسی می‌توان نمایاند این شاخص‌ها عبارتند از :

۱ - نفی بهره‌کشی و استثمار در محیط کار .
 ۲ - همگانی کردن کار و تحدید امکانات زندگی انگلی سرمایه‌داران و توجه اساسی به کار مولد .
 ۳ - تأمین شرایط و امکانات کار برای همه ، تضمین حق کارکردن برای همه بدون در نظر گرفتن ملیت ، نژاد ، مذهب و عقیده .
 ۴ - رعایت آزادی شغل و عدم اجباری افراد به کاری معین .
 ۵ - انضباط کار بر پایه

ترغیب و تشویق زحمتکشان - حفاظت وصیانت از کار - مشارکت کارکنان در امر تولید ، تثبیت حقوق شورائی و تسهیل در تشکیل اتحادیه‌های کارگری

۶ - تأمین اجتماعی و رفاه زحمتکشان
 ۷ - قانون کار و تأمین اجتماعی جدید را باید با توجه به شاخص‌های فوق تدوین نمود .
 ۸ - با توجه به نکات فوق‌الذکر به بررسی مشخص موارد شش‌گانه برنامه وزارت کار می‌پردازیم :

۱ - امور اداری - برای ارائه طرحی در خصوص تشکیلات وزارت کار و امور اجتماعی ، نخست باید اهداف مورد نظر این وزارتخانه و به‌ویژه مضمون و چارچوب قانون کاری که این وزارتخانه مسئولیت تنظیم و تدوینش را به عهده دارد روشن شود . در این رابطه وزارت کار باید با پای‌بندی به اصول قانون اساسی به تدوین قانون کار جدید پرداخته و با هرچه روشن‌تر کردن اهداف و مسئولیت‌هایش به یک نوسازی تشکیلاتی اقدام نماید . در آن صورت است که امکان واقعی بهره‌گیری از " نیروی کارگران به صورت همکاری و مشاوره " (موضوع بند الف برنامه) بیش از پیش فراهم می‌آید . هم‌چنین تقویت دفتر ارزشیابی نیز (بند ج) زمانی می‌تواند میسر گردد که به‌جای ضوابط غیرمستولانه و سطحی ، کارآئی انقلابی و فنی افراد و تلاشی‌شان در راه مصالح جامعه و انقلاب مورد ارزیابی قرار گیرد . " همکاری با نهادهای انقلابی بالاخص جهاد سازندگی " (بند ب) که از عملکرد مثبت و مؤثری برخوردار بوده است ، به‌خودی خود صحیح است ، اما چگونه این همکاری و ضوابط آن باید روشن شود .

۲ - " تنظیم بازار کار " - وزارت کار و امور اجتماعی

بخشی از اهداف و وظایف را تنظیم بازار کار می‌داند ، در صورتی که ، همچنانکه در قانون اساسی نیز آمده است ، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و تضمین حق کار ، باید هدف برنامه‌های دولت باشد . به‌نظر می‌رسد مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی تنها درکی کوتاه مدت و محدود از اهداف برنامه‌های خویش دارند . تنظیم بازار کار یکی از ابزارهای مهم در متعادل نگاه داشتن اقتصاد سرمایه‌داریست اما برای کشور ما (که مصمانه در جهت قطع وابستگی به امپریالیزم مبارزه می‌کند) " متعادل " نمودن عرضه و تقاضای نیروی کار (خرید و فروش نیروی کار) نباید مضمون کلی هدف برنامه‌ای قرار گیرد ، بلکه هدف کلی باید تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و تضمین حق کار باشد .

در اینجا باید متذکر شد که حق کار برای همه تنها به این مفهوم نیست که هرکس باید کاری داشته باشد ، بلکه کار باید در اساس ، مطابق با پیشه و حرفه کارگر تدارک دیده شود و توجه به چنین امری است که حق کار کردن یا فرصت‌های واقعی کسب تعلیم و تربیت در خور حرفه مربوطه تضمین می‌شود . در ابتدای این بخش (تنظیم بازار کار) آمده است : " مادام که مسئله مالکیت و حدود ضوابط سرمایه‌گذاری مشخص‌نگردیده است ، وضع اشتغال از ناپسامانی کنونی رهائی نیافته و ... " با توجه به این مطلب ، وزارت کار نبض برنامه را تعیین حدود و ثغور مالکیت دانسته است . آری تعیین حدود مالکیت امری بسیار ضروری و اولیه است اما اگر جوهر اصول ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۶ و ۴۹ قانون اساسی مورد توجه جدی قرار گیرد مسئله مالکیت و به تبع آن تضمین حق کار برای همه

(به جای تنظیم بازار کار) صراحت و وضوح بیشتری می‌یابد . راه‌ها و طرقی که برای امکان اشتغال ، مورد توجه قرار گرفته است (بند الف تا ل) در مجموع مثبت است . البته در صورتی که ضوابط اجرائی آن روشن گردد و نفاذی که به پاره‌ای از آنها وارد است برطرف شود . " ایجاد مرکز آمار و اطلاعات نیروی انسانی کشور " (بند الف) نیز لازم و ضروری است اما بهتر است این مرکز در هماهنگی با " مرکز آمار ایران " فعالیت نماید و از عریض و طویل شدن بیهوده تشکیلات جلوگیری شود . " توسعه شبکه کاربایی‌ها " (بند ب) و " تهیه و تنظیم شناسنامه کار " (بند ج) با همکاری همه‌جانبه تشکلهای کارگری که با بوروکراسی اداری مبارزه می‌نمایند مثبت است . " ایجاد بیمه بیکاری " (بند د) در صورتی که همه بیکاران آماده به کار را در برگیرد و نه فقط کارگران شاغلی را که در جریان کار به طور غیر ارادی بیکار می‌شوند امری واقع‌بینانه و ضروری است (در " کار - اکثریت ، شماره ۱۲۰ در این خصوص به‌طور مشروح بحث شده است) . " طرح سپاه کار " (بند ه) نیز که در آن تلاش می‌شود از نیروی کار بیکاران در کارهای عام‌المنفعه و در روستاها بهره‌گیری شود ، طرحی اصولی است . تنظیم برنامه نقل و انتقالات نیروی کار " (بند و) ضروری است زیرا وجود برنامه‌ای برای نقل و انتقال کارگران تحت ضوابط مشخص می‌تواند اعتماد و اطمینان در کارگران پدید آورد و نوید بخش پایان سرگردانی‌هایشان باشد و نیز می‌تواند از هجوم بی‌رویه کارگران به بعضی مناطق جلوگیری نموده و یا کمبود نیروی انسانی مناطقی را تأمین کند

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



"افزایش فرصت‌های اشتغال در کارهای نیمه‌وقت، مدت محدود، فصلی مخصوصا در بخش کشاورزی... (بندز) در صورتی که ضوابط آن روشن شود واقع‌بینانه و مثبت است زیرا به کارگران و روستائینی که به درآمد بیشتری نیاز دارند امکان کار بیشتر داده و بر تولید ملی نیز می‌افزاید. "تنظیم بازار بین‌المللی کار... (بند ح) در صورتی که به مفهوم نظارت کامل بر اشتغال باشد نه تنظیم بازار کار و با هماهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی "صورت گیرد، و نیروی متعهد به انقلاب را جذب نماید امری لازم است. "تهیه طرح بسیج و راه اندازی صنایع و طرح‌های عمرانی" (بند ط) نیز از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که مطرح شده است. باید هر چه زودتر ضوابط اجرائی آن معلوم شود و در راه‌اندازی صنایع و طرح‌های عمرانی آن‌هایی مورد نظر قرار گیرد که از وابستگی کاسته و درآمد ملی را افزایش دهد. عملی شدن این طرح گامی است جدی و مؤثر در جهت مبارزه با بیکاری. "ایجاد امکان نظارت کامل بر نحوه سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، کشاورزی... (بند ی) در صورتی که هدف ایجاد امکان اشتغال نه تنظیم بازار کار باشد و با هماهنگی کامل با وزارت صنایع و معادن به اجرا درآید، ضروری است. "ایجاد امکان نظارت بر ورود کالاهای خارجی به منظور حمایت از استادکاران... (بند ک) با هماهنگی با وزارت بازرگانی لازم است، هم‌چنین "احیای صنایع کوچک ملی و سنتی" (بند ل) در صورتی که ضوابط اجرائی آن روشن شود و با هماهنگی با وزارت فرهنگ و هنر عملی شود، مثبت است. در این طرح باید پیش‌بینی شود که این صنایع در تعاونی‌های حرفه‌ای متمرکز شوند و دولت این تعاونی‌ها را تحت حمایت خود قرار دهد.

۳ - "تنظیم روابط کار" وظیفه وزارت کار و امور اجتماعی تنظیم روابط کار به تنهایی نیست، بلکه برای "حفظ و صیانت نیروی کار" نظارت کامل بر روابط کار از وظایف اساسی این وزارتخانه است. نظارت و تنظیم روابط کار همراه با تدوین و به اجرا

درآوردن قانون کار مرفقی و نوین که بیانگر تحولات انقلابی جامعه ما باشد و با مضمون مبارزه با استثمار و بهره‌کشی تنظیم شود اولین و ضروری‌ترین گام است. در بند الف این بخش آمده است "تدوین قانون کار و کار کشاورزی با همکاری صاحب‌نظران اسلامی کارگران، شوراها و مدیران که در این قسمت پذیرش همکاری کارگران و شوراها را برای تدوین قانون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اینجا لازم به تذکر است که اگر قانونی در خور انقلاب مردم تدوین شود، بسیاری از مواد دیگر این بخش (تنظیم روابط کار) در قانون کار منظور می‌شود و احتیاجی به مقررات و قوانین جدا نیست. "ادامه تشکیل هرچه سریع‌تر شوراها... (بند ب) امری ضروری است، اما در ابتدا باید وظایف و حقوق این شوراها دقیقا روشن شده تثبیت قانونی آنها (بدون استثنا) عملی گردد.

مهم‌ترین وظایف این شوراها عبارت خواهند بود از: - دفاع از دست‌آوردهای ضداپریالیستی و مردمی انقلاب و مبارزه به خاطر گسترش روند آن از طریق مشارکت انقلابی در اداره امور واحدها و به این وسیله شرکت فعالانه در طرح‌ریزی برنامه‌ها، تعیین خط‌مشی‌ها و سازماندهی امر تولید، مبارزه با اخلاص‌گری‌های سرمایه‌داران و مدیران ضدانقلابی لیبرال و... - دفاع از منافع صنفی - رفاهی توده کارگران و کوشش در جهت بهبود شرایط کار و زندگی آنان "برقراری نظم انقلابی در کارگاه‌ها با تهیه طرح آئین‌نامه" انضباطی" (بند ج) این نظم باید بر پایه ترغیب و تشویق استوار بوده و در چارچوب حقوق و تکالیف انقلابی کارگران تنظیم گردد باید که انضباط کاریک وظیفه قانونی تلقی شود و کار نمونه به صورت‌های مختلف تشویق گردد. سیستم جایزه برقرار شود و به کارگران مبتکر و پیشرو درجات افتخاری تعلق گیرد. باید از انگیزه‌های مادی و معنوی در جهت انضباط کار به بهترین صورت نقض انضباط مجازات‌های مناسب به اجرا

درآید. البته ضوابط این آئین‌نامه بهتر است در قانون کار منظور شود. "طرح پاداش افزایش تولید" (بند د) در صورتی که نارسائی‌ها و کاستی‌های آن برطرف شود (چنانکه در کار شماره ۱۲۴ بررسی شد) مثبت است. "نفی بهره‌کشی در محیط کار" بالاخص از کوره‌پزخانه‌ها (بند ه) اصولا همان‌طور که گفته شد باید محتوای اساسی قانون کار و برنامه "وزارت کار و امور اجتماعی" را تشکیل دهد از این جهت آوردن آن به عنوان بندی جدا نشانه برخورد سطحی و محدود مسئولین از مضمون رفع بهره‌کشی و استثمار است.

"تنظیم قرار داد کار و کار کشاورزی" (بند و) همان‌طور که گفته شده است باعث "کاستن اختلافات کارگاهی، دقت مراجع حل اختلاف، رشد انگیزه در پرداختن به کار تولیدی را در بر خواهد داشت" در این قراردادها آن‌چه را که قانون کار معین کرده است باید منظور شود و طرفین نباید توافق کمتر از مقررات قانونی به عمل آورند اصولا قرارداد کار باید موافقت‌نامه‌ای بین کارگر و

واحد اقتصادی باشد و طبق آن کارگر انجام کاری معین با کیفیت و کمیت مشخص را مطابق مقررات تعهد نماید. و واحد اقتصادی نیز پرداخت دستمزد به کارگر و فراهم کردن شرایط کار منطبق بر قانون کار را متعهد گردد. "اجرا و طرح طبقه‌بندی مشاغل" (بند ح) برای کاهش و از بین بردن تفاوت‌های غیرعادلانه بین کارگران امری ضروری است. هم‌اکنون به علت نبود چنین طرحی تفاوت چشم‌گیری بین دستمزدهای دوکاری که از نظر کمیت و کیفیت همانند است وجود دارد باید با اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که مسئولانه و با همکاری تشکل‌های کارگری تنظیم شده باشد به شعار "حقوق مساوی در مقابل کار مساوی" نزدیک شد و درآینده به آن جامه عمل پوشاند. "ایجاد نهاد رسیدگی به مشکلات شوراها و تقویت آنان برای نظارت بر مشکلات جامعه از قبیل توزیع، احتکار و... (بند ط) مهم و نارسا است معلوم نیست که نظارت شوراها بر مشکلات جامعه در محدوده محل خود مورد نظر است و یا این‌که از

شوراها طلب می‌شود، بر کلیه مشکلات جامعه در زمینه‌های توزیع و غیره نظارت نمایند؟ ۴ - امور فرهنگی - توسعه و نشر فرهنگ اسلامی در کارگاه‌ها با توجه به بند ۳ اصل ۴۳ قانون اساسی که در آن گفته شده است:

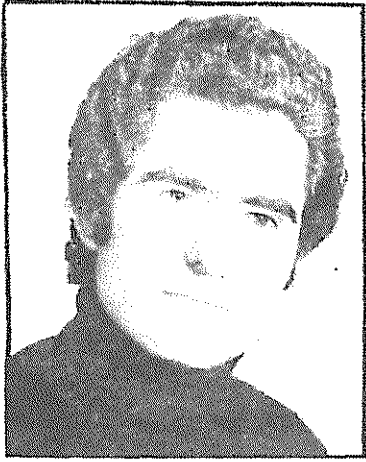
"... ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد" تهیه امکانات لازم برای پیشبرد فکری و فرهنگی کارگران بسیار لازم و ضروری است. "ایجاد دفتر بسیج گسترش فرهنگ اسلامی..."

(بند الف) در صورتی که این دفتر پویایی فرهنگ کارگری را مورد نظر قرار دهد و از همکاری کلیدی کارگران و هنرمندان متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی استقبال کند گامی مثبت است. این دفتر باید همه امکانات را برای رشد و تعالی فرهنگی و هنری کارگران فراهم آورد و برنامه‌های جمعی آموزشی و تفریحی (تئاتر، فیلم، نمایش‌های سنتی، موسیقی...) که مضمون‌شان در راستای انقلاب باشد برای اوقات فراغت کارگران و خانواده‌هایشان با همکاری خود آنها تهیه و به اجرا درآورد. این دفتر باید بدون تعصب و انحصارطلبی به گروه‌های مختلف کارگری که کارهای فرهنگی، هنری انجام می‌دهند، اجازه فعالیت دهد و امکانات لازم را در جهت تماس اینگونه گروه‌های هنری، سایر گروه‌های هنری کشور و دیگر کشورهای مترقی فراهم آورد. و از همکاری گروه‌های فرهنگی و هنری فعال و متعهد استقبال نماید.

"ایجاد امکانات مناسب برای آموزش نظامی کارگران" با همکاری بسیج مستضعفین (بند ب) با توجه به شرایط جامعه ما و صف‌بندی دشمنان انقلاب، امری حیاتی است. باید که در هر واحد تولیدی با همکاری بسیج مستضعفین واحدهای کارگری دفاع از کارخانه تشکیل داد و از نیروی کارگران که همواره در صف مقدم دفاع از انقلاب هستند به نحو شایسته‌ای برخوردار شد.

۵ - امور "آموزشی - افزایش کیفیت مهارت‌ها و بالا بردن راندمان کار در زمینه آموزش فنی و خدماتی" بندهای مطرح شده در این بخش در صورتی که ضوابط آن روشن شود در مجموع مثبت است. "آموزش کارگران و مدیران در زمینه شناخت بهتر قانون کار" (بند ه) اقدامی لازم است که به دانش کارگران در زمینه روابط کار می‌افزاید. در امر آموزش علاوه بر بالا بردن مهارت و تخصص کارگران باید شرایط لازم برای افزایش آموزش عمومی کارگران مهیا شود و با آموزش کارگران و زمینه بکارگیری نیروی کار ماهر آشنا به کاربرد ماشین به جای نیروی کار یدی فراهم گردد. حرفه‌های جدید باید تلاش جسمانی کارگران را کاهش داده و متکی به قابلیت تلفیق اصولی کار یدی و فکری باشد و بخش رو به تزایدی از زمان کار کارگران در جهت اجرای وظایفی قرار گیرد که در ارتباط با کار فکری است. ۶ - امور "رفاهی - اشاعه نهضت تعاونی و فراهم کردن امکانات رفاهی و گسترش مشارکت کارگران در برنامه‌های دسته‌جمعی" گسترش هرچه بیشتر شرکت‌های تعاونی مصرف و مسکن کارگران" (بند الف) در صورتی که با حمایت کامل دولت صورت گیرد و از نفوذ عوامل بورژوازی در این تعاونی‌ها جلوگیری شود بسیار مثبت است. دولت باید با دراختیار گذاشتن کالاهای مورد نیاز تعاونی‌های مصرف با قیمت خرید کارخانه و همچنین دادن اعتبار و مصالح ساختمانی به تعاونی‌های مسکن از این تعاونی‌ها حمایت نماید.

"ایجاد نظارت کامل بر بیمه‌های اجتماعی کارگران" (بند ب) امری ضروری است اصولا سازمان تامین اجتماعی باید تحت نظر وزارت کار و امور اجتماعی قرار گیرد و این وزارتخانه با همکاری تشکل‌های کارگری بر تامین اجتماعی کارکنان نظارت کامل نماید (برای توضیح بیشتر به کار اکثریت شماره ۱۱۵ مراجعه شود) تدوین یک قانون تامین اجتماعی مترقی مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی در ارتباط با قانون کار خواست همه کارگران و زحمتکشان است.



مرگ ناگوار کارگر پیشرو، سمیع عبدالهی

سراجام کار در کارخانه ممتاز پرداخت . سمیع در انقلاب بهمن با شور و فداکاری بسیار به کارگران انقلابی پیوست و در همین زمان با سازمان پیشاهنگ کارگران (فدائیان خلق) آشنایی و پیوند یافت و از آن پس مبارز ثابت قدم آرمغان سوسیالیسم شد . تا آنکه تصادفی ناگوار ، قلب پر طپش و شوریده اش را از حرکت بازداشت . رفقای کارگری که سمیع رامی شناسند درباره اش چنین گفته اند :
" او کارگری فداکار و مبارزی آگاه بود و با تمام وجود به آرمان سوسیالیسم عشق می ورزید
از سمیع شش فرزند به جای مانده است ما این ضایعه اسفبار را به خانواده زحمتکش سمیع و همه کارگران و زحمتکشان تسلیت می گوئیم

بقیه از صفحه ۷

برنامه وزارت کار...

" برنامه وزارت کار و امور اجتماعی " هنوز در مقایسه با روح قانون اساسی از غنا و اصلیت کافی برخوردار نیست اما به وضوح تلاشی هدفمند و مسئولانه در جهت تامین منافع کارگران در آن به چشم می خورد . هر چند همچنانکه گفتیم در بسیاری از موارد سیاست و روش اجرای برنامه روشن نیست و به همین خاطر این برنامه تا حدی شعارگونه به نظر می رسد . امیدواریم مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی با پای بندی هر چه بیشتر به روح و جوهر قانون اساسی و تلاش برای صراحت بخشیدن به آن در عرصه قانون کار و برنامه هایشان ، و با برخورداری هر چه بیشتر از همکاری های ثمربخش تشکلهای کارگری ، در رفع کمبودها و نارسایی های برنامه فوق مجدانه بکوشند .

این قانون جدید باید منطبق بر حوائج و مطالبات صنفی و رفاهی کارگران ، رشته های پیوند آنان را با انقلاب تحکیم نموده و بیش از پیش انقلاب را در مسیر تداوم ، گسترش و تعمیقش از نیروی حمایت متشکل توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان برخوردار سازد .
توسعه تفریحات سالم و ورزشی کارگران (بند ج) . به ویژه در محل کار ، لازم است تمام واحدهای تولیدی بزرگ باید به ایجاد مکان های ورزشی در محل کار اقدام نمایند . و امکانات لازم را برای حفظ سلامت کارگران در اختیار آنها قرار دهند . در این مورد باید سازمان ورزش کارگران با نظارت و سرپرستی تشکلهای کارگری ، شکل گیرد و همه امکانات لازم را در اختیار آنان قرار دهد . در پایان باید افزود که

اخراج دسته جمعی کارگران توسط هیئت مدیره ساکا به نفع کیست ؟ هیئت مدیره ساکا با اخراج دسته جمعی کارگران تیشه به ریشه انقلاب می زند

انقلابی ؟ مگر جز این است که کارگران اخراجی یا کمک مالی به خانواده بی سرپرست همکارشان از همبستگی برادرانه شان ، از وجدان و حیثیت کارگری شان پاسداری کرده اند و هیئت مدیره ساکا با این حکم بی شرمانه و ضد کارگری نشان داده است که تا چه اندازه از وجدان کارگری بی بهره است . علاوه بر اینها این اقدام خودسرانه و تنگ نظرانه توهینی است آشکار به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و این بیان امام که امسال را سال قانون اعلام کرده اند . به جاست که مسئولین ذی صلاح بخصوص وزیر محترم کار هیئتی را برای بررسی و تحقیق در مورد عملکرد چند ماهه هیئت مدیره ساکا بفرستند تا ببینند که این هیئت مدیره چگونه با اقدامات یک جانبه و خودسرانه اش در امور فنی قسمتی از تولید ایجاد وقفه نموده و بدر آراء و تشنج را در دل کارگران انقلابی و متعهد کاشته است .
امیدواریم که هیئت بررسی با جلوگیری از گسترش اقدامات خودسرانه مدیران و برگرداندن کارگران انقلابی بیکار شده بر سر کار ، این اطمینان را به کارگران بدهد که تحریف حقایق و اقدامات خودسرانه و ضدکارگری نمی تواند به خود نام قانون دهد و همچنان بر جای ماند

کارگران مبارز و صدیق ساکا نموده و جرم کارگران را " کمک نقدی و مساعدتی " به خانواده همکارزندانی شان احمد رضا کریمی ذکر نموده اند . این کارگران هر کدام از ۳ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند و تعدادی از آنها از با سابقه ترین و مجرب ترین کارگران هستند . و اما این عناصر تنگ نظر و خودسر (شجاعیان و مومنان) به این اقدام ضدکارگری بسنده نکرده و متعاقب آن یک عنصر طرفدار بنی صدر را که سابقه همکاری اش با سرمایه دار سابق کارخانه ، زبازد همه است ارتقای مقام داده و اداره تولید را (مقام مدیر تولید) را به او سپرده اند . آیا اخراج دسته جمعی کسانی که همواره قاطعانه از انقلاب دفاع کرده اند و همزمان با آن سپردن مسئولیت خطیر مدیریت به شخصی که با دفتر ریاست جمهوری ارتباط داشته و مخفیانه سعی می کرد در کارخانه اغتشاش بپا کند جز کمک مستقیم به ضدانقلاب چه مفهومی دارد ؟ آیا هیئت مدیره ساکا در پست نمایندگی دولت با این اعمال خود تیشه به ریشه تولید و مهمتر از آن انقلاب و جمهوری اسلامی نمی زند ؟ اینگونه " پاکسازی " های ضد کارگری خدمت به کیست ؟ آیا جای آن ندارد که اینگونه اقدامات را مشکوک تلقی کنیم آیا این است مفهوم پاکسازی

میهن انقلابی ما اکنون شرایط حساسی را پشت سر می گذارد ، جبهه متحد ضد انقلاب و در راس آن امپریالیسم آمریکا ، تمامی دسایس شیطانی اش را به کار می گیرد تا انقلاب را از حمایت قاطعانه نیروی اصلی اش یعنی کارگران و زحمتکشان محروم سازد و صفوف به هم فشرده آنها را به هم ریخته و سرانجام یاس و ناامیدی از انقلاب را جایگزینش سازد . متأسفانه در این میان نیروهایی در ارگان های مختلف رژیم جمهوری اسلامی یافت می شوند که با اعمال تنگ نظرانه و منطق کور خود زمینه را برای اجرای این توطئه های شوم فراهم می سازند و عملاً آب به آسیاب دشمنان انقلاب می ریزند . هیئت مدیره دولتی کارخانه ساکا طی چند ماهه گذشته با اعمال غیر قانونی و خودسرانه اخراج دسته جمعی کارگران ، تحریک و تشدید دامنه تشنج و دامن زدن به جو عدم امنیت شغلی کارگران ، محیط همکاری و تفاهم کارخانه را به هم ریخته است . این هیئت مدیره که در راسش عناصر غیرمسئولی چون شجاعیان و مومنان قرار دارند ، در تاریخ هفتم شهریور ۶۰ با سرهم بندی ادعای نامه ای تحریف آمیز و مغرضانه و به همراه آن حکمی یک جانبه ، اقدام به اخراج ۳۴ تن از

کارگران حدود ۹ ماه است که هیچگونه حقوقی از شرکت دریافت نکرده اند و این در حالی است که اکثر آنان خانواده های ۵ تا ۱۰ نفری را نیز تحت تکفل دارند . کارگران شرکت رامبله طی نامه ای به اداره کار شهرکرد خواستار رسیدگی فوری به وضعیت خویش شده اند . عاجل ترین خواست آنان در حال حاضر پرداخت مرتب حقوق ماهانه از طرف مدیریت شرکت است .

شرکت راه و ساختمان رامبله (پیمانکار راه های فرعی شهرکرد) با عدم پرداخت دستمزد کارگران در موعد مقرر ، موجبات نارضایتی شدید کارگران را فراهم آورده است . کارگران زحمتکش این شرکت علاوه بر اینکه همانند دیگر کارگران راه و ساختمان از ابتدایی ترین حقوق کار محرومند ، فشار ناشی از عدم دریافت دستمزد ماهانه نیز بر گرده شان سنگینی می کند . تعدادی از این

کارگران شرکت رامبله خواهان دریافت منظم دستمزدشان هستند

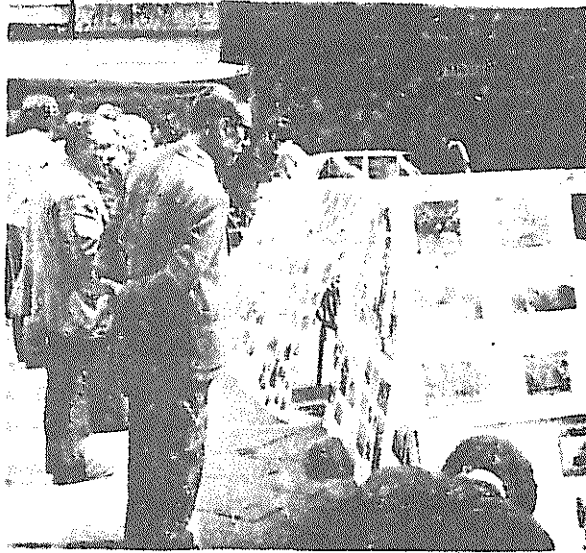
از میان اعلامیه‌ها و نشریات فاجعه‌ها و هواداران سازمان

پیام تسلیت هواداران سازمان در استانبول به حضور امام خمینی، بمناسبت فاجعه جانگداز شهادت آقایان رجائی و باهنر

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در چهار گوشه دنیا علیرغم فشار و تهدید و سرکوب رژیم‌های سرمایه‌داری و مدافع امپریالیسم با تلاش‌های ستایش‌انگیزی به امر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و مقابله با توطئه‌های رنگارنگ امپریالیستی ادامه می‌دهند. به دنبال فاجعه شهادت آقای رجائی رئیس جمهور و حجت‌الاسلام باهنر نخست وزیر به دست عوامل جبهه براندازی که موجب سرور و شادی و یاوه‌گویی‌های ضدانقلابیون در کشورهای سرمایه‌داری اروپا گردید هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"، در ترکیه - واحد استانبول ضمن تلگرامی به امام خمینی مراتب هم‌دردی خود را نسبت به ایشان اعلام داشته و بار دیگر بر عزم خود در راه دفاع از انقلاب مردم میهنمان تأکید کرده‌اند.

لازم به تذکر است این نمایشگاه در جریان جشن سالگرد "اونیتا" (اتحاد) که به دعوت حزب کمونیست ایتالیا برگزار شده بود، برپا شد. در این جشن سازمان‌های انقلابی جهان از جمله انقلابیون السالوادور، ویتنام، کوبا و غیره شرکت داشتند.

(عکس صحنه‌هایی از نمایشگاه سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا را نشان می‌دهد)



اتحاد تمام نیروهای ضد امپریالیست ضامن پیروزی انقلاب است

شهرکرد - رفقای هوادار در شهرکرد اعلامیه‌ای منتشر نموده‌اند که در آن ضمن افشا تکتیک‌های امپریالیسم و ضدانقلاب در ایران راه مقابله با این سیاست را اتحاد تمامی نیروهای خلقی و انقلابی دانسته و ضمن تأکید بر وحدت ضرور بین این نیروها، سیاست قشری پاره‌ای از محافل جمهوری اسلامی را که موجب ایجاد تشنج در بین نیروهای مدافع انقلاب می‌شود، مورد انتقاد خود قرار داده‌اند در این اعلامیه می‌خوانیم:

پس از تغییرات و تحولات سریعی که در جامعه ما صورت گرفت، ضدانقلاب جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا که از روی کار آمدن یک دولت میانه‌رو مایوس گشته است با کمک ضدانقلابیون داخلی، تمامی تلاش خود را بکار بسته تا به جو ترور و وحشت دامن زده و ایران را به آستانه جنگ داخلی بکشاند، اینک تلاش ضدانقلابیون داخلی بعد تازه‌ای بخود گرفته است، جلوگیری از شرکت فعال مردم در انتخابات یکی دیگر از دسائس امپریالیسم برای عدم تثبیت قانون اساسی است...

در قسمت دیگر اعلامیه بر ضرورت اجرای قانون اساسی و مشارکت تمامی نیروهای وفادار به انقلاب تأکید شده و آمده است:

"انقلاب ما امروز بیش از هر زمان دیگر می‌طلبد که تمامی نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی با هر مرام و مسلکی که دارند تحت رهبری امام خمینی متحد شوند. امپریالیسم بسرگردگی آمریکا سعی دارد با پراکندن تبلیغات مسموم ضدکمونیستی از اتحاد نیروهای خط امام با پیروان راستین سوسیالیسم علمی، جلوگیری کند، برای اینکه بتوانیم توطئه‌های ضدانقلاب را در نطفه خفه کنیم و انقلابمان را به سوی پیروزی‌های بازم بیشتر رهمنون سازیم، باید متحد شویم، و مطمئن باشیم پیروزی ما تنها در گرو اتحاد ماست"

* در پی رهنمود سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به هواداران، مبنی بر گسترش فعالیت سازمان‌های دانشجویی در خارج از کشور در جهت شناساندن انقلاب شکوهمند خلقی ایران و رسانیدن پیام همبستگی خلق ایران به خلقهای تحت ستم دیگر نقاط جهان و افشاء توطئه‌های نهان و آشکار امپریالیسم بر علیه انقلاب ایران، سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا، نمایشگاه عکس مستندی از دستاوردهای انقلاب و جنایات جنگ تجاوزگرانه و تحمیلی عراق به نمایش گذاشتند که مورد استقبال مردم ترقیخواه و سازمان‌های سیاسی مترقی واقع شد.

ایران - تهران - جماران، حضور محترم امام خمینی رهبر و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران فاجعه شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس جمهور و دکتر محمد جواد باهنر نخست وزیر دوتن از فرزندان مبارز قهرمان ایران را به حضور رهبر عالیقدر جمهوری اسلامی ایران تبریک و تسلیت می‌گوئیم، این جنایت فجیع تلاش مذبوحانه عمال امپریالیسم و عزم استوار مردم قهرمان و به‌پاخاسته ایران را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی نشان داد. و صفوف آنان را فشرده‌تر خواهد ساخت.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
ترکیه - واحد استانبول
"این تلگرام در تاریخ (۱۳۶۰.۰۶.۱۰) تحت شماره (۳۰۰۰۳) به تهران مخابره شده"

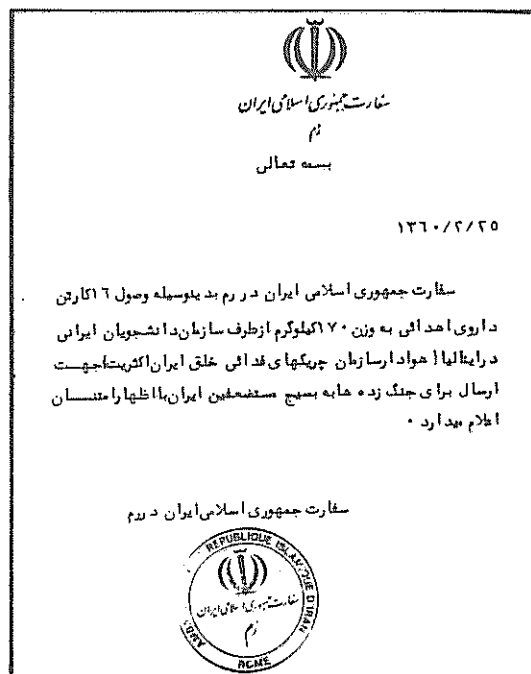
هواداران سازمان در استانبول همچنین ضمن انتشار اعلامیه‌ای خطاب به دانشجویان این شهر این فاجعه جانگداز را محکوم ساختند. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

"دانشجویان مبارز و انقلابی!
بار دیگر دست جنایتکار امپریالیسم خونخوار آمریکا از آستین جبهه متحد ضدانقلابی برون آمده و با انفجاری در محل نخست‌وزیری دو تن از پیروان راستین خط امام و فرزندان صدیق خلق آقای محمدعلی رجائی رئیس جمهور منتخب مردم و آقای دکتر محمدجواد باهنر نخست وزیر مردمی جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رسانید. ما هواداران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در استانبول ضمن محکوم کردن شدید این جنایت هولناک، مراتب تبریک و تسلیت‌خویش را به آقای سرمدی سرکنسول جمهوری اسلامی در استانبول و دیگر اعضای انقلابی کنسولگری و دوستان انجمن‌های اسلامی در ترکیه اعلام داشته و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی، تا پای جان در مقابل توطئه‌های امپریالیسم جهانی و ایادی آن در خارج از کشور به‌ویژه در سطح ترکیه مبارزه خویش را ادامه خواهیم داد

- در پی محاصره اقتصادی میهنمان از طرف کشورهای امپریالیستی و تجاوز جنایتکارانه رژیم ضد مردمی صدام، مردم ما با کمبود مواد دارویی روبرو شدند بدین منظور:

- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا در شهرهای مختلف ایتالیا اقدام به تشکیل کمیته‌های جمع‌آوری دارو نمود و در پی تماس‌هایی که با احزاب، نیروهای مترقی، پزشکان، عناصر مترقی و انقلابی برقرار شد، مقداری دارو جمع‌آوری و در دو نوبت توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران به نام بسیج مستضعفین ارسال شد که در نوبت اول ده کارتن در تاریخ آذرماه ۵۹ و در نوبت دوم در تاریخ بیست و پنجم اردیبهشت ۶۰، تعداد ده کارتن به وزن ۱۷۰ کیلو تحویل سفارت داده شد. سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا طی پیامی به "کار" اعلام نموده است:

"این عمل تا زمانی که نیاز به آن حس گردد ادامه خواهد داشت"



مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

حرف‌هایی که زده‌ایم و رهبران مجاهدین نشنیدند

مسعود رجوی است که سازمان مجاهدین را در این چاه انداخته. مسئولیت اصلی این فاجعه بر عهده اوست.

پدر دی ماه ۵۸ از رهبری مجاهدین انتقاد کردیم که ائتلاف با لیبرال‌ها انحرافی غیر قابل توجیه است. گفتیم شعار "مرگ بر ارتجاع" به سود امپریالیسم است. به جایش بگوئید "مرگ بر آمریکا" اما باز هم همان راه راه رفتند.

گفتیم پند طالقانی فقید را در گوش داشته باشید و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها را دور بریزید. به هواداران یاد بدهید که به خاطر خلقشان، به خاطر میهنشان، به خاطر استقلال و آزادی جانبازی کنند و آنها در پاسخ تمام این حرف‌ها فقط دشنام گفتند.

را از جبهه‌ها بیرون کردند. گفتیم اولاً - هرکس خواهد "با صف مستقل" برای خودش بجنگد باید بیرونش کند. چون اگر نکنند کار پیش نخواهد رفت. ثانیاً: گیریم حرف شما درست باشد اگر کسی در جبهه فکرش فقط شکست دشمن و دفاع از انقلاب باشد، چه حاجت به اسم و رسم است. مگر نگفتند که اکثریتی‌ها و توده‌ای‌ها هم نباشند پس چطور همه ایستاده‌اند و می‌جنگند تازه مگر شما مدعی فداکاری و ایثار در راه خلق نیستید؟ تا اینجا چقدر در راه خلق فداکار بوده‌اید و از همه اینها گذشته گیریم که تمام تلاش شما بی‌ثمر ماند و هیچ‌یک از مجاهدین نتوانست به خدمت و طیفه برود! اگر واقعاً برای این مردم و این مذهب دلسوزید پس چرا در شهرها برای تقویت روحیه رزمندگان جبهه‌ها تبلیغات نکردید؟ چرا پشت جبهه‌ها را تقویت نکردید و هزاران کار دیگری را نکردید که می‌توانستید بکنید؟ و نه تنها این کارها را نکردید بلکه تا توانستید سعی کردید این طور وانمود کنید که "صدام و آمریکا گناهی ندارند. اگر آنها حمله کرده‌اند تقصیر از حکومت ایران است که تحریرات کرده‌است" ما به آنها گفتیم که این کارهای شما و این حرف‌های شما هر محاهدی را تا اند نزد خلقش و همه مردم هم میهنش سرافکنده می‌سازد. و آنها در پاسخ هیچ نداشتند بگویند. آنها ارتباط خود را با سازمان ما قطع کردند.

● به آنها گفتیم این قدر زیرپای بنی صدر ننشینید. این قدر او را یاد نکنید. او توخالی است و طرفدار سرمایه‌داری است و سنگ اروپا را به سینه می‌زند. معلوم نیست آخرش سر از کجا در بیاورد، تکیه‌گاهش نشوید. اگر هم بخواهید او را بکشید تنها راه صحیح آن است که کاری کنید که رهبری امام را بپذیرد. اگر مصلحت او و انقلاب را می‌خواهید کوشش کنید عوامل مشکوک و ضدانقلاب را از خود براند و خرج خود را از مدنی‌ها و میناچی‌ها و قشقایی‌ها سوا کند. گفتیم با این "دفتر هماهنگی" روی هم نریزید آنها سرشان جای دیگری بند است. کار داستان می‌دهند. گفتیم که قاسملو فاسد است. ما او را شناختیم. کولش را نخورید. او به فکر خلق کرد نیست. با صدام ساخته است و آنها نه تنها گوش نکردند، بلکه بدترین دشمنان ما را هم به ما دادند که "شما" ضد مجاهد "هستید و به ما حسودیتان می‌شود". آنها به تشکیلاتشان نوشتند که "با اکثریتی‌ها ننشینید و بحث نکنید. نشریاتشان را هم نخوانید، چون "منحرف" می‌شوید"

● ما به آنها گفتیم قانون را بپذیرید و خود را در چارچوب آن قرار دهید از اطلاعاتی ده‌ماده‌ای دادستان انقلاب استقبال کنید. در بحث‌های آزاد شرکت کنید و حرف خود را بزنید. ما نوشتیم و گفتیم که در این جمهوری کسانی محبورند غیرقانونی فعالیت کنند که ضدانقلابی عمل می‌کنند. ما تأکید کردیم اگر دشمن اصلی شما امپریالیسم آمریکا و سیاست شما اتحاد با همه نیروهای ضد امپریالیستی باشد قطعاً فعالیت شما هم در چهارچوب قانون اساسی و اطلاعاتی ده‌ماده‌ای می‌گنجد. اما متأسفانه حقیقتی به این واضحی را این رهبران نشنیدند و سازمان را در چاهی انداختند که می‌بینیم

همه دشمنان این جمهوری، امپریالیسم آمریکا است. سنگ آمریکا را به سینه مجاهد نزنید.

● به آنها گفتیم سایل فرعی را عمده نکنید، مقابله به مثل نکنید. به درگیری و تشنج هواداران با پاسداران و مدافعان جمهوری اسلامی خاتمه دهید. گفتیم که این کارها به کینه و نفرتی که میان شما و نیروهای خط امام ایجاد شده دامن می‌زند و سرمایه‌دارها و ساواکی‌ها را خوشحال می‌کند. به نفع آمریکا تمام می‌شود. هر چه به آنها گفتیم احساسات پاک دختران و پسران دانش‌آموز را علیه انقلاب و علیه دیگر نیروهای مدافع آن تحریک نکنید، بگذارید شهرها آرام باشد، به ضدانقلاب امکان بهره‌برداری ندهید، به خرجشان نفرت که نفرت. به آنها گفتیم همان کارهایی را نکنید که قشریون و عناصر تنگ نظر و بعضاً مشکوک و ضدانقلابی می‌خواهند. این قدر آب به آسیاب بقائنی مسلکان و امثال هادی‌غفاری‌ها نریزید. این‌ها همه دام است برای این که شما را به تقابل بکشاند. و آنها در پاسخ تمام این حرف‌ها فقط دشنام گفتند.

● به آنها گفتیم: به هواداران یاد بدهید که به خاطر خلقشان، به خاطر میهنشان، به خاطر استقلال و آزادی جانبازی کنند. ما به آنها اصرار بسیار کرده‌ایم که قدری هم از مردم بنویسید. دردها و رنج‌های طبقه کارگر و دهقانان را منعکس کنید. قدری هم از امپریالیسم توطئه‌هایش بگوئید. مردم را از کید دشمن اصلی بی‌اگاهانید. از برنامه‌ها و طرح‌های خود برای ساختن ایران فردا بگوئید. بگوئید برای خلق چه خواهید کرد؟ ولی آنها فقط از مجاهد و گرفتاری‌هایش نوشتند و یک کلام هم از درد و خواست توده‌های زحمتکش کارگر و دهقان و از دشمنی امپریالیسم آمریکا با این خلق ستم‌دیده نگفتند. ما به آنها تا کید بسیار کردیم که به مردمان، به سرزمین مادریمان و به استقلال و سرفرازیمان ارج نهمیم. با مردم باشیم و خود را جدا نکنیم. به آنها گفتیم سیاست اتحاد با همه مبارزان ضد امپریالیست را پیش بگیرید و در حل اختلافات و پیش‌داوری‌ها و توهمنات نیروهای ضد امپریالیست پیشگام باشید. فروتنی را به هوادارانمان بیاموزید. پند طالقانی فقید را در گوش داشته باشید و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها را دور بریزید. اما آنها به هوادارانشان یاد دادند که فقط به خاطر سازمان مجاهدین مبارزه کنند. آنها به هواداران آموختند که هرکس از مجاهدین طرفداری کند طرفدار خلق است و انقلابی است و هرکس از رهبری سازمان و کارهایی که می‌کند انتقاد کند دشمن خلق است و ارتجاعی است. آنها به هواداران گفتند: سازمان مساویست با خلق و مرکزیت سازمان نیز مرکزیت خلق است. و دیدیم که چگونه با این حساب تمام نفرت زنده و کارساز هواداران از کارتر و ریکان و کین و سادات و هم‌جنسان وطنی‌شان (یعنی همان کثافت‌هایی که نه تنها از مجاهدین بد نمی‌گویند بلکه مجیزگوی آنان شده‌اند)، سائیده می‌شود و جای خود را به نفرت سوزنده و کریه‌ی نسبت به دشمنان سرسخت این دشمنان پلید می‌دهد.

● جنگ شروع شد، صدام به تحریک آمریکا علیه ملت ما به این جنایت بزرگ دست یازید. نقشه این بود که در بخش‌های اشغالی حکومت "ایران آزاد" تشکیل دهند. مساله صدور آشکار ضدانقلاب مطرح بود. ما همه نیروهای مردمی و میهن پرست را به شرکت در جبهه‌های جنگ برای رفع تجاوز صدام و دفاع از میهن انقلابی فرا خواندیم. گفتیم مساله مقدم جنگ است باید دست به دست هم بدهیم و نگذاریم صدام جلو بیاید. اما رهبران مجاهدین امر دفاع از انقلاب و از سرزمین مادری خود را موکول به آن کردند که حکومت رسماً اعلان کند که مجاهدین هم در جنگ هستند. ما به آنها گفتیم شما به خاطر دفاع از انقلاب و از میهن می‌جنگید یا به خاطر اسم در کردن سازمانتان؟ گفتند ما

هیچ میهن پرست انسان دوستی نیست که از این سرنوشت دردناک که مجاهدین بدان گرفتار شده‌اند عمیقاً متأثر نشود. این روزها هر جا بنشینیم سخن از وضعی است که برای سازمان مجاهدین پیش آمده. مردم از جنونی که مجاهدین را در خود فرو برده و آذغیض و غضبی که بر دادگاه‌ها حاکم شده است با گوشت و پوست خود رنج می‌کنند. هیچ انسان شرافتمندی نیست که این وضع اسفبار، این انحطاط عظیمی که یک سازمان پرسابقه انقلابی بدان دچار آمده، و این فاجعه را ببیند و عمیقاً متأثر نشود.

ما تا امروز پیرامون اشتباهات و کجروی‌های مجاهدین و سیاست‌های غلط حکومت در برخورد با سایر نیروها آنچه را که در خور گفتن بود گفته‌ایم. هر آنچه که ماه‌ها قبل پیش‌بینی می‌شد که در صورت ادامه اشتباهات به وقوع پیوندد اکنون متأسفانه پیش چشمان ما به وقوع می‌پیوندد. آنچه نمی‌بایست رخ می‌داد، اکنون رخ داده است.

فدائیان خلق (اکثریت) وظیفه خود می‌دانند که از هر کوششی برای پایان دادن به این فاجعه دریغ نوزند. همه نیروهای مدافع انقلاب و دلسوز به حال این مردم باید دست به دست هم بدهند. فکر خود را روی هم بگذارند و برای خنثی کردن دامگهی که فرا راه انقلاب ما گشوده‌اند چاره‌جویی کنند.

سازمان ما سازمانی بوده است که از آغاز مبارزه مجاهدین نزدیک‌ترین جناسات را با آنان داشته است. طی سال‌ها فعالیت دو سازمان، فدائیان و مجاهدین به دو نیروی بدل شدند که تقریباً تمام روشنفکران انقلابی خلق را متشکل می‌کردند و در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر ایثارگران در ره خلق مبارزه می‌کردند. در تمام این مدت دو سازمان جدا از بنیان‌های فکری و عقیدتی جداگانه‌ای که داشتند از خط مشی و سیاست واحدی پیروی می‌کردند.

● نخستین بار این سازمان مجاهدین بود که در فروردین ۵۸ بنا به توصیه‌های آید آیت‌الله طالقانی هم در مذاکرات خصوصی و هم بعداً به طور رسمی از سازمان ما به دلیل عملکردش در ترکمن صحرا انتقاد کرد و سازمان ما نیز در عمل نشان داد که مضمون انتقاد را پذیرفته است.

● ده ماه بعد در دی ماه ۵۸ برای اولین بار سازمان ما در جریان انتخابات مجلس از رهبری مجاهدین انتقاد کرد که ائتلاف با لیبرال‌ها انحرافی غیر قابل توجیه است. ما به آنها گفتیم که نباید به خاطر اختلافاتی که با سایرین داریم دست دوستی کسانی را بفشاریم که دوست خلق نیستند و از برای سازش با آمریکا به هر پستی تن می‌دهند. ما از رهبری مجاهدین مصرانه خواستیم که خرج خود را از لیبرال‌ها و عناصر مشکوک جدا کنند تا لیبست مشترک انتخاباتی تنظیم کنیم. آنها زیر بار نرفتند. ما هم در برابر این گرایش به راست اجباراً راه خود را جدا کردیم و صراحتاً به آنها تذکر دادیم که در نزد یک انقلابی هیچگاه "هدف وسیله را توجیه نمی‌کند" شما با همکاری با لیبرال‌ها علیه امام فقط آبروی سازمان را می‌برید. اما زیر بار نرفتند.

● به آنها گفتیم و نوشتیم که شعار "مرگ بر ارتجاع" شعاری انحرافی است و به سود امپریالیسم تمام می‌شود. آن را سر زبان‌ها نیاندازید. به جایش بگوئید "مرگ بر آمریکا" مدتی گوش کردند اما باز هم همان راه را رفتند. گفتیم دشمن اصلی آمریکا است و وقتی شما می‌گوئید "مرگ بر ارتجاع"، اولاً حکومتی را که با امپریالیسم مبارزه می‌کند ارتجاعی نامیده‌اید و این همان حرف آمریکا است ثانیاً - دشمن اصلی خود را جمهوری اسلامی قلمداد کرده‌اید نه آمریکا و این حرف طرفداران امپریالیسم آمریکا است. به آنها گفتیم شعار سرنوشتی ندهید. زیرا با سلطنت‌طلبان و امپریالیست‌ها به یک جوال می‌روید. زیرا که در راس

... آدم آورد در این دیر خراب آبادم ...
مسئولیت اصلی و بار تمام فجایی که رخ داده است بر عهده رهبری سازمان مجاهدین و در رأس همه مسعود رجوی است. او بوده است که کار را به اینجا کشانیده است. این فکر غلطی است که اشتباهات حکومت باعث این فاجعه است سرنوشت هر سازمان و راهی که برمی‌گزیند مقدم بر همه بر عهده رهبری همان سازمان است. این را در گوش خود آویزه کنیم: مسعود رجوی مسئول اصلی این فجایع است.

چه می‌گوئیم؟ به نیروهای سالم و

ابعاد فاجعه را دریابیم

آنچه در سازمان مجاهدین اتفاق افتاد برآستی بزرگترین ضربه‌ای است که بر پیکر این انقلاب خورده است . بعضی‌ها خیال می‌کنند ابعاد فاجعه تنها به خون‌هایی مربوط می‌شود که در راه کامروایی دشمنان ما بر زمین ریخته می‌شود . ولی آیا هرگاه رهبری سازمان مجاهدین همان مشی اصولی را که در ماههای پس از انقلاب، آیت‌الله طالقانی به آنان توصیه می‌کرد و آنان نیز همان را به ما توصیه می‌کردند ، ادامه می‌دادند اگر آنها نقش و رهبری امام را در انقلاب درک می‌کردند و بر آن صحنه می‌گذاشتند ، اگر سیاست اتحاد با همه نیروهای ضدامپریالیستی را پیش می‌گرفتند ، و در برخورد با دیگران منافع انقلاب را بر منافع گروهی مقدم می‌شمردند ، آیا باز هم اوضاع اینگونه بود که اکنون هست ؟

آیا اگر مجاهدین " مشی پسر طالقانی " را پی می‌گرفتند و واقعا در آن پیگیری بودند امروز نیروهای ضدقانون و خودسر ، انحصارطلب و ضدترقیخواه همین قدر میداندار بودند که امروز میداندارند ؟ آیا اگر نیروهای جوان مجاهد در صف مقدم جبهه دوشادوش سایر هم‌میهنانشان اسلحه خود را به سوی متجاوزان می‌گرفتند و مردم را به مقابله با این جنایتکاران فرا می‌خواندند ، بازهم وضع جبهه‌ها همین بود ؟ آیا کم افسوس دارد اینکه می‌بینیم فعال‌ترین و پرشورترین و صادق‌ترین عناصر را به سوراخ‌ها کشیده‌اند که طرح جنایت علیه یاران خود را بریزند ؟ که می‌توانستند در پیشرفت انقلاب ، در تصفیه جریان‌های لیبرالی ، در هدایت انقلاب به سوی سمت‌گیری ضد سرمایه‌داری در دو سال گذشته بیش از دیگران نقش ایفاء کنند . اما رهبران مجاهدین این کار را

نکردند .

شتاب حوادث کلیه خط و مرزهای موجود میان خط مشی رهبران مجاهدین و خط مشی ضدانقلاب را پاک کرده است رهبران مجاهدین اسلحه گرفته‌اند که این حکومت را سرنگون کنند امپریالیسم آمریکا هم همین را توصیه می‌کند و از هیچ کمکی در این زمینه دریغ ندارد (رجوع کنید به سخنان اخیر هیگ در آلمان غربی) رژیم صدام هم با کمک مصر و اردن و عربستان و به تحریک آمریکا ، مسلحانه به ایران حمله کرده است که حکومت را سرنگون کند . رجوی هم همین نقشه را کشیده است زمانی بود که رجوی سازمان مجاهدین را تا حد حد گارد ضربت بنی‌صدر تنزل داده بود . امروز او این سازمان را تا حد ستون پنجم رژیم صدام و مجری برنامه امپریالیسم تنزل داده است این فاجعه‌ای بس دردناک است . دیروز همه دشمنان مردم، یعنی سرمایه‌داران، اعیان و اشراف ، نوکران رژیم شاه و دیگر مرتجعین و اربابان امپریالیست‌شان به مجاهدین دشنام می‌دادند . امروز همانها برای رجوی پول جمع می‌کنند و برایش کف می‌زنند چقدر نفرت‌انگیز است که شنیده می‌شود رذل‌ترین جانوران سرمایه‌دارهای فراری و ساواکی گریخته از چنگ مردم که در پاریس گرد آمده‌اند ، با انفجار دفتر حزب ، دفتر نخست‌وزیری و دادستانی انقلاب گیلان خود را به سلامتی تروریست‌ها بالا می‌اندازند و برای آنها موفقیت بیشتری آرزو می‌کنند ؟ و این در حالی است که تمام کشورهای متمدنی ، تمام رژیم‌های مردمی و ضدامپریالیستی از جمهوری اسلامی پشتیبانی و اعمال تروریستی را محکوم می‌کنند و تمام رژیم‌های ارتجاعی عملا جانب رجوی را گرفته‌اند و دولت ایران را دشنام می‌گویند . مسعود رجوی به خلقش ، به میهنش ، به آرمان‌های خلقی و انقلابی بنیانگذاران سازمانش و به خون شهدان

به خون خفته این انقلاب پشت کرده و خیانت ورزیده است . او حتی حاضر می‌شود بگوید هیتر از امام خمینی بهتر است ، چون او برای کشورش مفید بود " مسعود رجوی آگاهانه با محافل سرمایه‌داران و ضد انقلابیون دست همکاری داده است . مسعود رجوی مشخصا مسئول اصلی این انحطاطی است که سازمان مجاهدین بدان گرفتار آمده است . مسئولیت اصلی این خون‌ها که ریخته می‌شود و این شادکامی‌های امپریالیست‌ها قبل از همه بر عهده رهبری خیانتکار سازمان مجاهدین است . فاجعه‌ای رخ داده است . مسبب اصلی این فاجعه مسعود رجوی است . همان فاجعه‌ای که به مقیاس هزاران بار عظیم‌تر در چین مائو روی داده . پیروان مائو نیز زمانی که از موضع " چپ " با انقلاب جهانی به ستیز برخاستند ، دستشان در دست آمریکا قرار گرفت و هنوز هم آنها در همان منجلاب غوطه می‌خورند منتهی حالا دیگر ادعاهای فوق انقلابی خود را به آهستگی به فراموشی سپرده‌اند . آنها در دشمنی با انقلاب امروز شعار اتحاد با آمریکا را تبلیغ می‌کنند و نیز همین است پایان سقوط دردناک مسعود رجوی . امروز در هیچ مورد در سازمان مجاهدین به سود انقلاب ، به سود منافع واقعی کارگران و زحمتکشان عمل نمی‌شود . تمام اعمال آنها با رضایت کامل سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ مواجه است رهبری کنونی سازمان مجاهدین خیانتکار است و انقلاب ما یک بار دیگر این حقیقت را اثبات کرده است که تداوم انحراف از خط مشی انقلابی ، تاکید بر تکرار خطاها و بخصوص خط مشی دشمنی با متحدین و مدافعین انقلاب بی‌هیچ تردید مرتکبین آن را به سوی همدستی با ضدانقلاب و ورطه دردناک خیانت به خلق سوق می‌دهد امروز " امپریالیسم آمریکا و همه مرتجعین از مشی مجاهدین پشتیبانی می‌کنند "

به نیروهای صادق و آگاه مجاهد

سخن ما با این دسته از مبارزان صدیق مجاهد آن است که قبل از هر چیز باید درک کرد که در شرایط کنونی هر مبارزه‌ای علیه خط انحرافی و خطرناک رهبری منوط است به اعلام موضع نسبت به آن و اعلام موضع نسبت به وصیت‌نامه سعادت و ترک عملیات تروریستی و محکوم کردن آن . این فکر غلط است که : " اول سازماندهی کنیم بعد اگر توانستیم در سازمان گاری از پیش ببریم ، انشعاب خواهیم کرد " فکر درست آن است که ایجاد تشکیلات و کار سازمانی در شرایط فعلی فقط از طریق اعلام موضع نسبت به خط کنونی رهبری سازمان مجاهدین ، از طریق اعلام موضع نسبت به وصیت‌نامه سعادت امکان‌پذیر است . خطر اینجاست که ممکن است تمام عمق و ابعاد فجیع خیانت رهبری سازمان پنهان ماند و وضعیتی که سازمان مجاهدین در آن قرار گرفته است ، خوب درک نشود . کسانی که فکر می‌کنند در شرایط فعلی با مبارزات درون سازمانی می‌توانند خط سازمان را تصحیح کنند ، متوجه نیستند که دو خطر جدی موفقیت نقشه‌شان را تهدید می‌کند ، اول اینکه این مشی تروریستی در این موقعیت بسیار حساس با شتابی غیر قابل تصور مناسبات بین توده‌ها و سازمان مجاهدین را تخریب می‌کند و با اقشار وسیع‌تری رو در رویی‌ها را دامن می‌زند و سازمان را بیش از پیش محتاج سرمایه‌دارها می‌سازد و به دامان آنان می‌اندازد و زمان از دست می‌رود دوم اینکه هر کس در شرایطی ضربه بخورد که قلبا صف تروریسم را ترک گفته است اما رسماً هنوز با سازمان مجاهدین است ، این امر

ضربات جدی به رشد گرایش مردمی و انقلابی در سازمان وارد می‌آورد . به نظر ما اکنون وظیفه مبرم و انقلابی نیروهای آگاه سازمان مجاهدین است که در برابر انحراف رجوی همان تصمیمی را بگیرند که عناصر صادق مجاهد در سال ۵۴ در برخورد با انحراف وحشتناک رهبری گرفتند . در آن سال ما از عمل رهبران سازمان (تقی شهرام) دانستیم که نظرات آنان تا چه حد ارتجاعی و ضدمارکسیستی است ما آن زمان گفتیم که اگر تحولات فکری این افراد ناشی از رشد آگاهی بود آنها می‌بایست از سازمان مجاهدین جدا می‌شدند و با حربه ترور، خود را به سازمان تحمیل نمی‌کردند (آنها مائوئیسم را در سازمان غلبه دادند و نامش را مارکسیسم نهادند) حالا هم همان قضیه است حالا که رجوی هم مانند شهرام تصمیم گرفته است با حربه ترور خود را به جنبش تحمیل کند نیروهای آگاه و صادق حق ندارند او را تحمل کنند و حالا هم با تمام صداقتی که در گوهر انقلابیون واقعی است به شما می‌گوئیم : اگر می‌خواهید کار از کار نگذرد ، هرچه سریع‌تر نظر خود را نسبت به ماهیت عملیات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ، نسبت به اعمال رجوی و خیابانی ، نسبت به مواضع وصیت‌نامه سعادت اعلام کنید و بر اساس مواضع و رهنمودهای این وصیت‌نامه و همچنین براساس دیدگاه‌ها ، مواضع سیاسی و توصیه‌های صریح و روشن آیت‌الله طالقانی پیرامون رهبری امام در انقلاب و نظر آن فقید در مورد شیوه برخورد با جمهوری اسلامی و نیروهای خط امام راه مجاهدین خلق را از نو احیاء کنید و آن را به اردوی انقلاب بازگردانید ایمان داشته باشید که همه مدافعین راستین انقلاب مدافعین راستین آن خواهند بود و جای شما در آغوش توده‌هاست و بدانید که این انقلابی‌ترین تصمیم شماست

سادق مجاهدین و همراهان چپ رو آنان

به مجاهدینی که حقایق را باور نکرده اند

سخن ما با آن دسته از مجاهدین که هنوز هم می پندارند راهی که می روند راه مردم آن است که به این کوهی از تناقضات و سئوالات که مردم مطرح می کنند چه پاسخ می گوئید ؟ آیا وقتی به وجدان خود مراجعه می کنید از سلطنت طلبان ، از لیبرالها از صدام و سادات و بگین و ریگان بیشتر احساس نفرت می کنید یا از پاسداران انقلاب اسلامی و مسئولین این جمهوری ؟ آیا فکر نمی کنید شما نیز در نفرتی که کارتر از امام خمینی به دل گرفته است و هر جا می رود آن را بازگو می کند هم شریک شده اید . لختی هم به احساسات و عواطف درونی خود رجوع کنید . ببینید چرا سرمایه دارهای میلیونر و میلیاردی اینقدر از شما تعریف می کنند ؟ چرا شما نسبت به وصیت نامه سعادت چیست ؟ چرا رهبران سازمان از آن می گریزند ؟ چرا شما نظر خود را نسبت به آن اعلان نمی کنید ؟ چرا شما نسبت به فرار رجوی به فرانسه چیست ؟ چرا فقط محافل امپریالیستی با او جوش خورده اند ؟ چه چیزی معزی را با رجوی پیوند داده است ؟

● - لختی فکر کنید ببینید چرا شما نسبت به پیشرفت ارتش عراق و یا شکست آن بی تفاوت مانده اید آیا این دردناک نیست که رهبران شما نیز امروز مثل قاسملو فکر می کنند که هر چه صدام بیشتر از پاسداران و دیگر نیروهای مسلح ما بکشد به سود آنهاست ؟ تفاوت عملیات شما با عملیات ستون پنجم صدام در شهرهای ما در چیست ؟ آیا مردم بدون اینکه شما حرفی بزنید می توانند بفهمند که فلان بمب گذاری کار عوامل صدام ، ساواکی ها و سلطنت طلبان و غیره است و یا کار مجاهدین آیا شما رنج نمی برید از اینکه می بینید مردمی که تا دیروز از شما طرفداری می کردند امروز واقعا گیج شده اند که در مورد انفجارها بگویند کار آمریکاست یا کار مجاهدین آیا دردناک تر از این هم می شود ؟

● - ببینید چرا اینقدر هواداران شما به رادیوی آمریکا ، اسرائیل و بی بی سی و بختیار توجه پیدا کرده اند چرا عمده ترین کانال دریافت خبر برای شما همان خبرگزاری های امپریالیستی و رادیوهای ضد انقلابی است به این فکر کنید که چرا در وجود شما اعتماد به این بوق های امپریالیستی اینقدر زیاد شده است چرا هیچ وقت به رادیوهای کشورهای سوسیالیستی گوش نکرده اید ؟ چرا از تمام مطبوعاتی که علیه امپریالیسم موضع گیری دارند و چه ره آن را (البته هر یک از دیدگاه خود) می شکافند متنفرید شما که این رادیوها را به دقت گوش می دهید آیا می توانید برای مردم بگویید چه تفاوت است میان آنچه که شما درباره حکومت می گوئید و آنچه که آنها می گویند ؟ چرا به شما گفته اند روزنامه های کیهان ، اطلاعات ، جمهوری اسلامی ، امت ، مردم و کار اکثریت را نخوانید و رادیو گوش ندهید و تلویزیون را

نبینید ؟ چطور در سابق همیشه شما را تشویق می کردند که همه روزنامه ها را بخوانید ، به رادیوها گوش دهید و از میان آنها نیکوترین را برگزینید ؟ اگر روزی رهبری سازمان اشتباه کرد که کرد ، اگر رهبری سازمان خیانت کرد چنانکه می کند- شما از کجا متوجه می شوید که خطا می روید ؟ این را بدانید که رهبری همه جریان های سیاسی سالم و ناسالم هواداران خود را مسلما تشویق به استفاده از منابعی می کنند که مورد قبول آنهاست . لاکن هیچ سازمان سالمی هواداران خود را ملزم به نخواندن و نشنیدن حرف دیگران نمی کند .

● - ببینید علت این حرفی که به شما زده اند که گویا خط امام در آستانه سقوط است چه بوده است ؟ آیا واقعا حاکمیت خط امام در حال سقوط است ؟ یا این حرف برای این عنوان شده است که عملیات مسلحانه را توجیه کنند ؟ ما بارها گفته ایم و باز هم می گوئیم خط امام در حکومت تا امروز هیچگاه موقعیتی به این مستحکمی نداشته است . حتم بدانید که وسیع ترین بخش اقشار محروم جامعه نیز علیرغم تمام تناقضات و نارسائی هایی که دارد ، علیرغم انبوه انتقاداتی که به آن وارد می بینند و به حق هم می بینند از این حکومت پشتیبانی می کنند و با جان و دل هم پشتیبانی می کنند . نارضایی خیلی زیاد است اما مردم یک موی این جمهوری را به هزار بختیار و بنی صدر ترجیح می دهند مردم اینگونه اند . الا طبقات مرفه . اگر مردم از این سیاست شما حمایت می کردند در تظاهرات موضعی اخیر شما به جای اتکای به بمب به میلیون ها مشت گره خورده تکیه می کردید . آیا اسفانگیز نیست که بجز افراد سازمانی حتی یک نفر هم از مردم در تظاهرات شما شرکت نمی کنند ؟

● - به این فکر کنید که چرا هیچیک از کشورهای ضد امپریالیستی و مترقی از این کارهای شما حمایت نمی کنند و همه بلا استثنا می گویند این کارهای تروریستی کار عوامل ساواک و سیا است ؟ و چرا در عوض جرج بادل ها از کارها و مواضع شما تعریف می کنند . ما می دانیم و درک می کنیم که در این جو کینه توزانه و عصبی که پدید آمده است با این موج اعدام هایی که نه تنها اکثر آنها به هیچ روی قابل دفاع نیست ، بلکه تاثیرات منفی مخرب بجا می گذارد و بسیاری شان از سر غیض است ، بسیار دشوار است که شما به درستی دریابید به کدام سمت می روید ؟ علاوه بر این ، وابستگی سازمانی و تعصب تشکیلاتی که همیشه پایه آموزش های رهبری مجاهدین بوده است همراه با تبلیغات شدید علیه همه جریان هایی که از خط مسعود رجوی و موسی خیابانی انتقاد کرده اند و آن را مردمی و انقلابی ندانسته اند شرایط را برای فکر کردن و تصمیم درست گرفتن بسیار دشوار کرده است ، با این همه ما بسیار ضروری می دانیم که رثوس مواضع خود را درباره اعمال و نظرات آن دسته از نیروهای مجاهد که هنوز حقایق را باور نکرده اند اما سالم هستند و هنوز با اهداف مردمی و انقلابی مبارزه می کنند اعلام کنیم :

به گروه های چپ رو

گروههایی چون اقلیت و راه کارگر و ضمام آن گرچه از لحاظ سهمی که در عمل داشته اند ، با مجاهدین قابل قیاس نیستند اما از آنجا که رهبران مجاهدین در نزد هواداران ساده اندیش این گروه های چپ رو را " مارکسیست های اصولی " معرفی کرده اند و همکاری با آنان را یکی از وجوه ترقی خواهانه خود (در مقایسه با خط امام) اعلام کرده اند ، و از آنجا که هر نوع بی توجهی نسبت به اشتباهات و انحرافات جدی این گروهها به معنای تمکین به تداوم آن تلقی می شود و از آنجا که علیرغم برخی رهبران خائن مجاهدین از قبیل مسعود رجوی معتقدیم که عامل عمده در تداوم وضعی که این گروهها در آن گیر کرده اند ، خطای ارزیابی و اشتباهات فاحش سیاسی است ، لذا ضروری است که آنها جداگانه مورد خطاب قرار گیرند .

این گروهها در اساسی ترین مساله یعنی در برخورد با حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و خط رهبری آن یعنی خط امام با رهبران مجاهدین توافق کامل دارند و این حکومت را یک حکومت ضد انقلابی و ضد خلقی وانمود می کنند و همنا با آمریکا در راه سرنگونی آن تلاش می کنند ، گرچه همگی و همراه با مجاهدین دانسته و ندانسته به امپریالیسم آمریکا خدمت می کنند با این همه بین رهبران مجاهدین و این گروههای چپ رو امروز دو اختلاف بسیار مهم شکل گرفته است :

اولا - رهبران مجاهدین از ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ برای سرنگونی جمهوری اسلامی " مشی مسلحانه " را علیه جمهوری اسلامی پذیرفته ، بکار بسته و آن را " شکل اساسی و محوری " فعالیت خود قرار داده اند ، حال آنکه سایر گروههای چپ رو اساسی فعالیت خود را در این مرحله " مشی سیاسی " قرار داده اند و تروریسم را به مثابه یک خط مشی قبول ندارند . آنها شرکت خود را در عملیات تروریستی تایید نکرده اند .

ثانیا - رهبران مجاهدین در فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی اتحاد با لیبرالها و همکاری با ضدانقلابیون را می پذیرند و عملا خواهان آنند که " به اشکال مقتضی " حمایت همه دشمنان جمهوری اسلامی از جبهه متحدی که به رهبری رجوی و بنی صدر تشکیل شده تامین گردد . سایر چپ روها با این سیاست مخالفند . آنها بنی صدری ها ، نهضت آزادی ها ، جبهه ملی چپ ها ، رنجبری ها و باندهای سلطنت طلب را تایید نمی کنند و مایلند مجاهدین خرج خود را از لیبرالها و سلطنت طلبان جدا کنند و فقط با ایشان (چپ روها) اتحاد کنند .

اما متأسفانه رهبران این گروهها به علت تزلزل و ناپیگیری در موضع گیری قاطع و عدم تبلیغ موثر روی این مواضع که مشخصا فشارهای رهبران مجاهدین نیز در آن بی تاثیر نبوده است این ذهنیت را در هواداران مجاهدین و طرفداران خود و اکثریت مردم ایجاد کرده اند که گویا در تمام جنایاتی که به دستور رهبران خائن مجاهدین صورت می پذیرد ، و در راهی که رجوی در مسیر همکاری مجاهدین با لیبرالها و

به جمهوری اسلامی ایران

در برخورد با نیروهای مجاهد چه می‌گوئیم

مکرر گفته‌ایم که این وضعی که در رابطه با سازمان مجاهدین پیش آمده است کاملاً اجتناب‌پذیر بوده است. روند رشد و گسترش انقلاب به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر جریان‌های لیبرالی را در مقابل انقلاب قرار می‌دهد و به رو در رویی با آن می‌کشاند. اما تفاوت بود میان مجاهدین و لیبرالها. لیبرالها چون طرفدار رشد سرمایه‌داری هستند، لزوماً در برابر گسترش انقلاب می‌ایستند. اما مجاهدین راستین دارای تمایلات ضداستثماری، ضدسرمایه‌داری، و ضد امپریالیستی بارزی بوده‌اند. لذا جای مجاهدین واقعی، مجاهدینی که راه طالبانی‌ها و سعادت‌ها را طی می‌کنند در آغوش جبهه وسیع نیروهای مدافع انقلاب بوده و هست. لیبرالها با سمجی خاصی مدام اینطور تبلیغ می‌کنند که گویا علت اینکه سازمان مجاهدین و بنی‌صدر بدین روز افتاده‌اند، انحصارطلبی و قشری‌گری نیروهای مدافع حکومت بوده است. این حرف به‌شکل دیگر همان تبلیغ عوام‌فریبانه است که می‌گوید توده‌های مسؤل فرجام کار مصدق و شکست او بوده‌اند. مسؤلیت راهی که رهبران سیاسی انتخاب می‌کنند و پی‌آمدهای ناشی از این انتخاب بر عهده خود آنهاست. تاریخ، رهبران سیاسی را به خاطر خطاهایی که دیگران مرتکب شده‌اند تنبیه نمی‌کند. با این همه می‌توان و باید سهم و سیاست هر یک از جریان‌ها و تاثیر آنها بر یکدیگر را معین کرد.

لیبرالیسم و مائوئیسم مجاهدین را مارکسیسم معرفی نکنید

از زمانی که در سال ۵۴ رهبری سازمان مجاهدین تغییر موضع داد و سازمان پیکار از آن میان درست شد بسیاری از روحانیون مبارز رشد و غلبه تمایلات مائوئیستی در سازمان مجاهدین را به حساب مارکسیسم نوشتند و مجاهدین را از این زاویه که چرا با مارکسیست‌ها روابط دارند مورد انتقاد قرار دادند. متأسفانه در دو ساله اخیر هم همین انتقاد مهمترین زاویه حمله نیروهای خط امام به مجاهدین بوده است. این تبلیغات این توهم را در میان مردم دامن می‌زند که گویا انحرافات رهبری مجاهدین به دلیل نزدیکی ایشان به مارکسیسم بوده است. حال آنکه اصلاً چنین چیزی نیست. زیرا اولاً در سال ۵۴ رهبری آن زمان مجاهدین مائوئیسم را پذیرفت نه مارکسیسم را. ثانیاً در دو ساله اخیر رهبران مجاهدین روز به روز از مارکسیست‌ها دور شده و به جریان‌های لیبرالی و مدافع سرمایه‌داری ضد مارکسیست نزدیک شده‌اند و منشاء اصلی تمام گرایش‌های ضدانقلابی آنها دوستی‌شان با لیبرالهای مدافع سرمایه‌داری و دشمنی‌شان با مارکسیست‌های طرفدار سوسیالیسم علمی بوده است. مارکسیست نامیدن مجاهدین مشخصاً بدینجا انجامید که افراد خیانتکاری چون مسعود رجوی ماسک انقلابی به چهره بزنند و به هواداران خود بگویند که علت دشمنی رژیم با ما آن است که ما با انقلابیون کمونیست دوست هستیم. لکن در عمل رهبری مجاهدین هر روز بیشتر از روز پیش بر دشمنی خود با انقلابیون

و تحکیم و تعمیق انقلاب سازمان دهند و در تمامی عرصه‌های مبارزه انقلابی دو شادوش ساینیروهای انقلابی به میدان آیند، بلکه این فعالیت و مبارزه آنان مورد حمایت و تشویق همه مدافعان راستین انقلاب قرار خواهد گرفت. اطمینان داشته باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در ایران در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع و چندگونگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته است. خیال کاملاً باطلی است هرگاه تصور شود که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و آن را تعمیق کرد و هم با دگراندیشی به ستیز برخاست و انقلاب را از حمایت و پشتیبانی وسیع و کارساز ساینیروهای انقلابی محروم ساخت.

سیاست درست و فعال آیت‌الله فقید طالبانی در برخورد با مجاهدین خلق که آثار بارز آن در ۸ ماهه حیات پرثمر ایشان پس از انقلاب در موضع‌گیری‌های مجاهدین پیداست الگو و سرمشق بسیار خوبی برای نیروهایی است که به تاثیرات خلاق سیاست ارشادی در برخورد با منحرفین هنوز عمیقاً پی‌نبرده‌اند. هرگونه تلاش برای ممانعت از تشکل نیروهای سالم و صادق مجاهدین که خود را در چهارچوب قانون اساسی قرار می‌دهند، مشخصاً به سود تروریسم و به زیان موفقیت نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در پیکار علیه آن است. وظیفه همه نیروهای آگاه و مبارز و مدافع جمهوری اسلامی ایران است که اینگونه موانعی را که نیروهای قشری تنگ‌نظر و ناآگاه و بعضاً مشکوک ایجاد می‌کنند از میان بردارند.

کمونیست و بر دوستی خود با محافل سرمایه‌داری افزوده است. بجاست که روحانیت مبارز یک بار دیگر نتایج اینگونه انتقاداتی را که به مجاهدین وارد آورده است ارزیابی کند تا روشن شود که چگونه این نوع اتهامات ماهیت انحرافات رهبری مجاهدین را که لیبرالی و مائوئیستی است پنهان می‌کند و به آنها کمک می‌کند که به این گرایش به راست وحشتناک ماسک "چپ" بزنند، چهره واقعی خود را بیپوشانند.

متأسفانه هنوز هم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از وجود تفکری که می‌کوشد انحرافات لیبرالی و مائوئیستی مجاهدین را به مارکسیسم نسبت دهد، خلاص نشده است. از تبلیغات اخیر صدای جمهوری اسلامی ایران که صبح‌ها از ساعت ۷/۵ تا ۸ پخش می‌شد بیشترین بهره را رهبری خیانتکار مجاهدین برد که با لیبرال‌های ضدمارکسیست بیشترین پیوند را دارد اما هنوز هم خود را با مارکسیست‌ها نزدیک نشان می‌دهد. به سود انقلاب و مردم است که اینگونه تبلیغات قطع شود و انحرافات مجاهدین همتاگونه که هست برای مردم توضیح داده شود.

تفاوت عقاید انقلابی را باور و تحمل کنید

از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی ایران، محافل قشری و تنگ‌نظر بیشترین تلاش خود را کردند که مجاهدین و سایر گروه‌های مذهبی مترقی را به موضع‌گیری ضدانقلابی بکشانند. این محافل قصد نداشتند به رشد گرایش‌های سالم و مثبت در سازمان مجاهدین و همراهان کمک کنند. فعالیت آنها به خائینی چون رجوی فرصت داده است که اعمال خود را در نزد هواداران ساده توجیه کنند.

اکنون شواهد بسیاری در دست است که با یقین گفته شود که محافل معینی در جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را بکار انداخته‌اند که امکان تشکل مسلمانانی که به افکار ترقی‌خواهانه طالبانی فقید و بنیانگذاران سازمان مجاهدین گرایش دارند را از میان بردارند. مسلمانانی که مدافع راستین انقلاب و محتوای مردمی جمهوری اسلامی هستند. ما اعدام محمدرضا سعادت و حملات اخیر به جنبش مسلمانان مبارز و کوشش‌هایی که در جهت تشدید اختلافات با آنان صورت می‌گیرد را در جهت پیشرفت سیاست همین محافل ارزیابی می‌کنیم و آن را برای اتحاد نیروهای خلق بسیار زیانبار می‌شناسیم. ما عمیقاً معتقدیم که تنها راه سالم و خلاق برای نجات انقلاب ایران از تمام توطئه‌هایی که دشمنان انقلاب تدارک می‌بینند اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی قطع‌نظر از عقاید و افکار خاص هر یک از آنهاست. معتقدیم هم‌اکنون بیش از هر زمان ضروری است که بر اساس اطلاعیه ده ماده‌ای دادستانی انقلاب نه تنها به همه نیروهای سالم و صادق مجاهد اطمینان داده شود که حق دارند و می‌توانند در چهارچوب قانون اساسی و اطلاعیه ده ماده‌ای فعالیت متمرثر و انقلابی خود را برای تثبیت

راه را بر بازگشت خطاکاران نبندید

اکنون امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین نیروهای شکست‌خورده و یا زخم‌خورده از انقلاب سرانجام موفق شده‌اند نقشه نفاق‌افکنانه خود را پیاده کنند و گروه وسیعی از جوانان رزمنده و پرشور میهن‌مارادر برابر میلیون‌ها مردمی قرار دهند که در برابر تعرضات جنایتکارانه امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا از جمهوری اسلامی ایران و رهبری امام خمینی با جان و دل دفاع می‌کنند. تروریسم آنگونه بیماری است که ویروس آن را امپریالیسم آمریکا با مهارت خاصی در میهن ما کشت می‌دهد. ما معتقد نبوده و نیستیم که چاره اصلی این بیماری پلید، احکام دادگاه‌های انقلاب است. ما راه‌حل‌ها و پیشنهادهای اصولی و روشن خود را برای مبارزه با این توطئه امپریالیستی در شماره‌های متعدد نشریه کار نقل کرده‌ایم و همه نیروهای روشن‌بین و معتقد به انقلاب را به مکت‌کردن روی آنچه که گفته‌ایم دعوت می‌نماییم.

کوشش دشمنان خلق ما امروز آن است که جو عصبی تحریک‌شده و خون‌گرفته‌ای را ایجاد کنند که در پرتو آن خرد و منطق جای خود را به کینه‌ای کور بسپارد که هدف وسیله را توجیه می‌کند جوی آغشته به روحیه پدرکشتگی و انتقام‌جویی که بارزترین آن را در عمل ترور فجع آیت‌الله مدنی در تبریز شاهد بوده‌ایم؟ کوشش دشمنان خلق ما این است که طوری وانمود شود که جمهوری اسلامی دوست و دشمن نمی‌شناسد و همه را از دم تیغ می‌گذراند. جزای تروریست و غیر تروریست جوخه اعدام است. هر کس در حکومت نباشد جایش در این کشور نیست و از این قبیل مزخرفات. هسته اصلی نقشه آمریکا و دشمنان خلق این

بقیه از صفحه ۱۴

به گروه‌های چپ رو...

سلطنت‌طلبان و جلب حمایت آنان تعقیب می‌کنند ، این گروه‌ها هم شریکند و توافق کامل دارند .

اگر چنانچه رهبران ، کادرها ، اعضاء و هواداران این گروه‌ها در قبال اثراتی که هر تصمیمشان در سرنوشت هزاران جوانی که به گمراه می‌روند ، در خود ذره‌ای احساس مسئولیت کنند اگر آنها نخواهند به همان سرنوشت عم‌انگیزی که رجوی‌ها بدان دچار شدند ، گرفتار آیند ، اگر در وجود خویش نشانی از وفاداری به خلق و کینه نسبت به دشمن اصلی خلق می‌جویند ، می‌باید علیرغم تمام فرصت‌های گرانقدری که از دست داده‌اند :

● باید هرچه سریع‌تر نظر صریح و آشکار خود را نسبت به اتحاد بنی‌صدر - رجوی و حمایت آشکار امپریالیسم آمریکا از این بلوک‌بندی را اعلام کنند و برای مردم توضیح دهند که آیا آنها هم در این به اصطلاح " شورای مقاومت ملی " شرکت دارند یا نه ؟ رهبران خائن مجاهدین قطعاً با این موضع‌گیری موافق نیستند و فشار می‌آورند که " در شرایط فعلی " هرنوع انتقادی از مجاهدین به سود " ارتجاع ! حاکم ! " تمام می‌شود باید در مقابل پرسید سکوت در برابر اتحاد بنی‌صدر - رجوی و حمایت آشکار امپریالیسم آمریکا به سود چه کسی جـ امپریالیسم و بورژوازی تمام خواهد شد .

● باید هرچه سریع‌تر نظر صریح و آشکار خود را نسبت به مشی مسلحانه و عملیات جنایتکارانه و دیوانه‌وار مجاهدین اعلام کنند و برای مردم وسیعاً توضیح دهند که آیا آنها هم در این به اصطلاح " جنگ ! انقلابی ! " شرکت دارند یا نه ؟ رهبران خائن مجاهدین قطعاً این موضع‌گیری را " سازش با ارتجاع ! " خواهند نامید و آن را " ناشی از ترس " اعلام خواهند کرد . ولی بدانید ابهام در مشی شما که معلوم نیست بالاخره " نظامی " است یا " سیاسی " چه ضربات سنگینی متوجه نیروهای بی‌گناهی

بقیه از صفحه ۱۴

به مجاهدینی که ...

۱ - تروریسم از نظر محتوا در شرایط کنونی تاکتیک امپریالیسم و ارتجاعی‌ترین طبقات اجتماعی است .

تاکتیک ترور فردی اساساً تاکتیکی جدا از توده است و نشانه یاس از برخورداری از حمایت وسیع توده‌ای است . تاریخ نشان داده است که این کار راه به جایی نمی‌برد .

۲ - مسعود رجوی و موسی خیابانی با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند و با آنان هم‌آواز شده‌اند ، لذا به انقلاب خیانت کرده‌اند . آنها خائن به خلق هستند . باید از رهبری سازمان طرد شوند و در دادگاه خلق پاسخگوی اعمال خود باشند .

۳ - جای پای خطامام در حکومت محکم است . اینها تبلیغات امپریالیستی است که می‌گویند رژیم در حال سقوط است . مردم رهبری امام را قبول دارند و محروم‌ترین اقشار از حکومت دفاع می‌کنند . تازه تمام ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که اگر همین الان حکومت شکست بخورد محتمل‌ترین آلترناتیو آمریکاست و ریگان خیلی خوب این معنا را

خواهد ساخت که ساده‌دلانه سرنوشت خود را به دست شما سپرده‌اند . آیا شما با این دو دلی و تردید در اعلام مشی‌تان در کمال بی‌مسئولیتی سرنوشت صدها جوانی که خود را به شما سپرده‌اند به بازی نمی‌گیرید ؟ آیا با این بی‌مسئولیتی وحشتناک در برابر سرنوشت اعضاء و هواداران راه را باز نگذاشته‌اید که به انواع و اقسام اتهامات ، طرفدارانتان به جوخه اعدام سپرده شوند ؟ و بدین وسیله راه برای کسانی باز شود که می‌گویند " باید چند نفر را گشت و خود را هم به گشتن داد ؟ " تا کی می‌خواهید این تذبذب و بی‌مسئولیتی وحشتناک را ادامه دهید ؟ گول رهبران خائن مجاهدین را نخورید . اجازه ندهید برای حفظ هواداران خود درراهی که جز مرگ پایانی ندارد از مشارکت شما در عملیات مسلحانه بهره‌گیری کنند . به این فکر کودکانه تن ندهید که گویا ضرباتی که می‌خورید ناشی از اشتباهات تکنیکی و عدم رعایت مسائل امنیتی است ابهام در مواضع شما نسبت به تروریسم است که این بلا را بر سر شما آورده است . لحظه‌ای فکر کنید ببینید واقعا عدم موضع‌گیری صریحتان علیه تروریسم تا امروز به سود چه کسی تمام شده است ؟ به خود آییید .

بارها به شما گفته‌ایم و اکنون نیز یک بار دیگر در این فرصت تاکید می‌کنیم که منشاء بسیاری از این سردرگمی‌ها ، کج‌روی‌ها و اشتباهات وحشتناک درتردید و تزلزل شما در موضع‌گیری قاطع و روشن نسبت به متحدین و دشمنان انقلاب ایران در مقیاس جهانی است . بیایید موضع خود را نسبت به کشورهای مرفعی و ارتجاعی جهان روشن کنید ، بگویید کدام یک را دشمن مردم ایران می‌شناسید و کدام یک را دشمن می‌دارید . موضع خود را نسبت به مواضع امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی دربرخورد با مدافعان و دشمنان جمهوری اسلامی ایران برای مردم توضیح دهید نظر خود را در مورد سیاست اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در برخورد با نیروهای مدافع این جمهوری و دشمنان این جمهوری که در راه سرنگونی آن مبارزه می‌کنند ، برای مردم توضیح دهید . روی نظر خود نسبت به تحلیل کشورهای عضو جبهه پایداری و سیاست آنان نسبت به دولت ایران و کسانی که در راه سرنگونی آن مبارزه می‌کنند فکر کنید و نتیجه آن را به

درک کرده است .

۵ - تظاهرات مسلحانه موضعی و سایر تاکتیک‌های مسلحانه فقط به درد متلاشی کردن سازمان می‌خورد آینده نشان خواهد داد که با این روش‌ها هم تشکیلات مجاهدین ضربات بسیار جدی می‌خورد و هم حیثیت و اعتبار سابق مجاهدین در میان توده‌ها به کینه و نفرتی بس عمیق بدل می‌شود . با ادامه این وضع سازمان مجاهدین یک بار دیگر به همان وضعی حتی به وضعی به مراتب بدتر از آن - دچار می‌شود که در سال ۵۴ بدان گرفتار شد .

در برابر این حقایق ما فکر می‌کنیم وظیفه عناصر ناباور و صادق مجاهدین آن است که :

۱ - بکوشید حصار فکری را که سازمان دورادور شما کشیده است ، بشکنید و مانند مجاهدین قدیم همه نظرات و دیدگاه‌ها را بررسی کنید . حرف‌های سعادت را یک بار دیگر بخوانید و روی آن مکث کنید همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید .

۲ - بکوشید از تاثیر این جو عصبی و کینه‌توزانه روی اذهان بکاهید . تصمیمات و نظرات خود را بر اشتباهات حکومت ، به

مردم بگویید . چرا از کره ، ویتنام ، کوبا ، افغانستان ، اتیوپی عدن و همیره حمایت نمی‌کنید مگر آنها را دشمن می‌دارید ؟ سیاست دولت‌های ارتجاعی پاکستان ، ترکیه ، عراق ، عربستان سعودی ، مصر و از این قبیل را در برخورد با جمهوری اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید ؟ آنها دوست این جمهوری هستند یا دشمن آن ؟ و جای شما در این میان کجاست ؟ لحظه‌ای فکر کنید کدام جبهه قرار گرفته‌اید ؟ امپریالیسم آمریکا و متحدانش چرا به سود جبهه‌ای تبلیغات می‌کنند که شما از آن حمایت می‌کنید چه کرده‌اید که همه مرتجعین گرد یاران شما را گرفته‌اند ؟ آیا همه مرتجعین اشتباه می‌کنند آیا امپریالیسم آمریکا در دشمنی با این جمهوری اشتباه می‌کند ؟ آیا اتحاد شوروی ، کوبا ، لیبی ، کره و همه جهان ترقیخواه اشتباه می‌کنند ؟ راستی فکر می‌کنید در دنیایی به این عظمت میلیاردها خلقهای جهان که پوزه آمریکا را به خاک می‌مالند همه اشتباه می‌کنند و فقط شما درست فکر می‌کنید ؟ آیا معتقدید هم تمام انقلابیون جهان و تمام کشورهای مرفعی و انقلابی جهان که از این جمهوری پشتیبانی می‌کنند اشتباه می‌کنند هم تمام ضدانقلابیون ایران و جهان و تمام کشورهای ارتجاعی که با این جمهوری دشمنی می‌کنند اشتباه می‌کنند ؟ هیچ تردید نداشته باشید که قطعاً همه کسانی که این چنین درمرداب تفرعن غرق می‌شوند که با کمترین بضاعت معنوی و اندوخته تجربی خود را مافوق جهان قرار می‌دهند پایان کارشان همان پایان کار خلیل ملکی‌ها ، رجوی‌ها خواهد بود . تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهند که بلااستثناء و بدون تردید ادامه دشمنی با نیروهایسی که با امپریالیسم می‌ستیزند ، قطعاً به دوستی و همدستی با امپریالیست‌ها کشیده می‌شود و هرچه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این دوستی ناگزیرتر و درعین حال مخلصانه‌تر خواهد شد . آیا سرنوشت غمبار ماؤ هنوز هم برای شما درس عبرت نیست ؟

و آنچه در این میان واقعا دردناک است پایان حزن‌انگیز کار نوجوانانی است که با آرمان بازپس گسرفتن حق زحمتکشان از امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران غارتگر قدم در راه نهادند . اما بی تجربگی‌هایشان در آمیزش با فرصت‌طلبی‌رهبران ، زندگی‌شان را در راه تامین منافع گریه‌ترین دشمنان خلق بر باد می‌دهد . واقعا اسف‌انگیز است .

ویژه موج اعدام‌ها ، متکی نکنید . از این دام پرهیز کنید .

۳ - سیاست رهبری سازمان شما این است که اینقدر کار عملی روی دوش شما بگذارد که فرصت فکر کردن نداشته باشید . در این شرایط بغرنج برای اینکه حقیقت را دریابید برای اینکه آگاهانه مبارزه کنید باید تسلیم این سیاست رهبری نشوید . مبرم‌ترین وظیفه شما این است که نیروهای صادق سازمان را به بحث و بررسی خط سازمان و متحدین آن بکشانید .

۴ - وظیفه اخلاقی ، انقلابی و انسانی شماست که نگذارید نوجوانان حساس و ناآگاه را به عملیات بفرستند . نباید بگذارید که آنها قربانی شوند .

برای همه نیروهای صادقی که برای رهایی خلق خود فداکارانه تپیکار می‌کنند ، موفقیت و پیشرفت آرزو می‌کنیم . ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای ضد امپریالیستی به جای آنکه بر روی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند توان و قدرت آن را بیابند که مسائل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل کنند . ما برای فراهم آوردن چنین فضایی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد .

پیام مشترک سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران

بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۱-۱۳۶۰:

سال تحصیلی جدید، "سال اتحاد"، سال رزم مشترک و متحد همه دانش آموزان علیه آمریکای جنایتکار و "تفاله" های آن خواهد بود!

دانش آموزان انقلابی!
معلمین و فرهنگیان گرامی!
مسئولین محترم آموزش و پرورش!
اولیاء ارجمند دانش آموزان!

در آستانه سال تحصیلی جدید، گرمترین دروهای سازمان دانش آموزان پیشگام ایران و سازمان جوانان توده ایران، سازمانهای جوانان انقلابی و میهن دوست ایران را، که در راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن و تحکیم شکوفایی جمهوری اسلامی ایران می رزمند، بپذیرید.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می شود که انقلاب شکوهمند مردم ایران در یکی از حساس ترین مراحل رشد و تکامل خود قرار دارد. امپریالیسم جهانی، بسرکردگی "شیطان بزرگ" امریکای جنایتکار، و تفاله های رنگارنگش تمامی توش و توان خویش را بکار گرفته اند، تا با سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، میهن عزیز ما را دگرباره به زیر سیطره جهنمی و اهریمنی خویش کشند. آنان در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نکرده و نمی کنند. تجربه دو سال و نیم استقرار جمهوری اسلامی ایران شاهد انواع ترفندها و دسیسه های امریکای جنایتکار و ضدانقلاب پرورده اش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

ایجاد اغتشاش در نواحی گوناگون کشور، محاصره اقتصادی، تهدید حمله نظامی، توطئه کودتا، تجاوز مستقیم نظامی، تحریک رژیم صدام به جنگ علیه ایران انقلابی، ترفند به شکست کشاندن انقلاب ایران از درون توسط لیبرال ها و بنی صدر و بالاخره توطئه کثیف و جنایتکارانه ترور رهبران جمهوری اسلامی ایران، که متأسفانه تاکنون منجر به شهادت تعدادی از شخصیت های مملکتی از جمله رئیس جمهور آقای محمدعلی رجایی و نخست وزیر آقای باهنر، که هر دو مدت ها مسئولیت خطیر اداره آموزش و پرورش کشور را به عهده داشتند، گردیده است. مدارس در مجموعه ترفندهای امریکای جنایتکار علیه انقلاب، ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران جای ویژه ای دارند. ایجاد اغتشاش در مدارس، به مثابه حلقه های از توطئه های براندازی، مورد توجه جدی سرویس های جاسوسی و خرابکاری امپریالیستی بوده و هست. در اسناد لانه جاسوسی آمریکا این سناریو چنین ترسیم شده است: "نفاق در مدارس بین محصلین و بین کادر مدارس و یا هر دو که منجر به بسته شدن مدارس یا محیط خشونت های افراطی که باعث نارضایتی عمومی و همچنین به شیوه قبل از انقلاب چهلم هابی بعد از چهلم گرفته شود. شیوه ای که نقش بزرگی در سقوط شاه داشت"

تجربه دو سال تحصیلی پس از انقلاب نشان می دهد که متأسفانه دشمنان انقلاب، با بهره گیری از نارسایی ها و کاستی ها، بی برنامهگی مسئولین و برخی تنگ نظری ها و انحصارطلبی ها و به دام انداختن گروهی از جوانان و

دانش آموزان ناآگاه و بی تجربه، کم و بیش توانسته اند در اجرای این سناریوی شوم، مدارس را به اغتشاش کشند. این تجربه، مسئولین امر، فرهنگیان و دانش آموزان را فرا می خواند که هرچه هوشیارتر و با برنامه تر سال تحصیلی جدید را آغاز کنند و بکشند، تا در پرتو اتحاد و همبستگی همه نیروهای مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، سال تحصیلی جدید را به سال شکست توطئه های امپریالیسم آمریکا و "تفاله" های آن، سال آرامش و سازندگی در مدارس و سال تثبیت، تحکیم و گسترش همه جانبه دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بدل سازند.

دانش آموزان عزیز و انقلابی!

شما که با دلوری ها و از جان گذشتگی های خود در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن سهم بسزایی داشتید و همراه توده های خلق پرچم انقلاب را با دست های نوجوان خویش افراشته نگاه داشتید، شما که در سالهای پر فراز و نشیب پس از انقلاب در دفاع از میهن عزیز خود حماسه ها آفریدید و با استواری در مقابل ترفندهای دشمن داخلی و خارجی ایستادید، شما که در جبهه های جنگ میهنی علیه تجاوز امریکایی - صدامی، در صفوف نخستین نبرد قرار دارید و از درون خود حماسه سازانی چون "حسین فهمیده" را به انقلاب تقدیم داشتید، در سال تحصیلی جدید با هوشیاری و اتحاد، توطئه های امپریالیسم، بسرکردگی امریکای جنایتکار را عقیم گذارید. عناصر ناآگاه و بی تجربه ای را که تحت تاثیر ضدانقلاب راست و چپ نمای پرورده آمریکا قرار گرفته اند، با واقعیات انقلاب آشنا کنید. با برخورد متین، اصولی و سازنده و پر شکیب خویش، ماهیت عملکردهای گروهک های ضدانقلابی و چپ رو را برای آنان شرح دهید و بکشید تا جو تفاهم و همبستگی را در همه مدارس بگسترانید. در قبال توطئه های تفرقه افکنانه هوشیار باشید. در برابر تنگ نظری ها و انحصارطلبی ها برخورد اصولی پیشه کنید و بکشید تا مزار چنین شیوه هایی را برای حال و آینده جمهوری جوان اسلامی ایران به عناصر ناآگاه، انحصارطلب و تنگ نظر توضیح دهید.

«آغاز سال تحصیلی جدید با "هفته جنگ" مصادف است. این تصادف، ما را به توجه جدی به امر دفاع از انقلاب در قبال تجاوزات امریکای جنایتکار و مزدوران صدامی آن فرا می خواند. هرچه فعال تر در صفوف ارتش ۲۰ میلیونی شرکت کنید، آموزش نظامی را فرا گیرید و خود را از هرباره برای پرتوان تر کردن جبهه های جنگ میهنی آماده سازید.

«شما در ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد وظیفه عظیم و انجام شایسته آن آماده سازید تنها به کتب درسی اکتفا نکنید و با مطالعه همه جانبه، آگاهی اجتماعی، فرهنگی و

علمی خویش را توسعه دهید و به امریکای جنایتکار نشان دهید که هیچ خرابکاری و ترفندی قادر نیست نسل جوان ایران را از تلاش برای آموختن و سازندگی بازدارد!

«با کار روشنگرانه و توضیحی، مسئولین و همه فرهنگیان را به اهمیت تشکیل شوراهای مدارس آشنا کنید. در مدارس که شرایط آماده است، در تشکیل شوراهای فعالانه شرکت جوید و از این طریق نقش شایسته خویش را در اداره امور مدارس ایفاء کنید!

«با تشکیل تعاونی های مدارس به رفع کاستی ها و کمبودهای ناشی از جنگ تحمیلی در مدارس همت گمارید. وسائل درسی از قبیل نوشت افزار، کتب درسی، و در مدارس دخترانه لباس مدرسه و ... را از طریق تعاونی ها در دسترس همه دانش آموزان قرار دهید!

«فعالانه در فعالیت های فوق برنامه، کتابخانه های مدارس، فعالیت های ورزشی و فرهنگی و ... شرکت جوید و بکشید از هم اکنون خودو دیگران را جوانانی از نظر اجتماعی آگاه، فعال، مردم دوست و دلسوز به انقلاب بار آورید!

«با خانواده و پدران و مادران خویش مناسبات دوستانه و مبتنی برصمیمیت و احترام متقابل برقرار کنید. آنان را به شرکت در انجمن های اولیاء و مربیان ترغیب کنید!

«اتحاد و همبستگی ضامن پیروزی در راه دشواری است که در آن گام نهاده اید. نسل انقلاب درس اتحاد و همبستگی را در تظاهرات خیابانی، در سنگرهای نبرد مسلحانه ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در سنگرهای جنوب میهنی علیه تجاوز امریکایی - صدامی آموخته است و باید آن را در محیط مدرسه نیز با شایستگی تحکیم کند.

سازمان جوانان توده ایران و سازمان دانش آموزان پیشگام ایران از همه دانش آموزان آگاه و انقلابی، از سازمان های دانش آموزی مومن به انقلاب، از انجمن های اسلامی دانش آموزان از دانش آموزان هوادار جنبش مسلمانان مبارز، و از کانون دانش آموزان ایران دعوت می کند که در سال تحصیلی جدید، هرچه فعال تر در راه تحکیم این اتحاد بکشند، از گروه گرایی و تنگ نظری برحذر باشند و سنگ پایه های "اتحادیه سراسری دانش آموزان" را بنیاد نهند.

تشکیل "اتحادیه سراسری دانش آموزان" بی شک نقطه عطفی در تاریخ جنبش دانش آموزی ایران خواهد بود و آن را از پراکندگی سازمانی که نقطه ضعف بزرگ آن است، خواهد رها کنید. تشکیل "اتحادیه سراسری دانش آموزان" ضامن شرکت فعال تر، یکپارچه و منجم توده های دانش آموز در حیات اجتماعی و سیاسی ایران انقلابی خواهد بود.

بقیه از صفحه ۱۶

پیام مشترک

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

سال تحصیلی جدید دزشرایطی آغاز می شود که تجربه گرانقدر ۲ سال تحصیلی پس از انقلاب در برابر شما قرار دارد. این تجربه می آموزد که امپریالیسم، بسرکردگی امریکای جنایتکار، و "تفاله" هایش و تنها بر بستر کاستی ها و نارسایی ها، ندانم کاری ها و بی برنامه گی ها، تنگ نظری ها و انحصارطلبی ها قادرند ترفندها و توطئه های خویش را سازمان دهند. این نقایص در دو سال تحصیلی گذشته فراوان بودند و صدمات زیادی بر پیکر نظام آموزشی جمهوری جوان اسلامی ایران وارد ساختند. خوشبختانه در برنامه دولت شهید باهنر (که توسط آقای مهدوی کنی پی گرفته می شود) به این نقایص توجه شده و تلاش به عمل آمده است، تا برخی مسائل عمده در جهت ایجاد یک نظام آموزشی مبتنی بر اهداف انقلاب شکوهمند مردم ایران هرچند بکلی ترین شکل، در آن گنجانیده شود. تعمیم آموزش و پرورش به سود فرزندان زحمتکشان، گسترش تربیت معلم، آمیختن آموزش با تولید، گسترش آموزش های حرفه ای گسترش کتابخانه های مدارس از این زمره اند. ولی متأسفانه در این برنامه نکات مهمی چون رفع ستم فرهنگی و تامین حق تحصیل فرزندان اقلیت های ملی و خلق های ساکن سرزمین کثیرالملله ایران به زبان مادری، تامین حق شرکت دانش آموزان در سازمان های صنفی و سیاسی خویش (شورا، اتحادیه و...) تعمیم تربیت بدنی در مدارس، گسترش تسهیلات فرهنگی و اوقات فراغت از قلم افتاده است. ما امیدواریم که مسئولین محترم آموزش و پرورش با بهره گیری از تجربه دو سال تحصیلی گذشته، در جهت اجرای نکات اساسی فوق گام های موثری بردارند و بدین سان مسئولیت خطیری را که انقلاب بر دوش آنان نهاده است، به شایستگی انجام دهند. سازمان دانش آموزان پیشگام ایران و سازمان جوانان توده ایران به نوبه خود حاضرند در جهت انجام این دگرگونی های بنیادین، تمام نیروی خویش را در اختیار مسئولین امر قرار دهند.

مسئله مهم دیگر در سال تحصیلی جدید، مسئله دانش آموزان هوادار جریان ها و گروهک های ضدانقلابی "چپ" نما و چپرو است. عدم برخورد صحیح، سازنده و اصولی به این دانش آموزان می تواند گروهی از نوجوانان را، که به دلیل بی تجربگی در دام ضدانقلاب افتاده اند برای همیشه از دامان انقلاب براند و بدین سان صدمات جبران ناپذیری به آنان و نیز به جمهوری اسلامی ایران وارد سازد. از سوی دیگر، عدم برخورد سازنده و اصولی می تواند خود مسئله ساز باشد و زمینه را برای تحریکات "تفاله" های آمریکا به منظور ایجاد تشنج و درگیری فراهم سازد. متأسفانه در این عرصه تاکنون اکثر شواهد دال بر برخوردی غیراصولی از سوی برخی مسئولین امر است. در آستانه سال تحصیلی شاهد آنیم که برخی مسئولین امر از ثبت نام این دانش آموزان امتناع می ورزند. آنان در حقیقت با نادیده گرفتن رسالت عظیم آموزشی و پرورشی خویش در قبال نوجوانان، آنان را به کام ضدانقلاب می رانند. ما امید داریم که مسئولین دلسوز و متعهد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران بدین مساله توجه جدی مبذول دارند و با فعالیت آموزشی، توضیحی و تربیتی، این گروه از

نوجوانان را به دامان انقلاب بازگردانند و نیروی خلاق آنان را در خدمت سازندگی جمهوری اسلامی جوان ما بکار گیرند.

مسئولین محترم آموزش و پرورش!

در سال تحصیلی جدید:

* با مجازشمردن حق فعالیت های سیاسی دانش آموزان، در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به دور از انحصارطلبی و تنگ نظری، انقلاب را تقویت کنید!

* حقوق صنفی دانش آموزان، حق تشکیل شوراهای مدارس، حق تشکیل اتحادیه سراسری دانش آموزان، حق تشکیل تعاونی های مدارس حق شرکت در فعالیت های فوق برنامه و... را به رسمیت بشناسید و شرکت فعال دانش آموزان را در حیات اجتماعی کشور و ساختمان ایرانی نو فراهم آورید!

* در اجرای فرمان امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی، بسیج و آموزش نظامی را هرچه گسترده تر به مدارس ببرید و توده چند میلیونی دانش آموزان را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب آماده کنید!

* در شرایطی که جنگ تحمیلی آمریکایی - صدامی، میلیون ها هموطن مان را بی خانمان و آواره ساخته است، به وضع آموزشی فرزندان هموطنان جنگ زده مان توجه جدی تر مبذول دارید و مانع آن شوید که نابسامانی های ناشی از جنگ بیش از این بر آنان لطمه وارد سازد!

* هم اکنون بخش بزرگی از نوجوانان زیر ۱۶ سال، که از خانواده های زحمتکش هستند، به جای تحصیل به کار توانفرسا برای تامین معاش خود و خانواده اشتغال دارند. حق تحصیل را برای نوجوانان شریف و زحمتکش تامین کنید و با اقداماتی نظیر پرداخت کمک هزینه و... شرایطی فراهم آورید که آنان بتوانند از این حق مشروع و طبیعی خویش، آنچنان که شایسته انقلاب شکوهمند مردم ایران است، بهره مند شوند!

آموزگاران گرامی!

هم اکنون وظیفه دشوار و مسئولیتی خطیر به دوش شما است. وظیفه تعلیم و تربیت بیش از ۱۰ میلیون نوجوانی که به فراگیری علم و فن در مدارس کشور مشغولند و رسالت ساختمان ایرانی نو را به عهده دارند.

* دانش آموزان را با روح ایمان به انقلاب، عشق به زحمتکشان و محرومان، نفرت از امپریالیسم، بسرکردگی امریکای جنایتکار، ستمگری و بی عدالتی اجتماعی، فداکاری و ایثار مردم دوستی و پیکارجویی تربیت کنید!

* با دانش آموزان مناسبات صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل برقرار کنید و از هرگونه برخورد زورمدارانه اجتناب ورزید!

* نسل انقلاب کنجکاو و کنکاشگر است. با مطالعه گسترده، توانایی پاسخگویی به پرسش های آنان را به شیوه ای مقنع و علمی در خود فراهم آورید. دانش آموزان را به مطالعه وسیع تر از چارچوب کتب درسی موجود که متأسفانه دارای نقائص و کاستی های فراوان است، ترغیب کنید و افق دید اجتماعی، فرهنگی و علمی آنان را گسترش دهید!

* به سهم خویش در تشکیل شوراهای مدارس کوشا باشید و اهمیت تشکل های صنفی را برای دانش آموزان و همکارانتان توضیح دهید!

اولیاء گرامی! پدران و مادران ارجمند!

با شروع سال تحصیلی جدید، مسئولیت شما در قبال فرزندانان دوجندان می شود. این وظیفه شماسست که با نظارت و پیگیری در امر آموزش و پرورش فرزندانان، با یاری آموزگاران آنان را با شایستگی تمام پرورش دهید. اهمیت آموزش و پرورش در منزل کمتر از آموزش و پرورش در مدرسه نیست. هر رفتار، گفتار و کردار شما می تواند در آینده فرزندانان تاثیر نهد.

* با شرکت در انجمن های اولیاء و مربیان و بایاری آموزگاران در امر آموزش و پرورش فرزندان خود شرکت جویید!

* با ایجاد مناسبات صمیمانه و مبتنی بر احترام متقابل، اعتماد فرزندانان را به خود جلب کنید!

* به حقوق فرزندانان، به عنوان انسان هایی مستقل و متکی به خود، احترام بگذارید. خواست های اصولی آنان را برآورده سازید و آنان را در جهت منافع انقلاب و میهن انقلابی بار آورید!

* عشق به انقلاب و میهن انقلابی، نفرت از امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امریکای جنایتکار و "تفاله" های آن، عشق به مردم زحمتکش و نفرت از بی عدالتی و ستمگری، روح همکاری جمعی، انضباط، مسئولیت پذیری، مطالعه و... را در فرزندانان پرورش دهید!

* * *

بکوشیم تا همه، دست به دست هم، سال تحصیلی جدید را به سالی پربرابر برای انقلاب و میهن انقلابی، به سال اتحاد و همبستگی همه نیروهای مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران، به سال شکست امپریالیسم، بسرکردگی امریکای جنایتکار و "تفاله" های رنگارنگش بدل سازیم!

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران
سازمان جوانان توده ایران
۱۷ شهریور ۱۳۶۰

با شرکت در راهپیمائی اول مهرماه

جبهه متحد ضد انقلاب را مایوس کنیم

شرکت گسترده و متحد میلیون ها دانش آموز کشور در راهپیمائی اول مهرماه پاسخ کوبنده ای است به تجاوز جنایتکارانه رژیم صدام و توطئه های جبهه براندازی به سرکردگی امریکای جنایتکار.

تخلی وحدت و همبستگی خلق " برای جبهه متحد ضد انقلاب تلخ و مایوس کننده و مایه قطع امید از اهداف شوم استعماری آن خواهد بود. "

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران با استقبال از دعوت آیت الله منتظری همه دانش آموزان انقلابی و مبارز میهن را به شرکت فعال در راهپیمائی آغاز سال تحصیلی (اول مهرماه ۱۳۶۰) فرامی خواند.

سازمان دانش آموزان پیشگام ایران
سه شنبه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۰

اخراج و عدم ثبت نام ناموجه دانش آموزان ضدیت با قانون اساسی، بی اعتنائی به پیام امام و حقوق خدشه ناپذیر مردم ایران است

در دوره ثبت نام تابستانی، مسئولین مدارس از ثبت نام عده‌ای از دانش‌آموزان خودداری کردند و بر اساس شواهد موجود این روش در آخرین روزهای ثبت نام برای سال تحصیلی جدید نیز همچنان ادامه داشته است. مسئولین آموزش و پرورش به بهانه گرایش‌ها و فعالیت‌های سیاسی دانش‌آموزان در سال قبل، بخش‌های وسیعی از آنان را از حق تحصیل محروم ساخته و این تصمیم حتی در مورد دانش‌آموزان هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی نظیر دانش‌آموزان هوادار فدائیان خلق (اکثریت) نیز اجرا شده است! این گونه اقدامات همان‌گونه که بارها اعلام داشته‌ایم اثرات فوق‌العاده مخربی بر فضای سیاسی جامعه داشته و نمی‌تواند جز دشمنی با انقلاب چیز دیگری تلقی گردد. اقدام خودسرانه فوق‌مخالفت آشکار با قانون اساسی جمهوری اسلامی و بی‌اعتنائی

به پیام امام خمینی منی بر استقرار قانون در سال جاری می‌باشد. در حالی که اصل سوم قانون اساسی بر آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه تصریح دارد و در اصل سی‌ام با صراحت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته و حق آموزش، حق عموم مردم ایران اعلام گشته و در حالی که به موجب اصل بیست و سوم قانون اساسی: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض قرار داد"، عده‌ای از مسئولین در آموزش و پرورش و در مدارس هنوز هم از تمکین به "قانون اساسی جمهوری اسلامی" خودداری می‌کنند و با اعمال ضدقانونی خود، با "تفتیش عقاید"، گروهی از دانش‌آموزان را از حق تحصیل محروم ساخته و ضمن اقدام علیه حقوق خدشه‌ناپذیر مردم ایران، علیه وحدت و اتحاد مردم عمل کرده و در عمل مانعی جدی پیش پای انقلاب قرار

می‌دهند. قضاوت پاره‌ای از مسئولین آموزش و پرورش نسبت به دانش‌آموزان سیاسی دگراندیش (چه آنان که مدافع انقلابند و چه آنان که امروز به دلیل ناآگاهی در برابر انقلاب ایستاده‌اند) قضاوتی تنگ نظرانه و مخرب است که نتایج عملی آن خواسته یا ناخواسته به نفع دشمنان انقلاب تمام می‌شود. واقعیت این است که دانش‌آموزان نیروی مهمی از نسل سازنده جامعه ما بوده، سرشار از تحرک و سازندگی هستند. آنها یکی از امیدهای اساسی انقلاب می‌باشند و در روند مبارزات مردم، همواره نیروی فعال و یاری‌دهنده انقلاب بوده‌اند. اگر به توده دانش‌آموز توجه کافی مبذول شود و آنان در یک سیستم تعلیم و تربیت نوین و انقلابی آموزش ببینند، بی‌تردید می‌توانند بیش از پیش به صورت تملی جدی، فداکار و سازنده در آیند. این مهم برعهده دولت جمهوری اسلامی ایران است.

دولت در قبال دانش‌آموزان و زندگی و آینده آنان مسئول است. نمی‌توان و نباید سرنوشت و آینده دانش‌آموزان را با تنگ نظری و انحصار طلبی به خطر انداخته و آنان را از حق طبیعی هر نوجوانی، یعنی فراگرفتن علم و دانش، محروم ساخت. دانش‌آموزانی که امروز به هر دلیل به دنبال سیاست‌های ضدانقلابی و ماجراجویانه گروه‌های منحرف روان گشته‌اند، می‌توانند و باید در مدارس حضور یافته، با کار افشاگرانه و صحیح سیاسی و آموزشی مورد آموزش قرار گرفته، به آغوش انقلاب و خلق باز گردند. دهها و دهها نمونه از دانش‌آموزانی که به دلیل خیانت و فریبکاری رهبران گروه‌های منحرف در دام سیاست امپریالیسم آمریکا فرو افتاده و اکنون با پیشرفت انقلاب، گذشت زمان و کار بی‌دریغ سازمان‌های مدافع انقلاب به آغوش مردم بازگشته‌اند، موبد درستی و ثمربخشی

چنین راهی است. اخراج بی‌رویه و غیرمنطقی هواداران گروه‌های سیاسی نه تنها حلال مشکلات موجود در مدارس نیست، بلکه تاثیرات بسیار پر دامنه مخربی در سطح جامعه باقی گذارده و زمینه نارضایتی دهها هزار خانواده این گونه دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد و خود بستر مناسبی برای تغذیه "جبهه متحد براندازی" به سرکردگی آمریکای جنایتکار است. پاسخ هزاران پدر و مادری که پس از سال‌ها زحمت و با خون دل، خرج تحصیل فرزندانشان را تأمین می‌کنند، به این امید که آنها افرادی مفید به حال جامعه و یار روزگار پیری والدین‌شان بار آیند - چیست وقتی که می‌بینند فرزندان آنها با یک‌تصمیم غیر قانونی از تحصیل محروم گشته‌اند. راستی چه تضمینی وجود دارد که این والدین بر سر همین اقدام خودسرانه از سوی عده‌ای از

آقای وزیر آموزش و پرورش برای فرزندان هم میهنان جنگ زده چه برنامه‌ای دارید؟

سال گذشته کم و بیش کوشش‌هایی در جهت اسکان هموطنان جنگ‌زده در سایر شهرها و اردوگاه‌های موقت و تأمین مدارس و ادامه تحصیل فرزندان هموطنانمان به عمل آمد. اما به دلایل مختلف منحصراً محصور عده زیادی از این کودکان و نوجوانان در صحنه‌های جنگ و عدم توجه جدی مسئولان به این امر مهم و فقدان یک برنامه صحیح بیش از نیمی از آنان از تحصیل محروم ماندند که اغلب اینان از فرزندان کارگران و زحمتکشان می‌باشند. چرا که خانواده‌های مرفه و حتی متوسط توان فراهم ساختن امکانات تحصیل برای فرزندان خود در شرایط فوق را داشتند و فقط زحمتکشان بودند و هستند که بدون یاری دولت و نهادهای انقلابی قادر نخواهد بود فرزندان‌شان را به مدرسه بفرستند.

سال‌گذشته شاهد بودیم که چگونه فرزندان این آب و خاک یعنی کودکان و نوجوانانی که می‌بایست روی نیمکت‌های مدارس مشغول تحصیل بوده و برای ساختن آینده تلاش کنند، به علت هجوم ددمنشانه مزدوران صدام از یک سو و عدم وجود امکانات کافی برای تحصیل و وضعیت دشوار مالی از سوی دیگر یا سینه‌های خود را در جبهه‌های جنگ سپردند و با بستن نارنجک به کمر خود حماسه‌های مقاومت را جاودان می‌ساختند و یا برای تأمین معیشت خود و خانواده به سخت‌ترین کارها تن می‌دادند که در هر دو صورت از روند عادی و طبیعی زندگی خود دور بودند و این جای تأسف دارد. عدم توجه به این مسئله خصوصاً با توجه به حساسیت اوضاع سیاسی - اجتماعی

فعلی، عواقب ناگواری به دنبال خواهد داشت که مسلماً جبران آن به سادگی امکان‌پذیر نیست، همین قدر که ببینیم چگونه ضدانقلاب داخلی و خارجی این امر را مستمسک تبلیغات خود قرار می‌دهند و چگونه از این جوانان پرشور در جهت اهداف پلید خود سوءاستفاده می‌کنند به اهمیت آن پی خواهیم برد، از این رو است که آقای وزیر آموزش و پرورش باید به این مسئله بسیار مهم توجه کرده و با به خدمت گرفتن تمام نیروی خود و با قرار دادن امکانات تحصیلی کافی برای فرزندان هموطنان جنگ‌زده به این نیاز پاسخ گویند و از دیگر هموطنان نیز انتظار می‌رود که این فرزندان را که اغلب آنها مدت‌ها در صحنه‌های نبرد با دشمن متجاوز جانفشانی‌ها کرده‌اند همانند فرزندان خود استقبال کرده و گرمی دارند.



بقیه از صفحه ۱۸

مسئولین به طیف ناراضیان از کل جمهوری اسلامی کشیده نشوند و بی مورد به صف مخالفان نیبوندند؟ آخر با چه حسابی می توان این مخالفت تراشی را توجیه کرد و با کدام عقل سلیم می توان این تیشه‌هایی که به ریشه انقلاب وارد می آید پذیرفت؟

فاجعه این جاست که سیاست اخراج و عدم ثبت نام دانش آموزان حتی دامن دانش آموزان هوادار گروه‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را نیز گرفته است. تا کنون موارد متعددی از عدم ثبت نام دانش آموزان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و جنبش مسلمانان مبارز، توسط مسئولان بعضی از مدارس به چشم خورده است که بسیار سؤال برانگیز است. اندکی تأمل در جریان وقایع دو سال اخیر و توجه جدی به این نکته که چگونه دشمنان قسم خورده انقلاب و جمهوری اسلامی که در حساس‌ترین مراکز جمهوری رخنه کرده‌اند، می توانند نعل وارونه زده و به نام دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی، سیاست‌های ضدانقلابی، تفرقه آمیز و ناراضی تراشی خود را پیش ببرند و هم چنین درنگ بر روی تجارب تاریخی گذشته میهنمان و نقش کسانی چون مظفر بقائی‌ها و شمس قنات آبادی‌ها به خوبی نشانگر آن است که چگونه در کنار دوستان ناآگاه انقلاب دشمنان ناآگاهی لانه کرده‌اند که کینه توزانه‌ترین و خطرناک‌ترین دشمنی‌ها را در لباس "دوستی" پیش می‌برند. "موارد گلاهی‌ها"، "فخارها" و "کشمیری‌ها" نظیر صدها مورد مشابه قبلی لیبرال‌ها و تسبیح به‌دستان ضدانقلابی به راستی عبرت انگیز است! امروز عوامل دشمن، با استفاده از قشری‌گری و انحصارطلبی پاره‌ای از مسئولین، اهداف انقلاب شکن خود را در پوشش‌های بسیار متنوع و ظریفی زیر پوشش "دفاع از انقلاب" به مورد اجرا می‌گذارند و به همین دلیل هم هست که ما

حق داریم در پشت سر اقدامات عده‌ای از مسئولین جمهوری اسلامی، به ویژه در آموزش و پرورش و به ویژه در آنجائی که سیاست اخراج دانش آموزان هوادار گروه‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را پیشه کرده‌اند، دست‌های مشکوکی را ببینیم که با استفاده از قشریت و تنگ نظری پاره‌ای از افراد و ارگان‌های مسئول امکان عمل یافته‌اند.

متأسفانه وزیر آموزش و پرورش نیز در مصاحبه اخیرشان، عملاً راه را بر چنین ضربه‌زدن‌هایی باز گذاشتند. ایشان در این مصاحبه پس از این که نقش انجمن‌های اسلامی در مدارس را چه در سطح معلم و چه در سطح متعلم تعیین کننده، نظارت کننده و گرداننده "تعریف کردند، نیروهای دیگر را به دو قسمت نمودند: "یک دسته افراد جاهل و ناآگاه... که باید آنها را ارشاد کرد که آموزش و پرورش نیز همان روش را دارد (!؟) ولی دسته دیگری هستند که مغرض‌اند و محارب با نظام طبیعی است که این‌ها نه تنها در آموزش و پرورش جایی ندارند بلکه مطابق حکم قرآن با آنها باید مقابله تند صورت بگیرد!"

برطبق گفته آقای پرورش، اولاً ناآگاهی تنها در انحصار انجمن اسلامی است! ثانیاً اگر کسی به انقلاب و جمهوری اسلامی پای‌بند و مدافع پرشور آن باشد اما متفاوت از "انجمن اسلامی" بیاندیشد "مغرض و محارب" به حساب می‌آید که "در آموزش و پرورش جایی ندارد!" و ثالثاً آنهایی هم که به "مغرض و محارب" بودن متهم هستند، پیش از آن که از طریق قانون تکلیفشان روشن گردد توسط این یا آن مسئول مدرسه پیشاپیش تکلیفشان روشن شده است! خوب! هنگامی که بالاترین مقام مسئول در وزارت آموزش و پرورش، اساس کار را بر چنین استدلال و شیوه نگرشی قرار می‌دهد، در این صورت چه جای تعجب خواهد بود اگر از ثبت نام هزاران دانش آموز، به هزار و یک دلیل خودساخته

خودداری شود و به این ترتیب ناراضیان تازه‌ای برای جمهوری اسلامی تراشیده شود. آیا آبی به این فراخی برای شای کلاهی‌ها، فخارها، کشمیری‌ها دیده‌اید!

سیاست عدم ثبت نام و اخراج دانش آموزان وابسته به گروه‌های سیاسی، بخصوص دانش آموزان مدافع انقلاب باید به فوریت متوقف گردد. تنها در چنین صورتی است که "دست‌های مشکوک" قادر نخواهند بود تخم نفاق بپاشند و... مدارس دوازده‌گانه قشریت و انحصار طلبی پاره‌ای مسئولین، به مدارس سازنده و انقلابی بدل خواهد شد. سال تحصیلی گذشته خود بهترین تجربه‌ای است که نشان می‌دهد چگونه هواداران سازمان‌های مدافع انقلاب، در جلوگیری از اخلال و تشنج و نفوذ اندیشه‌های ضدانقلابی، تبدیل مدارس به پایگاه‌های فعال دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و تغییر فضای خشونت آمیز مدارس و تبدیل آن به محیطی سالم، سازنده و اتحاد آفرین نقش مهم و جدی بر جای نهاده‌اند. توجه به این واقعیات و برخورد‌های منطقی و اصولی مسئولین و مربیان و ایجاد یک فضای سالم سیاسی در مدارس است که می‌تواند در طول سال تحصیلی جاری از بروز هر نوع تشنج و درگیری سیاسی جلوگیری کند. با گرفتن تعهدات سخت و قید و بندهای شدید هرگز نمی‌توان جلوی بروز گروه‌گرایی بی‌مورد و گسترش ایده‌های نادرست سیاسی را گرفت. واقعیات دو سال و نیم اخیر نیز گواهی بر این مدعاست و نشان داده که سیاست اخراج بی رویه در هیچ کجای جامعه و به ویژه در مدارس، حلال مشکلات نبوده و خود پای‌بندی، بر سیر پیش‌رونده انقلاب است. سازمان ما از مسئولین امر و به ویژه آقای پرورش، وزیر آموزش و پرورش می‌خواهد با واقع بینی که نیاز شرایط پیچیده کنونی است، هرچه سریع‌تر موضعی منطقی بر مصالح انقلاب اتخاذ کرده و به وضع نگران کننده موجود پایان دهند!

اصل ۲۳ قانون اساسی می‌گوید:

"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد"

وزارت آموزش و پرورش
اداره آموزش و پرورش شهرستان استهبان

بسمه تعالی
باتوجه با اینکه ادامه کار شما در آموزش و پرورش بسته به اعزام موضع ایدئولوژیک شماست و شما مشهور بدانستن مفایده‌چراغانه هستید شایسته است بعضی دریافت این نامه هر نوع مطلق دانید همان و موضع خود را اعلام کنید در صورت فیهر مدلل بودن اظهارات شما این اداره تصمیم مقتضی براساس دستورالعملهای مربوطه اتخاذ خواهد کرد. لازم بنذگراحت که اولیاً دانش آموزان مستقیماً و بطور غیر مستقیم از اداره آموزش و پرورش می‌خواهند که از رفتن معلمان با گرایشهای غیراسلامی بکلاس درس فرزندانشان جلوگیری کنند.

محمد محمد مرندی

رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان استهبان

باکوتاه کردن دست سلف خران و واسطه‌ها:

جلوی خروج غیرمجاز

محصولات کشاورزی از مرز ایران را بگیرد

خوزستان: در حالی که وضعیت بد و نابسامان جنگ زدگان کپر نشین خوزستان موجب گردیده که غذای اصلی آنان را در این فصل نان و پنیر و هندوانه تشکیل بدهد، عده‌ای سوداگر و سلف‌خر محصولات خربزه و هندوانه کشاورزان "رامشیر" (خلف آباد) و مزارع حاشیه رودخانه جراحی و شادگان را که اراضی آنها بیش از صدها هزار هکتار می‌شود، مستقیماً خریداری نموده و با کامیون به بنادر جنوبی ایران (دیلم، گناوه، هندیجان و بوشهر) حمل می‌نمایند و از آنجا نیز با لنج بدون وجود هیچ‌گونه تعهدی به کشورهای حوزه خلیج فارس نظیر کویت، قطر، دوبی، شارجه، رأس‌الخیمه ابودی و... برده و در آنجا به چند برابر قیمت خریداری شده به فروش می‌رسانند. زمین‌داران بزرگ سودجو نیز با مشاهده این وضع محصولات خود را در همان مزرعه و گاهی اوقات زودتر از موعد برداشت به این واسطه‌ها به فروش

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

علیرغم تأکيدات مکرر امام و اکثر مسئولین جمهوری اسلامی چرا اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی به اجرا در نمی‌آید؟

در روزهای اخیر حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب و همچنین آیت‌الله ربانی املشی دادستان کل کشور بار دیگر بر ضرورت اجرای بیانیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی تأکید کرده‌اند. حجت‌الاسلام موسوی تبریزی هنگام ارائه برنامه خود در سمت جدید از این طرح حمایت کرده و اعلام داشت: "بیانیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی که شهید حجت‌الاسلام قدوسی اعلام کرده بود یک موضوع صریح اسلامی و مطابق با حقوق مردم است"

(کیهان ۱۸ شهریور)
آیت‌الله ربانی املشی نیز در سخنانی ضمن حمایت از طرح ۱۰ ماده‌ای اجرای کامل آن را وعده داد. (روزنامه‌ها، ۱۹ شهریور) اما تا سقف آوار است که علیرغم تأکیدات مقامات فوق که از عالی‌ترین مسئولین دستگاه قضائی جمهوری اسلامی هستند، طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی در حد حرف باقی مانده و هنوز گام‌های جدی در راه عملی ساختن آن برداشته نشده است.

طرح فوق در زمان دادستان سابق انقلاب، شهید حجت‌الاسلام قدوسی تهیه گشت و اقدامی ترقی خواهانه در جهت تنظیم روابط سیاسی صحیح و انقلابی در جامعه ما بشمار می‌رفت. به همین جهت نیز مورد پشتیبانی توده‌های مردم، امام، بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی و تمامی سازمان‌ها و احزاب مدافع انقلاب قرار گرفت. در بیانیه ۱۰ ماده‌ای ضمن پذیرش آزادی عمل سازمان‌های سیاسی که معتقد به فعالیت در چهارچوب قانون اساسی هستند آمده است

"بند ۹ - کلیه احزاب و گروه‌ها اجازه مناظره و بحث‌های عقیدتی و سیاسی

از طریق وسایل ارتباط جمعی را در حدود امکانات دارا هستند، مگر آنها که اعلام مبارزه مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی کرده و موضع خود را تغییر نداده‌اند" در جایی دیگر کلیه مردم و ارگان‌های انتظامی به رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه‌های مدافع انقلاب ملتزم شده‌اند

"بند ۱۰ - کلیه آحاد ملت و دستگاه‌های انتظامی موظف به تضمین و رعایت آزادی فعالیت قانونی احزاب و گروه‌هایی که فعالیت‌شان از طریق مقامات مسئول مملکتی غیرقانونی اعلام نشده، هستند" قبل از همه باید یادآور شد که این طرح منطبق بر رهنمودهای امام خمینی مبنی بر اجرای قانون در سال جاری است. امام همواره از اجرای قانون - برای همه - نیروهای مدافع انقلاب، از جمله پیروان سوسیالیسم علمی - در برابر انواع دسیسه‌های قانون شکنانه مدافعه کرده است:

"... مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، به طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به طور آزاد دارند حرف‌های خودشان را می‌زنند" (سخنرانی امام اردیبهشت ۶۰) تأکید امام مبنی بر اجرای قانون تاکنون بارها از سوی بسیاری از مقامات جمهوری نیز مورد استقبال قرار گرفته است. حجت‌الاسلام شهید قدوسی که طرح ۱۰ ماده‌ای به ابتکار او تنظیم و منتشر گشت، برای اجرای آن تلاش بسیاری کرده و در هر فرصتی - از جمله اعلامیه دادستانی، مورخ ۱۴ خرداد ۶۰ - مسئولین جمهوری اسلامی و کلیه احزاب گروه‌ها و جمعیت‌ها را به التزام نسبت به آن فرا خواند. آقای

مهدوی کنی چه در زمان تصدی پست وزارت کشور و چه اکنون - در مقام نخست وزیری - همواره از اجرای قانون و بیانیه ۱۰ ماده‌ای دفاع کرده است: "اگر کسانی حسن نیت داشته باشند و بخواهند با مسائل با منطق و قانونی برخورد نمایند، آزادند که فعالیت کنند."

(کیهان، ۳ اسفند ۵۹) در برنامه نخست وزیر شهید حجت‌الاسلام باهنر ضمن تقسیم بندی گروه‌ها به ۳ دسته و از جمله "احزاب و گروه‌هایی که حاضر به فعالیت سیاسی در چهارچوب قانون اساسی و قوانین جاری مملکتی باشند" تأکید شده بود که: "دولت را تضمین می‌نماید"

آیت‌الله موسوی اردبیلی هنگام در اختیار گرفتن مقام ریاست شورای عالی قضائی به جای شهید آیت‌الله بهشتی اعلام داشت که طرح ۱۰ ماده‌ای به اجرا در خواهد آمد، و به این ترتیب رئیس شورای عالی قضائی دادستان کل انقلاب و دادستان کل کشور یعنی بالاترین مقام‌های قضائی و حقوقی جمهوری بر این طرح مهر تأیید زده‌اند. بسیاری دیگر از مقامات و شخصیت‌های جمهوری اسلامی نظیر آیت‌الله منتظری، حجت‌الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس، حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران، آیت‌الله مشکینی و ۷۰۰۰ بر ضرورت اجرای قانون - و از جمله طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی - بارها و بارها اشاره کرده‌اند. احزاب و سازمان‌های مدافع انقلاب التزام و پایبندی خود را بدین طرح همواره اعلام داشته و توده‌های مردم نیز آن را تأیید کرده‌اند.

اکنون سؤال این است که با توجه به چنین حمایت گسترده‌ای از طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی، چرا این طرح

تا کنون به اجرا در نیامده و قدم‌های مثبتی که برای پیاده کردن آن نیز برداشته شده بود - نظیر بحث‌های سیمای تلویزیون که در ساختن جو تفاهم و دوستی در جامعه تأثیرات بسیاری داشت - متوقف گردیده است؟

در این تردیدی نیست که محافل قشری، انحصار طلب و ضدآزادی که متأسفانه در جمهوری اسلامی هنوز مواضع نیرومندی را در دست دارند و با هرگونه گسترش فضای دموکراتیک در جامعه مخالفند در برابر اجرای این قانون سنگ‌اندازی می‌کنند و مانعی در جهت تحقق آن به شمار می‌روند. نمایندگان این محافل در مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای حکومتی و غیرحکومتی همواره و به طرق گوناگون این مخالفت خود را ابراز داشته و با حرکات قانون شکنانه موانع جدی بر سر راه تثبیت قانون و از جمله طرح ۱۰ ماده‌ای ایجاد کرده‌اند.

آنان این رهنمود صریح امام نسبت به مسئولین مملکتی را: "اگر می‌خواهید مردم از صحنه بیرون‌تان نکنند، بپذیرید قانون را..." لاجوجانه و خودسرانه زیر پا نهاده و زیر نام دفاع از امام و خط امام با تلاش‌هایی که برای استقرار قانون صورت می‌گیرد مخالفت می‌کنند. از این مخالفت تنها امپریالیسم بهره می‌جوید.

نیروهای جبهه براندازی به سرکردگی آمریکای جنایتکار نیز - هرچند با هدفی دیگر - اما با تمام نیرو علیه استقرار این قانون و کوشش در جهت برقراری امنیت در جامعه انقلابی ما اخلال می‌کنند و در این راه از هر حرکت قانون شکنانه جمهوری اسلامی محیلانه بهره‌می‌جویند. ما همواره هشدار داده‌ایم که تمام تلاش آمریکا و متحدان آن جلوه‌گیری از روند اجرای قانون اساسی در جامعه ماست. اگر تاچندی پیش این هشدارها از سوی مسئولین جدی گرفته

نمی‌شد، امروز دیگر این نیت شوم از هر زمان آشکارتر شده است و همه‌مزدم به عیان دریافته‌اند که یکی از دلایل گسترش توطئه‌های امپریالیسم همین عدم اجرای

جدی قانون اساسی است. تروریسم از بی‌قانونی و هرج و مرج ریشه می‌گیرد. امر وحدت خلق بر اثر عدم اجرای طرح ۱۰ ماده‌ای دچار آسیب‌های جدی شده و مبارزه مشترک مردم علیه امپریالیسم با ایجاد موانع غیر قانونی در برابر برخی از سازمان‌های مدافع انقلاب خدشه‌دار می‌شود. علیرغم تأکیدات صریح امام، توقیف نشریات سازمان‌ها و احزاب مدافع انقلاب به‌ویژه فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران محافل قشری را پر و بال داده و امپریالیسم و ضدانقلاب را شادمان می‌کند...

حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران بر همین واقعیت صحنه می‌گذارد وقتی که می‌گوید:

"باید دانست دشمن در جامعه‌ای که در آن نظم و قانون نیست هرکاری بخواهد انجام می‌دهد."

(نماز جمعه ۲۲ خرداد) اجرای فوری و کامل بیانیه ۱۰ ماده‌ای می‌تواند به این بی‌نظمی و بی‌قانونی در ابعاد سیاسی آن پایان بخشد و راه وحدت خلق و را بیش از پیش هموار سازد. مسئولین جمهوری اسلامی! به تزلزل‌ها، مماشات و کج‌دار و مریزها پایان دهید! به جای برنامه دادن عمل کنید! با اجرای سریع و قاطع بیانیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی که اکنون به خون شهدائی چون بهشتی‌ها، رجائی‌ها، باهنرها و قدوسی‌ها نیز آغشته شده است زمینه‌های واقعی نزدیکی بیش از پیش نیروهای انقلابی را به هم نزدیک سازید! اکنون وقت سازندگی است. اجرای دقیق طرح ۱۰ ماده‌ای زمینه ساز اتحاد واقعی همه نیروهای انقلابی به منظور ایجاد سازندگی کشور در یک محیط دوستی و تفاهم است. با اجرای این طرح به این ندای انقلابی و انسان دوستانه امام خمینی پاسخ دهید:

"همه‌مان نسبت به هم محبت داشته باشیم و در محیط دوستی خدمت به مملکت بکنیم، دشمنی برای چی؟ چرا باید با هم دشمن باشیم؟ یا هم دوست باشیم در ساختمان کشور"

استقلال - کار - مسکن - آزادی

در حاشیه فاجعه‌ای بنام تظاهرات مسلحانه

همبسته‌ای از جنون و خیانت

می‌گویند کژدم وقتی در محاصره آتش قرار گیرد و راه گریز را بر خود بسته بیند نیشش را به جان خود می‌زند

روز چهارشنبه ۱۸ شهریور و بار دیگر روز سه‌شنبه ۲۴ شهریور چند نقطه تهران شاهد حماقت جنون‌آمیز کسانی بود که مرگ دردناک خود را با به راه انداختن فاجعه‌ای، که برای هر انسان ذی‌شعوری تکان دهنده است، به نمایش گذاشتند. بی‌مسئولیتی نادانی، بچگی، و حتی جنون سیاسی در میان رهبران مجاهدین چنان ریشه دوانیده است که واقعا به هیچ وجه نمی‌توان انتظار داشت که افرادی چون مسعود رجوی و موسی خیابانی به حماقت‌های دیگری با ابعاد بسیار فاجعه‌آمیزتر و مجنونانه‌تر دست نزنند. تاکتیک "تظاهرات مسلحانه" اخیر نمونه اوج دیگری از جنون سیاسی غیرقابل درک رهبران مجاهدین است. این بحث دیگر کهنه شده است که خط مشی کنونی مجاهدین تماما به نفع آمریکا تمام می‌شود. این موضوعی است که وسیع‌ترین اقشار مردم زحمتکش نیز آن را درک می‌کنند. مساله‌ای که هنوز هم برای مردم قابل درک نیست آن است که چگونه این رهبران احمق نمی‌فهمند که فرستادن ۶۰، ۷۰ دختر و پسر مسلح به کلت و مسلسل و کوکتل و چاقو به خیابان و تلف کردن جان ده‌ها نفر در تظاهرات فقط یک نتیجه می‌تواند داشته باشد: منهدم کردن تشکیلات و هدر دادن کاملا غیر مسئولانه جان اعضاء و هوادارانی که سرنوشت خود را به دست رهبران بی‌خردی سپرده‌اند که شکست‌های وحشتناکشان آنان را حتی از ساده‌ترین محاسبات سیاسی و تشکیلاتی هم عاجز کرده است.

واقعا رقت‌انگیز و دردناک بود وقتی دیده شد که عده‌ای دختر و پسر ۱۰، ۱۲ تا ۲۰، ۲۲ ساله مسلح و غیرمسلح سوار وانت و موتور و پیاده جلوی فروشگاه قدس در خیابان ولی‌عصر تهران

جمع شدند، چند تیر شلیک کردند، یکی دو جا را آتش زدند با اتوبوس به اصطلاح راه‌بندان درست کردند و درگیری مسلحانه را با پاسداران آغاز نهادند. با این‌که نقطه تظاهرات جزو مناطق شمال شهر تهران بود و اهالی محل عموما از طبقات مرفه بودند که از ضدیت مجاهدین با جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند، با این همه هرکس در آنجا بود سراسیمه گریخت و باین

بی‌مسئولیتی و جنون مجاهدین دشنام می‌گفت. کسبه و دست‌فروشان محل که تمام هستی‌شان همان بساطی است که پهن کرده‌اند با چشمان وحشت‌زده و نگران از بین رفتن هستی‌شان و از دست رفتن جان‌شان با خشم و نفرتی کاملا قابل فهم دشنام می‌گفتند و اموال درهم ریخته‌شان را به کوجه‌ها می‌کشیدند. یکی دو جسد و چندین مجروحی که برخی افتاده بودند، برخی هم سعی می‌کردند خود را از مهلکه نجات دهند در اطراف به چشم می‌خورد. روزنامه‌های عصر روز یکشنبه ۲۹ شهریور خبر دادند که عصر روز جمعه ۲۷ شهریور ۸۳ نفر در زندان اوین اعدام شده‌اند که

۵۱ نفر از آنان در تظاهرات مسلحانه یادشده دستگیر شده بودند. خبر واقعا تکان‌دهنده بود. اسامی ۵۱ نفر اعدام‌شدگان در تظاهرات خیابانی را مرور می‌کنیم نام ۲۳ دختر در میان آنان به چشم می‌خورد. تاریخ دستگیری، سن، شغل، نوع محاکمه و زمان آن هیچ‌کدام اعلام نشده است. فقط دادستان کل انقلاب و دادستان انقلاب اسلامی مرکز تصریح کرده‌اند که کسانی که در رابطه با تظاهرات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی دستگیر شوند بلافاصله اعدام می‌شوند. این تظاهرات و اطلاعات ظاهرا نشان می‌دهد که ۵۱ نفری که غروب جمعه ۲۷ شهریور در محوطه زندان اوین اعدام شده‌اند

یادداشتی پیرامون ترور یک بسیجی در دوراهی یوسف آباد

کدامین قلب‌ها برای هم می‌تپد

من خودم را به پاسداران معرفی کردم و از آنها خواستم که در صورت امکان یک تحقیقات جزئی بکنند. پاسداران پذیرفتند و در جریان همین تحقیق متوجه حقیقت شدند مرا آن شب به زندان بردند و فردا صبح پس از مقداری صحبت و توضیح بیشتر جزئیات موقع، آنها مطمئن شدند که من نه فقط تروریست یا همکار آنها نیستم بلکه هوادار سازمانی هستم که پابرجاترین و مصمم‌ترین متحد آنان در حفظ دست‌آوردهای انقلاب و مبارزه با آمریکا و تفاله‌های آن است. آنها پس از این‌که اطمینان حاصل کردند من و رفیقم هر دو هوادار سازمان فدائیان خلق (اکثریت) هستیم و برای نجات بسیجی شهید جان خود را به خطر انداخته‌ایم با صمیمیت تمام از من تشکر کردند. پس از روبوسی با تک‌تک آنها، از زندان مرخص شدم. دم در پس از این‌که مادر و خواهرم را از زنده بودنم، مطمئن کردم بلافاصله یک دسته گل تهیه کرده و به ملاقات رفیقم رفیق قهرمانم با حال نزار ولی شوری ستایش‌انگیز روی تخت بیمارستان مدام شعار "مرگ بر آمریکا" را می‌داد!

مرا که دید اولین سؤال که کرد این بود بر سر آن بسیجی چه آمد؟

شده بود، به احتمال بسیار زیاد در همان لحظات اول شهید شد. من هرگز چهره خونالود او را از یاد نخواهم برد. اما رفیقم هنوز نفس می‌کشید.

صحنه‌ای که به شدت مرا تکان داد، این بود که سرنشینان چند تا از ماشین‌های خارجی که معلوم بود از سیلی‌خورده‌های انقلاب و اعیان‌نشین‌های شمال شهر هستند با دیدن پیراهن خونین من. به‌گمان این‌که من مجاهدم با لبخند و اشاره دست مرا تشویق می‌کردند و می‌گفتند فرار کن تا پاسداران دستگیرت نکنند! من که به شدت خشمگین بودم و چهره زحمتکش آن بسیجی شهید و پیکر خونین رفیقم یک لحظه از جلو چشمانم کنار نمی‌رفت با خشم فریاد زدم: مرگ بر آمریکا، مرگ بر ضدانقلاب و بالاخره با زحمت زیاد خود را به بیمارستان رساندم ولی جلو درب ورودی توسط چند نفر از پاسداران بازداشت شدم که فکر می‌کردند من مجاهد هستم. بلافاصله در اطاق نگهبانی بیمارستان، علیرغم همه توضیحاتم در مورد حادثه، یک گزارش نادرست تهیه کردند که بر طبق مفاد این گزارش، من به عنوان مجاهدی که تروریست‌های مهاجم را فراری داده ولی خودش جا مانده است، معرفی شدم

"ساعت پنج و نیم بعد از ظهر چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۶۰ در دو راهی یوسف‌آباد ایستاده بودیم یک دفعه صدای تیراندازی را شنیدیم و لحظه‌ای بعد دیدیم که یک نفر موتورسوار که از ظاهرش معلوم بود پاسدار یا بسیجی است، تیر خورد و بر روی زمین غلتید. رفیقم بی‌محابا برای نجات مجروح به طرف او دوید و در حالی که صدای رگبار با شدت تمام از همه جا شنیده می‌شد، خود را به مجروح رساند. اما در همین اثنا، پاسداری که با شنیدن صدای شلیک خود را به محل رسانده بود به خیال این که رفیقم، جزو تروریست‌ها است او را زیر رگبار می‌گیرد، بطوری‌که از ناحیه شکم، دو ران و ساق دست، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و خون‌آلود نقش بر زمین می‌شود. من که تا آن لحظه هنوز نمی‌دانستم تیراندازی از سوی پاسدار است یا تروریست‌ها، به سرعت خودم را بالای سر بسیجی تیرخورده و رفیقم رساندم ولی بر اثر تیراندازی شدید نتوانستم آنها را از وسط خیابان به جدول کنار پیاده‌رو بکشم و خودم هم در حالی که تکه‌های شکسته بتون بر سر و صورتم می‌خورد در جوی آب افتادم. بسیجی که به دست بازی‌خورده‌های آمریکا، بدنش از شلیک گلوله مشبک

کسانی بوده‌اند که در تظاهرات سه‌شنبه ۲۴ شهریور و چهارشنبه ۱۸ شهریور تهران شرکت داشته‌اند. برآستی چه کسی مسئول اصلی این فجایع است؟ پاسخ اشک و ضجه و آه مادری که جسد پسرشان و دخترشان را در فضای بهت زده پزشکی قانونی تحویل می‌گیرند چه کسی باید بدهد؟ به اعتقاد ما مسئول اصلی این فجایعی که رخ می‌دهد، این دردهائی که سینه مردم را می‌خراشد و خون این نوگلانی که جان‌شان را فدای شیرین کام کردن دشمنان این انقلاب کرده‌اند، مشخصا رهبران خیانتکاری هستند که سازمان مجاهدین خلق را تا بدین حد به انحطاط کشیده‌اند. روش دادگاه‌های انقلاب که سراسیمه، عجولانه غیردقیق و انتقام‌جویانه است انبوه انتقادات درستی که به این شکل کار دادگاه‌ها وارد بوده و هست، هیچ یک از موارد نقض سنت‌ها و قوانین قضائی شناخته شده در محاکمه متهمین که وجود دارد، هیچ‌کدام ذره‌ای هم از بار خیانت فجیعی که رهبران خائن مجاهدین در حق این نوگلان مرتکب شده‌اند نمی‌کاهد.

در هر حال غروب جمعه پیش ۲۸ پسر و ۲۳ دختر به فاصله ۲ تا ۱۰ روز پس از دستگیری به اتهام شرکت در تظاهرات مسلحانه در تهران اعدام شده‌اند. و این فاجعه‌ایست که رخ داده است. مساله تنها به جان ۵۱ جوانی محدود نیست که ملعبه دست رهبران جنایتکار و نادان خود شده‌اند. چرا که زمانی که هر روز ده‌ها تن از بهترین فرزندان این خلق ستم‌دیده در جبهه‌های جنگ میهنی، و در پیکار در راه حفظ انقلاب جان خود را فدا می‌کنند، هدر رفتن زندگی ۵۱ بازی‌خورده بیشتر از این نظر مصیبت بار است که آنان می‌توانستند و وظیفه داشتند این جان شیرین را نه به پای شادکامی امپریالیسم که به پای تاءمین استقلال و سرافرازی خلقشان و میهنشان و در پیکار علیه غارتگران و تجاوزگران، یعنی واقعا در راه همان آرمانی که در سر داشتند، فدا کنند. ما قطع امید کرده‌ایم که خیانتکارانی چون رجوی و خیابانی این راه را فرار از هواداران گم‌کرده راه

گام‌های مثبت ...

بقیه از صفحه ۳

در زمینه سیاست خارجی سیاست منطبق با مصالح و نیازهای انقلاب را برگزیند. حجت‌الاسلام رفسنجانی در جریان بازدید از جمهوری دموکراتیک خلق کره بر دوستی مردم و دولت‌های ایران و کره و مواضع ضدامپریالیستی مشترک دو دولت تأکید کرد. در مهمانی شامی که به مناسبت ورود هیئت ایرانی در کره شمالی برگزار شده بود پیام دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره که حاکی از دوستی و حمایت این دولت از انقلاب ایران بود خوانده شد. در بخشی از این پیام چنین آمده است:

"امروز مردم ایران تحت رهبری‌های صحیح رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، در حال مبارزه فعالانه در راه دفاع از استقلال و ملیت خود هستند و علیرغم تمام باج‌خواهی‌ها و دشواری‌های متعددی که از سوی امپریالیست‌ها بر سر راه پیشرفت آنان قرار می‌گیرد، دولت ایران و مردم فعالانه در راه استقلال و آزادی تلاش می‌کنند. پیروزی انقلاب ایران و پیشرفت موفقیت آمیز آن ثابت کرد که مردم هرکشوری می‌توانند بر تهاجمات و فشارهایی که در راه ساختن یک جامعه شجاع برای استقلال، میهنشان صورت می‌گیرد غلبه کنند."

در حالی که رئیس مجلس در کره شمالی به سر می‌برد میرحسین موسوی وزیر خارجه ایران به کشور انقلابی لیبی وارد شد تا پیام حمایت مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران را به جبهه پایداری اعلام دارد. حمایت ایران از جبهه پایداری که قاطعانه علیه امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع منطقه

مبارزه می‌کند، بدون تردید مرحله جدیدی از همکاری دولت جمهوری اسلامی را با دول ترقی‌خواه منطقه نوید می‌دهد. وزیر خارجه ایران در کنفرانس سران جبهه پایداری چنین گفت: "... امپریالیسم و صهیونیسم جبهه‌های خود را در همه جهان گسترش داده، ما نیز باید جبهه مبارزه را جهت ضربه زدن به امپریالیسم گسترش دهیم. ما رابطه بین تحریکات بیشرمانه آمریکا در سواحل لیبی و همکاری استراتژیکی آمریکا و صهیونیسم و نیز بین توطئه‌های کمپ‌دیوید و سادات را به خوبی درک می‌کنیم ..."

انقلاب اسلامی ایران با شعار پیروزی فلسطین به پیروزی رسید و تلاش برای آزادی فلسطین و قدس عزیز خواست ملت ما است. این نشدنی است مگر این که مبارزه علیه آمریکا را گسترش داده و نیروهای خود را واحد کنیم.

مهندس موسوی افزود: "ما قویا از جبهه پایداری حمایت می‌کنیم چرا که این جبهه علیه کمپ‌دیوید می‌باشد."

حجت‌الاسلام دعائی نیز که سرپرستی هیئت ایرانی را در کنفرانس بین‌المجالس در هاوانا برعهده داشت قویا بر مواضع ضدامپریالیستی دولت جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد و خواستار محکومیت رژیم تجاوزگر صدام توسط دولت‌های شرکت‌کننده در این کنفرانس شد.

تحوالات اخیر بدون تردید مایه نگرانی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه خواهد بود. رادیوهای امپریالیستی با پخش اخبار و گزارشات دروغین و تلاش در جهت ناموفق جلوه‌دادن سفر هیئت ایرانی به بن‌غازی، نگرانی و هراس

خود را از سیاست خارجی فعال و ضدامپریالیستی جمهوری اسلامی ایران ابراز داشتند. مصاحبه وزیر خارجه پس از بازگشت به میهن نشان داد که سفر او به لیبی موفقیت آمیز بوده است.

علاوه بر امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن که هرگام مثبت جمهوری اسلامی ایران را سخت به‌زیان منافع و مصالح خود می‌بینند و در صددند با انواع تمهیدات و نیرنگ‌ها در راه اتخاذ و پیشبرد سیاست خارجی ضدامپریالیستی و ترقی‌خواهانه توسط دولت جمهوری اسلامی ایران کارشکنی کنند، در درون جمهوری اسلامی نیز هنوز هستند نیروهایی که با اتحاد ایران با جبهه پایداری و همکاری‌های متقابل ایران با دول سوسیالیستی و ترقی‌خواه مخالفت دارند و با وجود آن که خود را مخالف دوآتشه بنی‌صدر نشان می‌دهند، عملاً خواستار تعقیب همان سیاست خارجی مورد نظر امثال بنی‌صدر و قطب‌زاده هستند.

با این‌همه نیروهای اصیل و واقع بین خط امام که در مجلس شورای اسلامی، دولت و حزب جمهوری اسلامی نیروی غالب و رهبری کننده را تشکیل می‌دهند، علیرغم تمایلات محافظی که از اتخاذ سیاست ترقی‌خواهانه و منطبق با مصالح انقلاب هراس دارند، در ماه‌ها و هفته‌های اخیر توانسته‌اند، سیاستی کم و بیش اصولی و واقع بینانه را به پیش برند. ادامه این سیاستی و انطباق آن با سیاستی که به طور همه جانبه بر همکاری متقابل با دوستان جهانی انقلاب و پیوستن به صفوف دولت‌ها و نیروهای ترقی‌خواه منطقه و جهان باشد، ضامن پیروزی علیه تجاوزات و توطئه‌ها امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن است.

انقلاب و خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون مامشات سرکوب کند ولی آیا این نوآموزانی که این گونه در دام غلطیده‌اند را امکان آن نیست که فرصت دهیم، لختی در زندان بیاندیشند و پر و بالشان نیز به‌همان سوئی پرکشد که قلب و روحشان پر می‌کشد؟

بقیه از صفحه ۲۱

همبسته‌ای از ...

خود بکشایند. لاکن به هیچ وجه از انقلاب و از هیچ یک از نهادهای آن قطع امید نکرده‌ایم و نمی‌کنیم که بتوانند اکثریت قریب به اتفاق سینه‌های طینده این ۲۸ پسر و ۲۳ دختری را که غروب جمعه تیرباران شدند به سدهای نفوذ ناپذیر حافظ

این انقلاب و این میهن بدل سازند. ایمان داشته باشیم که انقلاب توان آن و فرصت آن را دارد که با گشودن راه بازگشت بر بسیاری از گمراهان صف سینه‌های ستبر فرزندان خود را فراختر سازد. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگند خورده این

بقیه از صفحه ۲

در راه درهم شکستن جبهه براندازی به سرکردگی امپریالیسم امریکا در انتخابات ...

ریاست جمهوری و میان دوره‌های مجلس بر همان موازینی استوار است که در انتخابات گذشته اعلام کردیم:

۱ - شرکت در انتخابات مبارزه در راه در هم شکستن جبهه براندازی به سرکردگی آمریکا است و همچنان متوجه حمایت قاطع و بدون تزلزل ما از خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی در مبارزه علیه خط سازش و تسلیم است.

۲ - شرکت در انتخابات عرصه‌ای است برای ایجاد تفاهم هرچه بیشتر میان نیروهای ضدامپریالیست وفادار به انقلاب. ما با تشویق مردم به شرکت هرچه گسترده‌تر در انتخابات می‌کوشیم زمینه‌های وحدت و اتحاد عمل را بین همه نیروهای مردمی و مدافع انقلاب گسترش دهیم.

۳ - مبارزه برای تثبیت و استحکام جمهوری اسلامی با تلاش برای استقرار حکومت قانون و اجرای بی‌خدشه قانون اساسی جدائی ناپذیر است. با شرکت فعال در انتخابات عوامل قانون شکن و نیروهای که به قانون پای‌بند نیستند در نزد توده‌های مردم افشاء می‌شوند و موضع نیروهایی که می‌خواهند به قانون اساسی پای‌بند و وفادار بمانند تقویت می‌گردد.

ما از هم‌اکنون به همه نیروهای مدافع انقلاب نسبت به خطری که در شرایط کنونی وحدت و انسجام نیروهای خط امام را در عالی‌ترین نهادهای جمهوری تهدید می‌کند هشدار می‌دهیم.

امروز سرچشمه این خطر در نزد "اسلام آمریکائی" و روحانیتی است که در لباس دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی با اقدامات قاطع به سود محرومان مخالفت می‌کند و آن‌را به بهانه غیرشرعی بودن مردود می‌شناسد. این خطر از جانب آن محافل قشری و تنگ‌نظری که علیرغم مبارزه آنان با امپریالیسم و کلان‌سرمایداری و بزرگ مالکی، خود را به هیچ قانونی پای‌بند نمی‌دانند و برخلاف رهنمودهای امام، مفاد اطلاعیه ۱ ماده‌ای و قانون اساسی هیچ حقی برای دگر اندیشان قائل نیستند نیز جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند.

نمایندگان این گرایش به‌گونه‌ای دیگر، مانند بنی‌صدر در راه پراکندگی مردم، تضعیف جبهه انقلاب و شکست انقلاب خونبار مردم ما گام برمی‌دارند.

۴ - در انتخابات میان دوره‌های مجلس، ما ترکیبی از مجموعه نیروهای بی‌گیر و وفادار به انقلاب را انتخاب و معرفی خواهیم کرد. ما ترکیبی را معرفی خواهیم کرد که معرف شرکت همه نیروهای مدافع انقلاب باشد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سراسر ایران در انتخابات ریاست جمهوری فعالانه شرکت می‌کند و تمام نیروهای مترقی میهن پرست و مردمی را به شرکت فعال در این انتخابات دعوت می‌کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در انتخابات میان دوره‌های مجلس شورای اسلامی شرکت میکند و در سراسر ایران می‌کوشد کاندیداهائی را معرفی و یا مورد پشتیبانی قرار دهد که در مبارزه علیه امپریالیسم و ایادی داخلی آن مواضعی قاطع و شناخته شده داشته باشند که علیه خط سازش و لیبرالیسم و به سود محرومان و اقشار زحمتکش جامعه و رعایت آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم، مصرح در قانون اساسی مبارزه کنند.

کاندیداهای مورد قبول سازمان برای ریاست جمهوری و لیست نامزدهای سازمان برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی را متعاقباً اعلام می‌کنیم ...



در راه خلق مدارک و دز برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم .

گرامی باد خاطره

رفقای شهید شهریورماه

- | | |
|-----------------------------|--------------------|
| ☆ احسن ناهید | ☆ جمال یحجالی |
| ☆ علیرضا شکری افشار | ☆ ایرج سپهری |
| ☆ عباس کابلی | ☆ صمد بهرنکی |
| ☆ غلامحسین بیگی | ☆ حسن صالحی |
| ☆ پروین فاطمی | ☆ شهریا ناهید |
| ☆ طهمورت اکبری | ☆ علییاز جهانبازلو |
| ☆ یعقوب نقدیری (امیر) | ☆ پرویز داوری |
| ☆ اعظم السادات روحی آهنگران | ☆ ابوبکر حمیدی |
| ☆ هاشم باباعلی | ☆ حسن سعادت |
| ☆ حسن جان لنگوری | ☆ علی میرشکاری |

فدائیان خلق، رفقای شهید سکرهای یسار و نجا و کران

- | | | |
|--------------------|----------------------------|------------------|
| ○ کاظم عیدی | ○ عالم عباس مجرد | ○ البربدلی |
| ○ علیرضا کاظمی | ○ عباس الله رسی | ○ امیر فخور |
| ○ علی حام زاده | ○ محمدرضا آذربان | ○ امرامانی |
| ○ ایرج حسن نا | ○ سیدالاسلامان زاده | ○ علی مناد |
| ○ لطف غلراده | ○ حسن الله فرحجس | ○ حواد کنجی |
| ○ پرویز کرمان | ○ ایرا هم سکرچی | ○ البرز بوسی |
| ○ اسحاق باقرزاده | ○ عبدالرحمن شاه مر | ○ مریم رشتی |
| ○ مرتضی دارابی | ○ محمود اسرو آبادی | ○ زحم سملی |
| ○ رهبر موسوی | ○ فریدوب مرتضی زاده | ○ سعید کوشس |
| ○ وحید بیگ سر | ○ محمد قاسم قاجاری | ○ بهرام وزامنی |
| ○ سوار باقرزاده | ○ محمد مهدی بنت ایدام | ○ محمود انجی |
| ○ کورس ناکس | ○ محمد اسداله برادر زاده | ○ خسرو کریمی |
| ○ حسد ولادوست | ○ محمد حسن صدر آبادی | ○ حسن برسی |
| ○ علاءرضا مهر سراد | ○ رحمانه (امیر) سعید باقر | ○ سیدالله برزادی |
| ○ محمدرضا جمعی | ○ پوری سسکان | ○ محمد سار داز |
| ○ منصور دهبانی | ○ سعید (عباس) افابور | ○ علی استوپی |
| ○ سیداله استانی | ○ نظریا جلیلی | ○ حسن تاجی |
| ○ حسن دهبان | ○ ایراسات زویس پلیدی | ○ ساس دهبان |
| ○ محمدرضا و خاف | ○ سید مرتضی موسوی | ○ اکرم تباری |
| ○ پرویز حله ای | ○ بهر درضا امیری اسو | ○ بهزاد سوا |
| ○ محمد علی بحرینی | ○ بهرام حسداله سعادی | ○ مرتضی سعیدی |
| ○ ابراهیم تلاسوند | ○ امیر سعید و انجلی استانی | ○ اناس باقاجانی |
| ○ محمود حنجس | | ○ منصور حسدزی |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

توصیه به هواداران و دوستان سازمان

گاه دیده می شود که هواداران سازمان و یا احیاناً سایرین به انگیزه ها و عناوین مختلف از اوراق، نامه ها و مدارک ادارات، سازمان ها و موسسات دولتی برای سازمان می فرستند . از آنجا که ممکن است برخی از اعضاء و هواداران سازمان و یا سایرین، از نادرستی و زیان آن مطلع نباشند، لذا بدین وسیله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آگاهی همگان می رساند که لزوماً رفقا و دوستان سازمان و سایرین، همان گونه که در قانون بازسازی نیز قید شده است، از ارسال اسناد و مدارک مؤسسات و ادارات دولتی جمهوری اسلامی ایران برای سازمان اجتناب ورزند .

علیرغم تاکیدات مکرر امام و اکثر مسئولین جمهوری اسلامی چرا اطلاعات ۱۰ ماده ای دادستانی به اجرا در نمی آید؟ در صفحه ۲۰

مسئولین جمهوری اسلامی! به تزلزلها، مامشات و گجدار و مریزها پایان دهید! به جای برنامه دادن عمل کنید! با اجرای طرح ۱۰ ماده ای دادستانی زمینه های واقعی وحدت مردم را بیش از پیش فراهم سازید!

در صفحه ۶

برنامه وزارت کار

چگونه به مشکلات کارگران پاسخ می دهد؟

● افراد مشکوکی که زیر پوشش حزب الله با چند اتوبوس به محل آمده بودند با شعار "مرگ بر شوروی" به میان جلسه آمدند و خودسرانه مانع کار جلسه شدند

در جلسه مجمع عمومی تعاونی مصرف فرهنگیان چه گذشت؟

در صفحه ۴

● مقاله ای که می خوانید پاسخی است در جهت تصحیح تحریفاتی که از مواضع سازمان در سرمقاله روز سه شنبه ۲۴ شهریور ماه است . ما این پاسخ را برای سردبیر محترم روزنامه کیهان فرستاده ایم و انتظار داریم بر پایه قانون مطبوعات در آن روزنامه درج گردد .

برداشت روزنامه کیهان از مواضع مادر مورد روش های مقابله با تروریسم ناقص و نشانه کم آگاهی است

در صفحه ۴

اخراج و عدم ثبت نام ناموجه دانش آموزان ضدیت با قانون اساسی، بی اعتنائی به پیام امام و حقوق خدشه ناپذیر مردم ایران است در صفحه ۱۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر